



جمهوری اسلامی افغانستان

ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل افغانستان



یک چهار چوب برای تطبیق 2014-2017

جمهوری اسلامی افغانستان
ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی
و برنامه عمل افغانستان

یک چهار چوب برای تطبیق 2017-2014



Building Environmental Resilience
تقویت تاب آوری محیط زیستی



این گزارش توسط یک تیم از اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) دولت جمهوری اسلامی افغانستان با کمک مالی صندوق وجهی برای فعالیت های توانمند سازی تحت پروژه تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) " طرح استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل افغانستان (NBSAP)، ارزیابی نیازمندی های ظرفیت سازی برای حفاظت تنوع بیولوژیکی در زیستگاه اصلی و بیرون زیستگاه اصلی"، تهیه گردیده است.

کمک در تطبیق و توحید پروژه از طرف بخش مدیریت حوادث بعد از جنگ (PCDMB) پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) به حمایت اداره انکشاف بین المللی کشور انگلستان (DFID) و منابع اضافی از طرف اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده (USAID) ضمن کمک بلا عوض از طریق شریک آنها ECODIT، فراهم گردیده است. تمام کار پیش طرح فنی توسط آقای جان کو، و خانم مرایلا پیلی، مشاورین پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) انجام گردیده است.



USAID
FROM THE AMERICAN PEOPLE



پیشگفتار

این استراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل برای افغانستان توسط اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، به همکاری تخنیکی و مشورتی از ادارات ذیربط دولتی، سازمان های غیر دولتی (NGOs)، سازمان های بین المللی و گروه های استفاده کننده در سطح مرکز و ولایات، تهیه و ترتیب گردیده است. این استراتیژی مقاصد دو گانه را دنبال مینماید: اول، تهیه نمودن یک سند پالیسی مفید برای رهنمایی برنامه ریزی حفاظت و مدیریت تنوع بیولوژیکی آینده، به دولت افغانستان، و ثانیاً، فرستادن گزارش در مورد اولویت های حفاظتی تنوع بیولوژیکی افغانستان به سکرتریت/دارالانشاء کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (یک شرط لازمی برای تمام کشور های عضو این کنوانسیون)، و سایر ادارات دولتی و شرکاء انکشافی افغانستان، میباشد.

این استراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل بر بنیاد یک بررسی کلی معلومات موجود در مورد تنوع بیولوژیکی افغانستان و وضعیت کنونی آن، حسب گزارشهای منتشره مستند و دیتابیس های موجود، و طبق نتایج مشورتهای متعدد با کارمندان دولتی و نمایندگان مردم از 34 ولایت افغانستان، تهیه و ترتیب گردیده است. این روند با کارهای ساحوی فوق العاده عالی، گزارشدهی وضعیت و تحلیل هایکه توسط نهاد های متعدد در گذشته صورت گرفته بود، تسهیل گردیده است. کارمندان و اداره انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) و پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) بالاخص در قسمت مساعد نمودن دسترسی به گزارشها و معلومات نشر نشده خویش، کمک نموده اند.

هرچند، درمورد تنوع بیولوژیکی افغانستان معلومات به مقدار نسبتاً زیاد موجود است، اما هنوز هم مسائل زیادی وجود دارد که از گوشه و کنار دور دست این کشور بزرگ، ناهموار و از لحاظ ایکولوژیکی متنوع، بایست جمع آوری و ثبت گردد. جنگ های متداوم، بدون شک منابع تنوع بیولوژیکی این کشور را متضرر ساخته، اما اندازه خسارات وارده بالای تنوع بیولوژیکی و تخریب آن تاکنون بطور گسترده مستند نگردیده اند، با وجود آن باید گفت که منابع وافر تنوع بیولوژیکی، تلاش های هم آهنگ مدیریتی را ایجاب مینماید. برای انجام سروی اضافی، تلاش های متمرکز نظارت، و کمک های متداوم بیرونی برای مدیریت تنوع بیولوژیکی نیز به کار های مزید نیاز دارد تا حفاظت مؤثر منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان، تأمین گردد.

برای تطبیق مزید و نظارت فعالیتهای کلیدی مدیریت تنوع بیولوژیکی در سطح مرکز و ولایات، به کمک های مالی بیشتر نیاز خواهد بود. پروگرام های متعدد قانونی و پلانگذاری روی دست گرفته شده اند و یا در حال اجراء می باشند. ارزیابی نیاز مندی های آموزش در یک سطح استراتیژیکی تکمیل گردیده اند اما به کار همآهنگ و ایجاد نصاب تعلیمی با وزرات معارف، وزرات تحصیلات عالی و پلان های آموزش حرفوی در جهت شامل ساختن عمیقتر تنوع بیولوژیکی در آموزش دهی رسمی و نیمه رسمی تنوع بیولوژیکی، ضرورت است. برای اینکه بنیاد های قانونی و پلانگذاری، و ظرفیت تطبیق برای مدیریت تنوع بیولوژیکی، هردو به مرور زمان بسنده و فعال باشند، به توجه جدی نیاز خواهد بود.



مصطفی ظاهر - رئیس عمومی

اداره ملی حفاظت محیط زیست

جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مطالب

۳	پیشگفتار
۶	خلاصه
۸	مقدمه
۸	پس منظر
۸	پروسه
۹	استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی: اصول، اولویت ها و هدف ها

۳۸-۱۱	[۱] استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی: اصول، اولویت ها و هدف ها
۱۲	وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۱۳	وضعیت تقنینی و نهادی
۱۳	تعلیمات و آگاهی عامه پیرامون تنوع بیولوژیکی
۱۴	ارزیابی گونه ها
۱۹	تنوع بیولوژیکی زراعتی
۲۶	وضعیت ایکوسیستم
۲۸	شبکه ساحات حفاظت شده افغانستان و ساحات دارای اولویت برای فعالیت حفاظتی

۴۴-۳۹	[۲] تهدیدات در برابر تنوع بیولوژیکی افغانستان
۴۱	شکار، بدام اندازی و تجارت
۴۲	قطع جنگلات
۴۲	چرای مفرط
۴۳	جمع آوری بوته ها
۴۳	زراعت للمی
۴۳	تغییر دادن مسیر آب و از دست دادن تالاب ها
۴۴	تغییر اقلیم و بیابان زایی

۵۸-۴۵	[۳] استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی
۴۸	چارچوب استراتژیکی برای NBSAP افغانستان
۵۸	تطبيق NBSAP در سطح ادارات ولایتی/ولسوالی/محلّی
۵۸	اقدامات سکتوری

فهرست مطالب

۶۳-۵۹	[۴] پلان ملی تطبیق تنوع بیولوژیکی
۶۰	پلان برای ایجاد ظرفیت برای تطبیق NBSAP
۶۱	استراتیژی ارتباطات و تبلیغ برای NBSAP
۶۲	پلان برای بسیج منابع برای تطبیق NBSAP
۶۲	ساختار های ملی هماهنگی
۶۴	ضمیمه I: تعریفات
۶۵	ضمیمه II: مآخذ
۷۰	ضمیمه III: فهرست ارزیابی های در سطح ملی، بازبینی ها و دیتابیس های مرتبط به وضعیت تنوع بیولوژیکی و پلان گذاری تنظیم/مدیریت در افغانستان
۷۳	ضمیمه IV: منابع اضافی برای دست اندرکاران NBSAP
۷۳	وبسایت ها
۷۳	نشریات
۷۴	رهنمایی CBD COP پیرامون ایجاد/طرح NBSAPS
۷۷	مخفف ها

خلاصه

بطور عنعنوی، در بین مردم افغانستان و محیط زیست طبیعی آنها، یک پیوند نزدیک موجود بوده است.



اهداف کنوانسیون تنوع بیولوژیکی عبارت اند از: تقویت حفاظت ایکوسیستم های تنوع بیولوژیکی، زیستگاه ها و زیست بوم ها؛ تقویت حفاظت تنوع گونه ها؛ تقویت حفاظت تنوع وراثتی؛ تقویت استفاده و مصرف پایدار؛ کاهش فشار ناشی از بین رفتن زیستگاه ها؛ تغییر در کاربرد زمین و تخریب آن و استفاده غیر پایدار از آب؛ کاهش تهدید ها ناشی از گونه های مهاجم بیگانه؛ رسیدگی به تغییرات در تنوع بیولوژیکی ناشی از تغییر اقلیم و آلودگی هوا؛ حفظ و نگهداری ظرفیت ایکوسیستم ها برای تأمین کالا ها و خدمات حمایتی و تقویت معیشت، حفظ و نگهداری تنوع فرهنگی-اجتماعی مجتمعات بومی و محلی؛ حصول اطمینان در تقسیم منافع حاصله از منابع وراثتی بشکل منصفانه و متساوی، و حصول اطمینان از تقویت ظرفیت های مالی، بشری، علمی، تخنیک و تکنالوژیکی توسط اعضاء بمنظور تطبیق کنوانسیون تنوع بیولوژیکی. کشور های عضو کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، که افغانستان آنرا در سال 1992 امضاء و در سال 2002 به آن الحاق نموده، تشویق میگردد که یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل را منحیث یک چارچوب برای تطبیق اهداف کنوانسیون، تهیه و ترتیب نمایند.

استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل افغانستان (NBSAP)، که هدف آن حفاظت همه جنبه های تنوع بیولوژیکی افغانستان و استفاده از منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان بشکل پایدار در آینده است، شامل بخش های ذیل می باشد:

- ادامه ارزیابی های جاری در خصوص مجتمعات حیوانی و نباتی (فونا و فلورا) افغانستان با هدف کلی شناخت بهتر منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان و نیازمندیهای تحفظ آنها
- گسترش سیستم ساحات حفاظت شده تا از تمام ساحات ایکوسیستم های عمده و ساحات که دارای ارزش فوق العاده حفاظت یا میراث طبیعی اند
- طرح و تطبیق مکانیزم های حمایتی (مشوق ها، قواعد، مقررات، تعلیمات محیط زیستی و آگاهی محیط زیستی) که برای تحفظ مؤثر تنوع بیولوژیکی و سایر منابع طبیعی، ضروری اند
- طرح مکانیزم های مورد نیاز برای حفاظت مؤثر انواع/گونه های که از لحاظ اقتصادی مهم اند
- طرح و تطبیق مکانیزم ها تا استفاده پایدار منابع تنوع بیولوژیکی، بشمول تمویل، ظرفیت، ملاحظات پالیسی، تأمین گردد.
- جلوگیری از استفاده غیر قانونی و ناپایدار منابع تنوع بیولوژیکی

ستراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه افغانستان

هدف: حفاظت تمام جنبه های تنوع بیولوژیکی افغانستان، و استفاده پایدار از منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان در آینده، اطمینانی شود

ستراتژی: ایجاد و تطبیق یک چهارچوب عملی، کم هزینه (مقتصد) و پایدار برای مدیریت و حفاظت تمام اجزاء ترکیبی تنوع بیولوژیکی افغانستان، بر بنیاد بکار اندازی منظم و مؤثر منابع بشری و مالی کشور، و مشارکت های بین المللی

برنامه عمل: شناسایی اقدامات کوتاه، میان و درازمدت که باید انجام گردد، مسؤولیت های نهادی، و (تا حد ممکنه) نیاز مندی های بودجوی در جهت تطبیق اقدامات شناسایی شده

- طرح و تطبیق میکانیزم ها جهت جلوگیری از تخریب ایکوسیستم های طبیعی در اثر تهاجم گونه های مهاجم بیگانه
 - کنترل تأثیرات سوء ناشی از تغییر اقلیم، صحرا سازی و آلودگی بالای منابع تنوع بیولوژیکی
 - طرح و تطبیق میکانیزم ها و پلان ها برای حفظ کالاها و خدمات حاصله از ایکوسیستم های مهم، با تمرکز بالای جنگلات و درخت زارها
 - حفظ تنوع فرهنگی از طریق شناخت و ارجگذاری به دانش عنعنوی و طرق استفاده از زمین
 - مدیریت منابع وراثتی به نفع همه اتباع افغانستان، و
 - تأمین ظرفیت و منابع کافی ادارات دولتی برای انجام وظایف و مکلفیت های افغانستان منحصی یک عضو کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) و سایر میثاق های چندین جانبه محیط زیستی
- قانون محیط زیست جمهوری اسلامی افغانستان که در سال 2007 تصویب گردید، اداره ملی حفاظت محیط زیست را به هماهنگی و نظارت بر حفاظت و احیای محیط زیست افغانستان مکلف میسازد. بر اساس قانون محیط زیست، اداره ملی حفاظت محیط زیست مکلفیت کلی تطبیق ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل را در مشارکت با وزارت زراعت، آبیاری و مالداری و سایر ادارات ذیربط دولتی، و به همکاری تخنیک و حمایت مالی ارگان های بین المللی و سازمانهای غیر دولتی همکار، بعهده دارد.

مقدمه

بعضی بخش های کوه هندوکش برای تنوع بیولوژیکی نباتی، از ساحات مهم کشور بشمار میروند.

© James Gordon

پس منظر

کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) در مقابل تهدیدات فزاینده به انواع و ایکو سیستم ها ایجاد، و با یک تعهد جهانی برای انکشاف پایدار تقویت گردیده که در سال ۱۹۹۲ برای امضاء گشوده شد. اعضا این کنوانسیون تشویق میگردد تا یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل (NBSAP) را منحیث یک چارچوب برای تطبیق این کنوانسیون طرح نمایند. در حال حاضر مجموعاً ۱۶۶ عضو، استراتژی های ملی خویش را طرح نموده اند. کنفرانس- ۹ اعضا (۹-COP) سال ۲۰۰۸، از بقیه ۲۶ عضو تقاضا مینماید تا استراتژی های ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه های عمل خویش را الی سال ۲۰۱۰ تهیه نمایند.

افغانستان کنوانسیون تنوع بیولوژیکی را در سال ۱۹۹۲ امضاء و در سال ۲۰۰۲ عضویت آن را کسب نمود. قانون محیط زیست (۲۰۰۷) جمهوری اسلامی افغانستان، اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) را مکلف میسازد تا در مشوره با وزارت های ذیربط، استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل را که به حفاظت محیط اصلی و محیط بیرونی رسیدگی مینماید، از تاریخ انفاذ قانون محیط زیست در خلال مدت دو سال، تهیه نماید.

این استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل توسط اداره ملی حفاظت محیط زیست در مطابقت با هر دو نیازمندی تهیه گردیده است. از رهنمود کنفرانس اعضا (COP) در طرح نمودن این استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل (ضمیمه ۱-۱) در مورد پروسه و مسایل قابل رسیدگی، استفاده بعمل آمده است.

پروسه / روند

طرح استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل یک پروسه مشارکتی بوده که به رهبری اداره ملی حفاظت محیط زیست در مشوره تخنیکی با ۱۹ عضو گروه کاری تنوع بیولوژیکی که متشکل از نمایندگان ارشد پوهنتون کابل، اداره ملی حفاظت محیط زیست و وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بود، تهیه گردیده است.

طرح استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی بر بنیاد مراحل و فعالیتهای ذیل انجام گردیده است:

- بررسی کنوانسیون تنوع بیولوژیکی و رهنمود آن در مورد تهیه استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل.
- بررسی استراتژی های ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه های عمل کشور های همجوار، و استراتژی های ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه های عمل نمونه وی سایر کشور های جهان، غرض کسب تجارب و رهنمائی در ارتباط به کاربرد بهترین شیوه ها و تخنیک ها
- ارزیابی جامع از معلومات موجود در باره وضعیت تنوع بیولوژیکی و تهدیدات علیه تنوع بیولوژیکی در افغانستان بر بنیاد یک تجدید نظر بر گزارش دهی و مصاحبه های موجود با ادارات دولتی، تمویل کننده های بین المللی و کارمندان سازمان های غیر دولتی. بازبینی معلومات قبلی و علمی بر بنیاد گزارشدهی (به زبان انگلیسی) بوده است، و معلومات در مورد تنوع بیولوژیکی به دیگر زبان ها یا زبان های رسمی کشور (دری و پشتو) اندک می باشد
- مشورت ها به سطح ولایات در بامیان، بلخ، هرات، و کابل اساساً با سهیم ساختن کارمندان ولایتی اداره ملی حفاظت محیط زیست، اعضاء مجتمعات محلی، سازمان های غیر دولتی و ژورنالیست ها. هدف مشورت ها در سطح ولایات دریافت معلومات راجع به وضعیت تنوع بیولوژیکی، تهدید ها، گزینه های مدیریتی بود که از جمله ۳۴ ولایت افغانستان نماینده های ۲۷ ولایت اشتراک کرده بودند. معلومات تعقیبی از بقیه ۷ ولایت افغانستان توسط اداره ملی حفاظت محیط زیست از طریق تماس تلفونی حاصل گردید
- بازبینی جامع و درجه بندی گزینه های تنظیم (طوریکه از طریق پروسه فوق الذکر طرح گردیده) توسط گروه کاری تنوع بیولوژیکی
- آمادگی برای ارزیابی تهدید ها، بشمول درجه بندی تهدید های متوجه تنوع بیولوژیکی افغانستان توسط گروه کاری تنوع بیولوژیکی
- آمادگی و تجدید نظر بر یک چارچوب استراتژیکی برای تحفظ آینده منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان، شناسایی اقدامات ترجیحی مورد نیاز جهت رسیدگی به ۱۱ هدف و ۱۳ مقصد استراتژیکی شامل سازی در استراتژی، جدول زمانی پیشنهاد شده برای هر فعالیت، اداره مسؤول دولتی (RGO) تحت قوانین/ پالیسی های نافذه، و اداره مؤظف دولتی تطبیق کننده (IGO)

استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی: اصول، اولویت ها و هدف ها

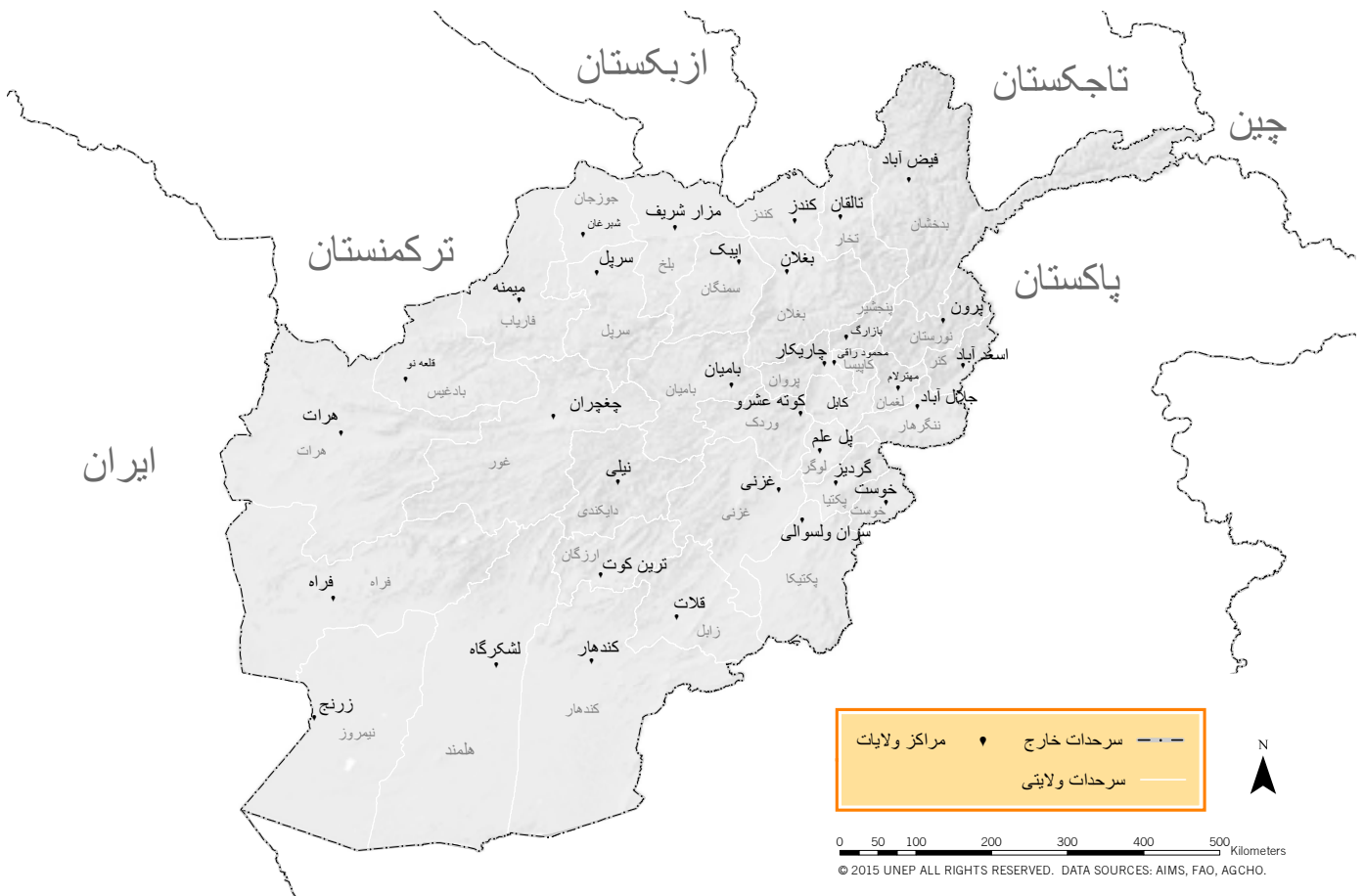
استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی افغانستان با سایر استراتژی های محیط زیستی موجود و آنهایکه در حال طرح می باشند، در یک ردیف خواهد بود. دو همچو پالیسی دارای اهمیت و ارتباط خاص عبارت اند از استراتژی سکتور محیط زیست ۱۳۸۷-۱۳۹۱ (۱۳/۲۰۱۲-۸/۲۰۰۷) (دولت افغانستان ۲۰۰۷) و برنامه ملی اولویت ۱: برنامه ملی آب و انکشاف منابع طبیعی (دولت افغانستان ۲۰۱۲). اهداف جامع دراز مدت این پالیسی ها و استراتژی ها در استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی (NBSAP) منعکس گردیده اند.

استراتژی سکتور محیط زیست ۱۳۸۷-۱۳۹۱ (۱۳/۲۰۱۲-۸/۲۰۰۷) بطور عام بالای استفاده از ساحات حفاظت شده در جهت مدیریت و نگهداری تنوع بیولوژیکی افغانستان، ترکیز می نماید. با تأیید این که افغانستان هیچگاه از یک سیستم مؤثر ساحات حفاظت شده بهره مند نشده است، استراتژی مذکور تاریخچه سیستم ساحات حفاظت شده را از سال های دهه ۱۹۷۰ ضمن یک بررسی که در سال های دهه ۱۹۹۰، انجام گردید، می شناسد. با آنهم، نبود یک قانون جامع برای ایجاد مدیریت ساحات حفاظت شده بدین معنی بوده که وضعیت دقیق قانونی موجود هر ساحه حفاظت شده مبهم می باشد (دولت افغانستان ۲۰۰۷). بنا برآن، هدف این استراتژی حصول وضاحت در مورد وضعیت قانونی و مرز های هر ساحه حفاظت شده، با قانون توانمند ساز در جهت تسهیل ایجاد و مدیریت شبکه ساحات حفاظت شده، بشمول الحاق به کنوانسیون تالاب های رامسر برای حمایت از توالد و تناسل مجتمعات پرند ه های آبی مهاجر دارای اهمیت بین المللی، می باشد. این استراتژی همچنان در جستجوی ارزیابی ها در مورد اثرات اسکان بشری، جنگ، خشکسالی، سیاحت و مین های فرشی در این ساحات، و نیز در مورد سیستم های هایدرولوژیکی و تنوع بیولوژیکی، می باشد. بالاخره، هدف این استراتژی رسیدگی به تهدید های مشخص مانند مقررات شکار و سایر فعالیت های انسانی در داخل ساحات حفاظت شده، و پاک کردن مین های فرشی می باشد (دولت افغانستان ۲۰۰۷).

برنامه ملی اولویت ۱: برنامه ملی آب و انکشاف منابع طبیعی ۱ هدف خویش را اینطور وضع نموده است «بهره برداری مؤثر، با مدیریت مناسب آب و سایر منابع طبیعی موجود برای افزایش حاصلات زراعتی و فراهم نمودن آب پاک و محیط زیست صحتی، با گزینه های انرژی قابل دوام برای آسایش مردم» (دولت افغانستان ۲۰۱۲). بنا برآن، این برنامه دارای سه هدف جامع ذیل می باشد:

۱. سیستم های بهتر آبیاری که آب را حفاظت، زراعت را گسترش و دسترسی به آب پاک آشامیدنی را تأمین نماید
۲. آب، جنگلات و چراگاه ها توسط مجتمعات با عرضه مشوقات و کمک های تخنیکی، اعاده و حفاظت خواهند شد
۳. افزایش دسترسی به انرژی محلی معیشت ها را بهبود بخشیده زمینه را برای فرصت های جدید کار و کسب زراعتی در جهت ایجاد اشتغال پایدار، مساعد خواهد ساخت

از طریق مقایسه و تحلیل ارقام موجوده، این برنامه در نظر دارد که حفاظت محیط زیستی و مدیریت آینده را با تقویت میکانیزم های نظارت و دیزاین و تطبیق عملی تنظیم منابع طبیعی مجتمع (CBNRM)، پروژه های حفاظت و مدیریت محیط زیستی، بهبود بخشد. بنا برآمی خواهد که حد اقل ۱۵٪ جنگلات تخریب شده و ساحات چراگاه موجوده، ۱۹۵,۰۰۰ هکتار (۱,۹۵۰ کیلومتر مربع) جنگلات و ۴,۵ میلیون هکتار (۴۵,۰۰۰ یا کیلومتر مربع چراگاه) را اعاده نماید. این برنامه همچنان توقع یک افزایش قابل توجه را در شبکه ساحات حفاظت شده، با ایجاد حد اقل هشت ساحه حفاظت شده جدید با تشکیلات مدیریتی کاملاً فعال و آغاز پروژه های حفاظت تنوع بیولوژیکی، می نماید (دولت افغانستان ۲۰۱۲).

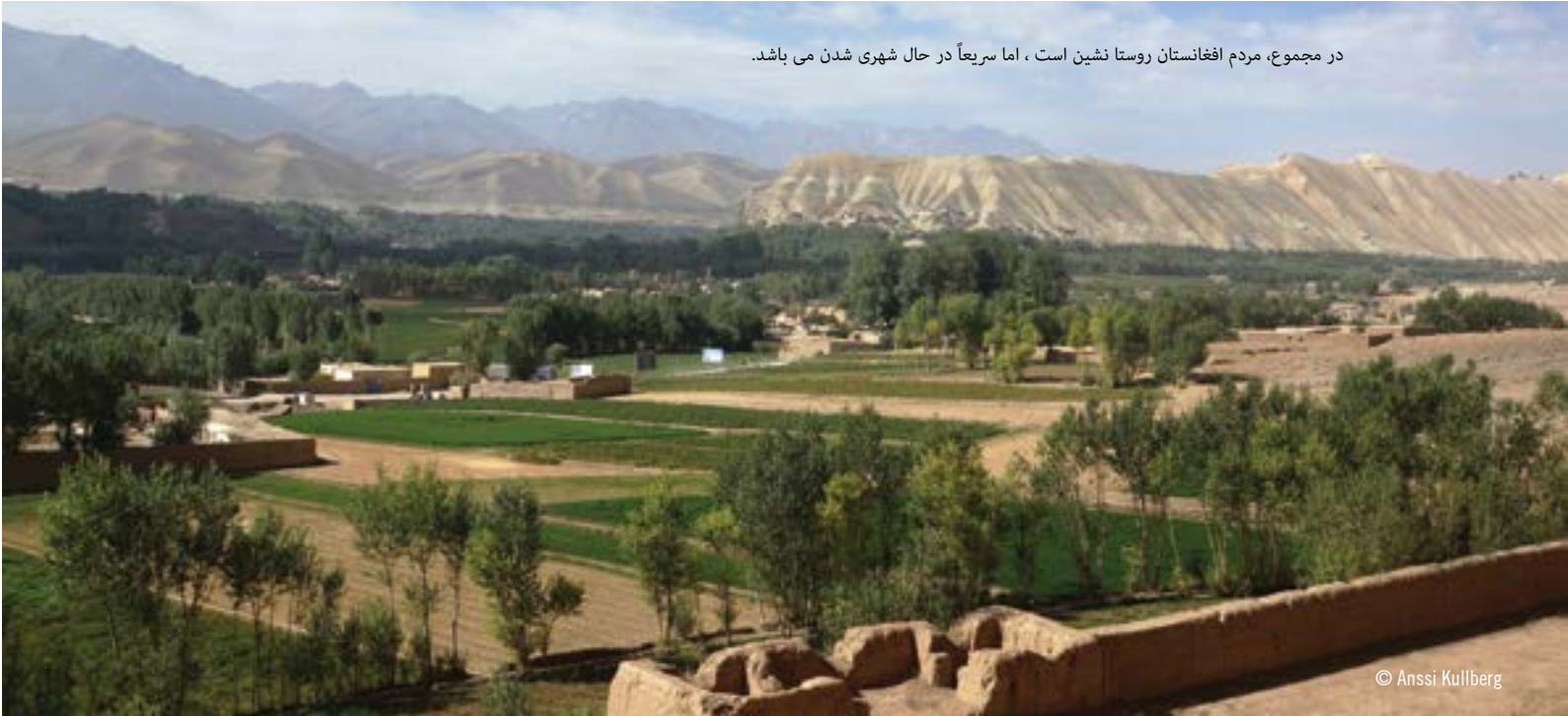


تنوع بیولوژیکی افغانستان



تنوع بیولوژیکی افغانستان

در مجموع، مردم افغانستان روستا نشین است، اما سریعاً در حال شهری شدن می باشد.



© Anssi Kullberg

وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

افغانستان از لحاظ وسعت، یک کشور متوسط است که دارای (۶۵۲,۰۰۰ کیلومتر مربع) مساحت می باشد، یک کشور محاط به خشکه که شش کشور همسایه: پاکستان، ایران، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، و چین آنرا احاطه نموده اند. سلسله کوه های هندوکش از شرق به سمت مناطق مرکزی کشور امتداد یافته که در قسمت های شمال غرب و جنوب غرب کشور و در امتداد دره های نشیبی، ارتفاع آن به تدریج کم می شود. ارتفاع آن در بین ۲۸۵ متر و ۷۴۸۵ متر متفاوت بوده که بلند ترین قله آن در پامیر، در سرحد با کشور چین در شرق دور (دارای یخچال ها و دایماً پوشیده از برف) می باشد. اقلیم کشور خشک/نیمه خشک، دارای زمستان های سرد و تابستان های خشک می باشد. تنها ۱۲٪ ساحه آن قابل زرع تخمین گردیده است. جمعیت کشور، در حال حاضر، در حدود ۲۸ میلیون تخمین گردیده و میزان رشد سالانه آن ۲,۶٪ تخمین شده است.

جمعیت تخمینی افغانستان در ماه جولای سال ۲۰۰۵ در حدود ۲۹,۹۲۸,۹۸۷ نفر، تقریباً دو برابر جمعیت در آغاز جنگ داخلی در سال ۱۹۸۷ بود (کتاب معلومات جهانی، ویسایت CIA). این رقم تخمین بالایی برای جمعیت ۲۰۰۵ که توسط بانک جهانی در سال ۱۹۷۸ پیش بینی شده بود، را نشان می دهد. (Sayer and Van der Zon ۱۹۸۱; p. ۱۳).

افغانستان در مجموع یک کشور روستایی می باشد اما سریعاً بطرف شهر نشینی می رود. در سال ۱۹۷۰، تنها ۱۱٪ جمعیت کشور شهرنشین بود. اما در سال ۲۰۰۳، این رقم به ۲۳,۳٪ افزایش یافت و پیش بینی می شود که در سال ۲۰۳۰ این رقم به ۴۱,۹٪ برسد (بخش جمعیت ملل متحد-۲۰۰۶). میزان رشد طبیعی این کشور در مقایسه با ۱,۴٪ میزان رشد جهانی سال ۲۰۰۰، سالانه ۲,۶٪ می باشد (Population Reference Bureau ۲۰۰۵). مطابق آن ۴۴,۷٪ جمعیت پایین تر از سن ۱۴ سال می باشد (کتاب معلومات جهانی، ویسایت CIA)، که یک رشد سریع جمعیت را در آینده ارائه می نماید. مدت دو برابر شدن جمعیت برای افغانستان کم تر از ۳۰ سال می باشد. برای سال ۲۰۵۰ جمعیت پیش بینی شده کشور ۸۱,۹۳۳,۰۰۰ نفر می باشد (Population Reference Bureau ۲۰۰۵). از سال ۲۰۰۱ بدینسو، بیشتر از ۳,۵ میلیون پناهنده به کشور عودت کرده اند در حالیکه ۲ میلیون نفر هنوز منحیت پناهنده در خارج از کشور زندگی مینماید (وبسایت «عودت به افغانستان» UNHCR). مردم بیشتر فشار های بیشتر را بالای محیط زیست میگذارند که ناگزیر به کاهش تنوع بیولوژیکی منتج می گردد. رشد رو به افزایش جمعیت افغانستان در برابر حفاظت تنوع بیولوژیکی و در نهایت کیفیت زندگی مردم، یک چالش جدی را ارائه می نماید.

ارزش اساسی تنوع بیولوژیکی برای مردم افغانستان عبارت از اجناس و خدماتی اند که تنوع بیولوژیکی برای آنها فراهم مینماید. آشکارترین اینها عبارت از استفاده مستقیم اجزاء تنوع بیولوژیکی از محصولات عنعنوی، میوه جات، چرا، جمع آوری چوب سوخت و چوب های تعمیراتی، ماهی گیری و شکار می باشند. آنچه کمتر آشکار است «خدمات ایکوسیستم» که تنوع بیولوژیکی را فراهم مینماید، می باشد. اینها شامل: حاصلخیزی زمین، کنترل فرسایش خاک، گرده افشانی محصولات، و ثبات اقلیمی و غیره می باشند. خدمات ایکوسیستم که تنوع بیولوژیکی را فراهم می نماید، به ندرت درک گردیده و اکثراً از نظر انداخته می شود، طوریکه آقای دایمند (۲۰۰۵) استدلال می نماید، از دست دادن این خدمات ایکوسیستمی اکثراً به زوال و در نهایت درهم پاشی مجتمعات منتج گردیده است.

تنوع بیولوژیکی بنام «دارایی فقیر» یاد شده است (انستیتوت منابع جهانی ۲۰۰۵) زیرا مردم فقیر اکثراً روستایی بوده، در کنار کشتزار زندگی میکند و برای مواد و خدمات، مانند محصولات حاصلده و چرا گاه، چوب سوخت، مواد ساختمانی، ماهیگیری و شکار، به آن متکی میباشد. زمین مملو از تنوع بیولوژیکی یک قسم دارایی است، هر چند که این دارایی را نمی توان به حساب پول اندازه نمود. بر عکس، کشوری که تنوع بیولوژیکی خویش را از بین برده باشد باید فقیر بماند. بدون مواد و خدمات اساسی که تنوع بیولوژیکی فراهم می نماید، برای مردم روستایی امکان ندارد که تنها از عواید زمین امرار حیات نماید. آنگاه فقر و مهاجرت یگانه گزینه می باشد. اگر افغانستان خواسته باشد که یک کشور مرفه و از لحاظ اقتصادی مصوون باشد، باید اولتر از همه از ضیاع تنوع بیولوژیکی خویش جلوگیری نماید.

وضعیت تقنینی و نهادی

منابع تنوع بیولوژیکی مشتمل است بر تخمیناً ۳۵۰۰ - ۴۰۰۰ نوع نباتات بومی رگدار، ۴۲۸ - ۵۱۵ نوع پرنده، ۱۳۷ - ۱۵۰ نوع حیوانات پستاندار، ۱۰۱ - ۱۳۹ نوع ماهی، ۹۲ - ۱۱۲ نوع خزنده و ۶ - ۸ نوع ذو حیاتین (UNEP ۲۰۰۹). تعداد انواع بومی مهره دار (فقاریه) نسبتاً کم است (۷ نوع)، اما تعداد انواع بومی گیاهی نسبتاً زیاد (احتمالاً بیشتر از ۱۰۰۰ نوع) میباشد. منابع وحشی تنوع بیولوژیکی، از لحاظ تاریخی، منابع اصلی مواد خوراکی، ادویه جات، مواد تعمیراتی، و اقلام تجارتی بوده اند، و در همه سطوح اقتصاد کشور مهم محسوب میگردد.

نسل های انواع محصولات زراعتی و حیوانات اهلی از جمله عناصر بسیار مهم تنوع بیولوژیکی زراعتی افغانستان میباشد که با شرایط شدید محیط زیستی در سراسر کشور سازگار ساخته میشود و اساس معیشت روستائی را فراهم مینماید. نباتات علوفوی و خوراکی بطور خاص، برای تخمیناً ۳۰ هزار رمة گوسفندان بسنده می باشد.

در حال حاضر مسؤولیت مدیریت و تنظیم منابع تنوع بیولوژیکی در بین دو اداره: اداره ملی حفاظت محیط زیست و وزارت زراعت، آبیاری و مالداری منقسم می باشد. هر دو اداره دولتی در سطح مرکز و ولایات حضور فعال دارند. در کنار سایر مؤسسات بین المللی، انجمن تحفظ حیات وحش (WCS)، پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) و مرکز بین المللی برای انکشاف منسجم ساحات کوهستانی (ICIMOD) در برنامه های ارزیابی تنوع بیولوژیکی و تحفظ منابع طبیعی، نقش کلیدی را ایفا مینمایند. هر چند منابع مالی و ظرفیت قوای بشری، بطور کلی، برای تحفظ مؤثر تنوع بیولوژیکی و تنظیم آن، نسبتاً پایین میباشد.

مسائل مربوط به تحفظ منابع تنوع بیولوژیکی در افغانستان خوب واضح است (UNEP ۲۰۰۹) اما کار سروی اساسی، رشد ظرفیت در عرصه مدیریت و ایجاد یک سیستم نمونه وی ساحات حفاظت شده به اقدامات لازم تحفظ نیاز دارد. اثرات ضمنی تغییر اقلیم بالای منابع تنوع بیولوژیکی در کشور تا حال مشخص نگردیده، اما این اثرات با توجه به اینکه تقریباً همه منابع آبی افغانستان از منابع چون برف و باران که در کشور می بارد، مستقیماً سرچشمه میگیرند، میتواند قابل ملاحظه باشد (UNEP ۲۰۰۳).

تعلیمات و آگاهی عامه در مورد تنوع بیولوژیکی

اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، به اساس قانون محیط زیست سال (۲۰۰۷) مسؤولیت هماهنگی شیوه های رسمی و غیر رسمی تعلیمات محیط زیستی در افغانستان را بعهده دارد. در ۲۰۱۲، پیشرفت قابل ملاحظه صورت گرفته است. در همین سال، یک دیپارتمنت محیط زیست در پوهنتون کابل گشایش یافت. فعالیت های در سطح ملی بر ایجاد یک ستراژی ملی هم برای وزارت ها و هم برای شرکاء غیر دولتی و جامعه مدنی، متمرکز می باشد.

علاوه بر ایجاد مواد تدریسی و آموزش دهی، تهیه یک مسوده برنامه اولویت ملی واحد های فرعی در مورد تعلیمات محیط زیستی در برنامه اولویت ملی (NEPA) برای وزارت مالیه در سال ۲۰۱۲ تصویب گردیده است. اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) دارای یک واحد فعال و کوچک آگاهی محیط زیستی می باشد که در جهت بسیج نمودن سایر وزارت های مرتبط و جامعه مدنی بسوی اقدامات قابل لمس در مورد محیط زیست تلاش و فعالیت مینماید.



یکی از میراث های جنگ: به سبب دسترسی محدود به بخش های زیاد کشور، جمع آوری معلومات در سال های اخیر مختل گردیده است.

ارزیابی انواع/گونه ها

افغانستان یک منطقه جغرافیایی دارای ذخایر تنوع بیولوژیکی درجهان نیست. آقایان Jenkins و Groombridge (۱۹۹۴) یک شاخص مقایسوی تنوع بیولوژیکی برای تمام کشورها را در بیشتر از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع ساحه، بر بنیاد تعداد پستانداران، پرنده ها، خزنده ها، ذو حیاتین ها، گیاه های رگدار و انواع بومی، محاسبه نمودند. این شاخص برای گزارش دهی سائز های مختلف کشور ها، اندازه گردیده است. نمبر صفر (۰) اوسط را نشان می دهد که نصف کشور دارای شاخص های بلند تر تنوع بیولوژیکی و نصف دیگر شاخص های پایین تر دارند. شاخص افغانستان ۰،۲۹۶- می باشد بدین معنی که شاخص تنوع بیولوژیکی آن تا حدی پایین تر از اوسط می باشد. شاخص های کشور های همجوار از پاکستان (۰،۱۲۱-) و از ایران (۰،۱۹۴-) تا حدی بلند تر اند، اما از اوسط هنوز پاینتر می باشد. شاخص ها برای کشور ترکمنستان (۰،۵۷۲-)، تاجکستان (۰،۵۳۶-)، ازبکستان (۰،۴۱۳-) و قزاقستان (۰،۵۸۱-) میباشد که همه آنها پایین تر از شاخص افغانستان میباشد. نمبر نسبتاً پایین افغانستان بیشتر به سبب فقدان فقاریه های بومی می باشد.

تحلیل یاد داشت های ثبت شده در پروگرام محیط زیست ملل متحد (۲۰۰۹) نشان می دهد که در حدود ۱۳۷-۱۵۰ نوع پستاندار، ۴۲۸- ۵۱۵ نوع پرنده، ۹۲-۱۱۲ نوع خزنده، ۶-۸ نوع ذو حیاتین، ۱۰۱-۱۳۹ نوع ماهی، ۲۴۵ نوع پروانه و ۳۵۰۰-۴۰۰۰ نوع گیاه های رگدار بومی افغانستان می باشند. اختلاف در شماره ها ناشی از مبهم بودن دسته بندی و نا معین بودن بعضی یاد داشت های ثبت شده میباشد. تنها ۷ نوع فقاریه (پستانداران، غیر پستانداران، پرنده ها، سهره برف افغانستان (*Montifringilla theresae*))؛ خزنده ها، مارمولک (*Asiocolotes*) های پغمان (*Batrachuperus mustersi*)؛ ماهی، (*Triplophysa farwelli*) بومی افغانستان شناخته شده اند اما تخمین ها برای انواع گیاه های بومی الی ۳۰٪ می باشد (Breckle ۲۰۰۷). برای درک کامل از تنوع بیولوژیکی کشور، به کار های خیلی زیاد سروی بیولوژیکی و تلفیق نیاز است.

پروژه های مختلف وضعیت انواع افغانستان را ارزیابی و یک سطح تهدید را تعیین می نماید. فهرست سرخ اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) با استفاده از معیار کمی، خطر در سطح جهانی را ارزیابی مینماید. افغانستان در این اواخر کمیته اجرائیوی حیات وحش افغانستان (AWEC) را تشکیل نموده است تا با استفاده از معیار های منظوقی اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) خطرات متوجه انواع افغانستان را ارزیابی نماید. کمیته مذکور همچنان به اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) پیشنهاد مینماید که انواع یا منحیث قابل برداشت و یا مطابق ماده ۴۷ قانون محیط زیست (EL) بطور حفاظت شده قانونی فهرست گردد. کنوانسیون بین المللی تجارت انواع در معرض خطر (CITES) انواع را در ضمیمه ها فهرست مینماید تا معلوم شود که در معرض تهدید تجارت بین المللی قرار دارد یا خیر. پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) و مرکز جهانی تحفظ و نظارت (WCMC) یک فهرست انواع افغانستان «قابل تحفظ» را تهیه

مینماید، اما فهرست مذکور به اندازه گسترده است و معیار برای شامل نمودن تا حدی مبهم است که بالخصوص، برای مقاصد اولویت بندی ارزش ندارد.

بمثابه یک نتیجه گیری کلی، تنوع بیولوژیکی به نظر می رسد که در سراسر افغانستان در یک میزان سریع رو به کاهش باشد. تحلیل های تصاویر ماهواره ای و ارزیابی حجم های چوب تجارتي نشان میدهد که جنگلات، هردو: جنگلات بسته و جنگلزار های باز، سریعاً در حال از بین رفتن می باشد. چرای مفرط و جمع آوری بوته ها برای سوخت، بایوماس گیاهی و تعویض جمعیت گیاهی را بطور قابل ملاحظه کاهش میدهد.

تغییر دادن مسیر آب و خشکسالی های فزاینده و متواتر، تالاب ها و دریا ها را با تأثیرات غیر مشخص بالای تنوع بیولوژیکی آبی خشک می سازد. موجودیت همزمان اسلحه به تعقیب سال های جنگ باعث از بین رفتن پستانداران بزرگ در بیشتر مناطق کشور می شود. تحلیل های نقش قدم نشان میدهد ظرفیت بیولوژیکی* سرانه افغانستان در حال تنزل است. تحلیل تصاویر بزرگ ماهواره ای نشان میدهد که تقریباً ۸۰,۰۰۰ کیلومتر مربع زمین افغانستان در بین سالهای ۱۹۸۱ و ۲۰۰۳، تخریب گردیده است.

ویژگیهای کوه ها و دشت های شدیداً مختلف افغانستان، باعث موجودیت زیستگاه های اقسام متعدد گردیده است. درجه حرارت و بارندگی با تغییر ارتفاعات بطور شگفت انگیز تغییر میکند که باعث ایجاد زیستگاه های متنوع و گروه های مختلف انواع که با آن سازگار اند، می گردد. کوه های افغانستان، همچنان در برابر بارندگی مانند یک حصار عمل مینماید که باعث رطوبت زیاد در بخش شرقی کشور، برفباری قابل ملاحظه در ساحت مرتفع و بارش باران در مناطق شمال و غرب کشور، می گردد. در نتیجه، انواع مختلف در تمام گستره های مرطوب، در بین دشت و جنگلات مونسونی، سازگار می نمایند.

افغانستان در مرز یکی از زون های ایکولوژیکی قرار دارد. گوسفند ارغالی یا مارکوپولو (*Ovis ammon poli*) در ارتفاعات ۱۰۰۰ متر ساحت کوهستانی آسیای مرکزی زندگی می کند. گوسفند ارغالی یک نوع آسیب پذیر میباشد (IUCN ۲۰۰۰) که به سبب داشتن شاخ های خیلی پربها در معرض تهدید شکار و از دست دادن زیستگاه به سبب چرای مفرط توسط رومه های اهلی در قلمرو اندو مالایی می باشد. هرچند اکثریت انواع که بومی زون های ایکولوژیکی در منطقه اند، خیلی از انواع اندو مالایی ممکن است از افغانستان ناپدید شده باشند.

تعداد انواع در یک ایکوسیستم در سطوح متوسط حاصلخیزی خیلی زیاد میباشد، اما در ساحت حاصلخیزی خیلی زیاد یا خیلی کم، تعداد آن کمتر می باشد. افغانستان یک کشور خشک، خیلی مرتفع و دارای مزاحمت انسانی بوده که عمدتاً حاصلخیزی پایین دارد. در نتیجه، افغانستان دارای انواع نسبتاً کم و از قبل آسیب پذیر می باشد. افغانستان یک کشور قاره ای و بدون حصار های مهم کوه در شمال و غرب می باشد که انواع/گونه های دارای اصلیت پلای ارکتک (مربوط یکی از هشت زون ایکولوژیکی) با کشور های همجوار به آسانی میتوانند خلط شوند. بنا برآن، دارای انواع/گونه های حیوانی بومی نسبتاً انگشت شمار می باشد.

شماری از دیتابیس ها (مجموعه ارقام/معلومات) تعداد انواع/گونه های افغانستان را فهرست می نمایند، اما آنها با هم دیگر فرق دارند و اکثراً در مورد منبع ارقام آنها وضاحت وجود ندارد. چک لست های حیوانات فقاریه خیلی محتاطانه می باشند، بنا برآن تنها انواع/گونه های را شامل مینمایند که در مورد موجودیت آنها در افغانستان از منبع معتبر نقل قول شده باشد. در مورد موجودیت انواع/گونه های زیاد دیگر در افغانستان نیز شکوک وجود دارد، اما منبع ای که شواهد دست اول ارائه کند نیز موجود نمی باشد. جدول ۱،۲ خلاصه ای از این چک لست ها می باشد. مطابق این چک لست، به تعداد ۷۸۹،۹۱۶ نوع/گونه های حیوانات فقاریه و ۳۵۰۰ الی ۴۰۰۰ نوع/گونه گیاه های رگدار در افغانستان وجود دارد.

جدول ۱.۲. تعداد انواع/گونه های شناخته شده موجود در افغانستان

تخمین ها	انواع گونه های احتمالی	انواع گونه های شناخته شده	
	۱۳	۱۳۷	حیوانات فقاریه
	۸۷	۴۲۸	پرنده ها
	۲۰	۹۲	خزنده ها
	۲	۶	ذومعشتین
	۳۸	۱۰۱	ماهی
ده ها هزار			حشرات
۴۰۰۰-۳۵۰۰			گیاه های رگدار
	؟	۲۰۸	گلسنگ
هزارها			سمارق/قارچ



© Marie Hale

پستانداران

کار مهم در مورد پستانداران افغانستان «پستانداران افغانستان (۲۰۰۳)» از آقای Habibi می باشد که به زبان دری نیز قابل دستیاب است. حییبی اظهار مینماید که دانش در باره حیوانات پستاندار افغانستان خیلی محدود است، که این معلومات بیشتر ناشی از یک سلسله سفر های اکتشافی جیولوژیکی و سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO) حاصل گردیده است. از زمان آغاز جنگها در سال ۱۹۷۸، در این مورد کار اندکی صورت گرفته است.

مجموعاً ۱۳۷ نوع/گونه اکنون معلوم گردیده است که در افغانستان موجود اند و وضعیت ۱۳ نوع/گونه دیگر آنها مبهم است. در مورد انواع/گونه های پستانداران که بومی افغانستان اند، معلومات در دست نیست. ۱۶ نوع پستانداران افغانستان در فهرست سرخ اتحادیه جهانی برای حفاظت طبیعت (IUCN) فهرست گردیده اند که در سطح جهانی در معرض تهدید انقراض قرار دارند. بیشتر این انواع/گونه ها گوشتخوار و جانوران سم دار می باشند. ۱۲ نوع/گونه های افغانستان در فهرست I-کنوانسیون تجارت انواع/گونه های در معرض خطر (CITES) میباشد، و ۱۳ نوع/گونه آن در فهرست II شامل می باشد. تعداد زیادی از انواع/گونه های افغانستان در معرض تهدید در داخل کشور قرار دارند اما تاکنون کدام پروسه رسمی وضعیت انواع/گونه های افغانستان را ارزیابی نکرده است. دو نوع/گونه (پوزپلنگ و پلنگ ببر) معلوم شده که از افغانستان ریشه کن گردیده است اما یک ارزیابی دقیق، احتمال دارد که این در این فهرست را افزایش دهد.

Habibi (۲۰۰۳) نقشه های گسترش و مواضع جمع آوری برای هر یک از نوع/گونه را فراهم می نماید. بدیهی است که نقشه های گسترش بر بنیاد چند ساحة معدود جمع آوری و یا مشاهده تهیه گردیده اند.، یگانه ارقام موجود که چند دهه قدامت دارد و همچنان نقشه های گسترش Habibi، هنوز گسترش

«مهم» یا «تاریخی» تلقی می گردد. احتمال دارد که گستردگی های موجوده انواع/گونه های زیاد، خیلی کاهش یافته باشد. گوشتخواران و گیاه خواران بزرگ از همه انواع/گونه ها زیاد متأثر گردیده اند.

پرنندگان

افغانستان عمدتاً در نتیجه اختلاط انواع/گونه های زیاد اندو مالایی در بخش های شرقی کشور و غالباً پرنندگان پلاي ارتکت در بقیه کشور، دارای تنوع غنی پرنندگان می باشد (Evans ۱۹۹۴). فهرست انواع/گونه های افغانستان تعداد شناخته شده انواع/گونه های پرنندگان را ۴۲۸ نوع/گونه تخمین می نماید و ۸۷ نوع/گونه بطور غیرمعمین دسته بندی گردیده اند (Dickinson ۲۰۰۴). اکثریت از ۸۷ نوع/گونه که بطور غیر معین فهرست شده در آینده امکان دارد موجودیت آنها در افغانستان مشاهده شود. (Evans ۱۹۹۴) ابزار مینماید که بیشتر از ۲۳۵ نوع/گونه ممکن است در افغانستان توالد و تناسل نمایند.

اکثریت ارقام/معلومات در مورد پرنندگان افغانستان بیشتر از ۳۰ سال قدامت دارد و ممکن است وضعیت کنونی را منعکس نسازد. nd Habibi بالای نوشته های قبل از جنگ تجدید نظر نموده و یک فهرست جدید بیشتر را از ۴۵۰ نوع/گونه بر بنیاد بررسی های نشر شده، ترتیب نموده است.

پنج نوع/گونه در فهرست اتحادیه جهانی برای حفاظت طبیعت (IUCN) منحیث در معرض شدید تهدید جهانی، دو نوع/گونه منحیث در معرض خطر و ۱۴ آن آسیب پذیر درج گردیده اند. ۹ نوع/گونه پرنندگان افغانستان در فهرست I-کنوانسیون تجارت بین المللی پرنندگان در معرض تهدید (CITES) و ۵۵ نوع/گونه در فهرست II- CITES درج گردیده اند. در سطح ملی کدام ارزیابی وضعیت خطر انجام نگردیده است. آخرین مشاهده قابل اعتبار از نوع/گونه شدیداً در معرض خطر کلنگ سایبریایی (Grus leucogeranus) در افغانستان در سال ۲۰۰۲ بود که توسط یک شکاری در ولسوالی شورتیپه ولایت بلخ در نزدیکی دریای آمو بالای آن فیر نمود Qais Agah از تحفظ محیط زیست افغانستان (مشاهدات شخصی، اپریل ۲۰۰۶). جمعیت فرعی کلنگ سایبریایی که از طریق افغانستان مهاجرت می نمود، اکنون دیگر مشاهده نمی شود.

تنها یک نوع/گونه که فکر میشود بومی افغانستان باشد، عبارت از گنجشک برقی یا سپره برقی *Montifringilla (Pyrgilauda) theresae* می باشد، هر چند بخشی از این جمعیت فصل زمستان را در ترکمنستان سپری می نماید (Rasmussen and Anderton ۲۰۰۵). همچنان شش نوع/گونه «تقریباً بومی» (*Columba eversmanni*), *Phyllosopus neglectus*, *P. subviridis*, *Oenanthe picata* and *Passer moabiticus* در افغانستان وجود دارند که بخش بزرگ دامنه/گستره را برای تولید نسل فراهم میکند (Evans ۱۹۹۴). کبوتر زرد چشم (*Columba eversmanni*) که از طرف اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) «آسیب پذیر» فهرست گردیده از اهمیت خاص برخوردار است. احتمالاً تعداد قابل ملاحظه کرگس (*Neophron percnopterus*) کرگس مصری (*Neophron percnopterus*)، کرگس خاکستری (*Aegyptius monachus*) و سایر پرنندگان شکاری نیز در افغانستان موجود اند و تولید نسل مینمایند.

تمام منطقه بالای همالیا در برابر پرنندگان خورد مهاجر که در بین مناطق سپری زمستان در نیم قاره هند و ساحت تولید نسل در آسیای مرکزی و شمال پرواز میکنند، یک حصار مهیب را ایجاد می نماید. افغانستان در بخش پایینی، منتهای غربی سلسله کوه های همالیا موقعیت دارد بنا برآن، شاهد مهاجرت تعداد زیاد گنجشک/پرنده های خورد در قلمرو خود میباشد (Bird Life International). افغانستان همچنان در مسیر پرواز آسیای مرکزی قرار دارد که برای مرغان آبی مهاجر که در سایبریای مرکزی و غربی تولید نسل می نمایند، ایستگاه فراهم می نماید.

یک چند تالاب بزرگ افغانستان مانند (آب ایستاده، دشت ناوور، هامون پوزک، هامون صابری) نقاط مهم ایستگاه پرنندگان مهاجر می باشند. انواع/گونه های پرنده های متکی به آب در امتداد کناره های دریا ها و دشت های سیلابی دیده می شوند. با استفاده از مجموعه معیار های منسجم، (Evans ۱۹۹۴) ۱۷ ساحة افغانستان را منحیث ساحة پرنندگان دارای اهمیت بین المللی پیشنهاد مینماید (IBAs). از آنجمله، ۹ ساحة بطور جداگانه منحیث ساحت حفاظت شده پیشنهاد گردیده اند.

سایر ساحت دارای اهمیت برای پرنندگان افغانستان که در مشاهدات شخصی Khushal Habibi (۲۰۰۶)، پیشنهاد گردیده عبارت اند از: دریای کتر (۳۵°۰۰'N; ۷۰°۴۵'E), هامون صابری (۳۱°۳۴'N; ۶۱°۲۳'E),

مشابه می باشد. رود خانه کوچک (چمکنی- کرم و ژوب گومل) که به دریای سندھ وصل میشوند، با حیوانات (ماهی) حوزه دریایی سندھ مشابهت قوی دارند. Coad به این نظر است که تخمیناً تعداد مساوی انواع/گونه های اندو مالایی و پلای ارتکت در افغانستان موجود می باشد.

Mirza (۱۹۸۱) اظهار میدارد که انواع/گونه های پلای ارتکت به ساحات شمال هندوکش و سلسله های کوه بابا محدود می باشد در حالیکه نوع/جنس نامنهاد «خیلی آسیایی» عمدتاً در بخش های بالایی تقریباً تمام دریا های عمده گسترش یافته است. ماهی های بومی آسیای جنوبی در سیستم دریایی سندھ بیشتر می باشد، در حالیکه انواع/گونه های آسیایی غربی در جنوب غرب افغانستان اکثریت بیشتر یافت می شوند.

افغانستان دارای یک تاریخ طویل پرورش ماهی می باشد. یک پرورشگاه ماهی رنگین کمان در سال ۱۹۶۷ در بند قرغه در نزدیک کابل تأسیس گردید. در دهه ۱۹۷۰ این پرورشگاه در حدود ۳۰,۰۰۰ ماهی کوچک تولید مینمود که در بند قرغه، دریای دره پنچیر، سالنگ، بامیان، و دریای سردی پرورش می یافتند. در دهه سال های ۱۹۷۰ یک پرورشگاه ماهی در پغمان، نزدیک کابل احداث گردید. از سال ۱۹۸۷ الی ۱۹۸۹، از طرف UNDP/FAO برای بازسازی پرورشگاه بند قرغه تلاش ها صورت گرفت اما به سبب رو به خرابی وضعیت امنیتی، صرفنظر گردید (Petr ۱۹۹۹). پرورشگاه ماهی رنگین کمان از طرف گروه متخصصین انواع/گونه های اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) بنام یکی از «بدترین انواع/گونه های مهاجم بیگانه جهان» تلقی گردیده است (Lowe et al ۲۰۰۰). معلوم نیست که رها نمودن ماهیان از این پرورشگاه به ایکوسیستم های دریایی افغانستان تا کدام حد زیان آور بوده است.



ماهی

۱۰۱ نوع/گونه ماهی بومی افغانی شناخته شده اند، و موجودیت ۳۸ نوع/گونه دیگر آن در کشور مشکوک می باشد. در فهرست مذکور نوع ماهی Cyprinidae (از ماهی قنات و ماهی کول - ۵۴٪ انواع) و نوع Balitoridae (ماهی تیان - ۲۵٪ از انواع) زیاد می باشد. پروگرام محیط زیست ملل متحد (۲۰۰۳ p. ۲۶) بدون ذکر مرجع، اظهار می نماید که هشت نوع/گونه ماهی ممکن است بومی دریای هلمند می باشد. هرچند، یک تحقیق «بنیاد ماهی» اظهار می نماید که تنها یک نوع/گونه ماهی (*Trypophysa farwelli*) معلوم شده است که بومی افغانستان می باشد. Coad (۱۹۸۱) تذکر می دهد که خیلی از انواع/گونه های ماهی بومی افغانستان توصیف گردیده اند، خصوصاً در جنس/کتگوری Schizothorax و Nemacheilus یا Noemacheilus، اما دسته بندی این جنس/کتگوری تا آن حد مبهم است که با سایر انواع/گونه های که وسیعاً گسترده اند، مترادف می باشد.

مطابق Coad (۱۹۸۱) ماهی های افغانستان به سبب دور افتادگی و بلند بودن خیلی از جریان های آب، خیلی ضعیف می باشند. بیشترین نوع ماهی در دریای کابل مشاهده می رسد که اکثر آن از دریای سندھ نشئت میکنند و بنا برآن از اصل اندو مالایی می باشند. تقریباً تمام انواع Cyprinidae در رود خانه کابل یافت میشوند، به استثناء Schizothorax Schizocypris، و Schizothoraichthys که در ارتفاعات بلندتر در هر دو: دریای هلمند و دریای کابل یافت می شود. (Coad ۱۹۸۱, Habibi ۲۰۰۲). دریای کابل همچنان دارای تقریباً تمام انواع ماهی Bagrid و گربه ماهی Silurid و هر سه نوع مار ماهی افغانستان می باشد (Coad ۱۹۸۱).

دریای آمو دومین رود خانه است که دارای انواع/گونه های حوزه دریایی کسپین و حیوانات پلای ارتکت می باشد. انواع ماهی ها در بخش های بالایی دریای آمو به نسبت بخش های پایینی دریای آمو که الی نزدیکی های تالاب اورال امتداد یافته است، ضعیف می باشد. بعضی انواع/گونه ها، مانند گربه ماهی ترکستانی (*Glyptosternum reticulatum*) با رود خانه کابل شریک می باشد. نوع *Salmo trutta* که نام محلی آن کل ماهی است به دریای آمو در نیشب های شمالی هندوکش محدود می باشد (Habibi ۲۰۰۲).

حوزه دریایی هلمند، با وجود اینکه از طویل ترین رود خانه های افغانستان می باشد، از سه رود خانه عمده دیگر تفاوت خیلی کم دارد. زیرا با حوزه های دریایی کابل یا حوزه دریای آمو بستگی تاریخی نداشته است. دریا های کوچکتر مرغاب و هریرود، به سبب یک بستگی قبلی، دارای حیوانات (ماهی)

داغ توندی (N^{۳۲°۴۱'۲۷}; E^{۶۰°۵۹'۰۶})، کول نمکسار (N^{۳۴°۱۱'۰۴}; E^{۶۰°۵۶'۳۹})، گاودی زره (N^{۳۴°۴۳'۲۹}; E^{۶۱°۴۱'۴۲}) و زور کول (N^{۳۷°۲۵'۰۵}; E^{۷۳°۰۴'۴۳}).

خزندگان

کار های قابل اعتماد در مورد خزندگان افغانستان از آقای Leviton و آقای Anderson (۱۹۷۰) می باشد، که تمام یاد داشت های ثبت شده گذشته در مورد خزندگان افغانستان را جمع آوری و نام گذاری نموده اند. آنها ابراز (p. ۱۶۴) نموده اند که دانش در مورد خزندگان (*herpetofauna*) افغانستان خیلی نامکمل است که هنوز باید انواع/گونه های زیاد کشف شوند، به خصوص، در هندوکش. در حال حاضر در افغانستان ۹۲ نوع/گونه شناخته شده اند و ۲۰ نوع/گونه آن «غیر معین» تلقی شده اند. یکی از این ۱۲۲ انواع/گونه ها سنگ پشت است، ۷۵ مارمولک/چلیپاسه و ۳۶ آن مار ها می باشد. تنها یک نوع/گونه از خزنده های افغانستان، سنگ پشت افغانی (*Testudo horsfieldii*) در فهرست سرخ اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) شامل است که در سطح جهانی در معرض خطر می باشد. دو نوع/گونه در ضمیمه I و ۹ آن در ضمیمه II ثبت گردیده اند و این معلوم نیست که چند نوع/گونه در سطح ملی در معرض خطر می باشند. بر بنیاد گسترش که توسط دیتابیس EMBL فراهم گردیده، چهار نوع/گونه خزند، بومی افغانستان می باشند که از آن جمله دو نوع/گونه مارمولک های مار مانند (*Asiocolotes levitoni*) و چلیپاسه های دیواری (*Cyrtopodion voraginosus*) و چلیپاسه های (*Eremias afghanistanica* و *E. aria*) می باشد.

ذو حیاتین

ذو حیاتین به بدنه های آب (دریا، تالاب و غیره) و درجه حرارت معتدل نیاز دارند. با نظر داشت موقعیت افغانستان در ارتفاعات بلند و شرایط خشک آن، موجودیت ناچیز ذو حیاتین مایه تعجب نیست.

صفحه انترنتی ذو حیاتین (نامعلوم ۲۰۰۶) هشت نوع/گونه ذو حیاتین را که در افغانستان یافت می شود، فهرست مینماید. چهار آن بقیه ها، سه آن قورباغه و یکی آن سوسمار می باشد. در مورد دو نوع/گونه بقیه (*Bufo latastii*, *Bufo oblongus*) برای افغانستان احتمالی تلقی می گردد. خانواده بقیه ها در این اواخر تحت بررسی جدی قرار گرفته (CITES) هیچ ذو حیاتین افغانستان را فهرست نه کرده است.

غیر فقاریه

اکثریت بزرگ انواع/گونه‌های جهان غیر فقاریه می‌باشند، اما در مورد غیر فقاریه‌های افغانستان تحقیق و بررسی اندکی صورت گرفته است و معلوماً اینکه موجود است، جمع آوری نگردیده است. احتمال دارد که ده‌ها هزار انواع یا گونه‌های حشره در افغانستان وجود داشته باشند و پروانه‌ها از جمله حشرات معروف اند و بخوبی شناسایی می‌شوند.

از جمله ۳۷ نوع/گونه جمع آوری شده از دو هیئت اکتشافی اعزامی، Solem (۱۹۷۹) ده نوع/گونه جدید را یافت که در افغانستان جدید بودند، به این نظر که «تنها نمونه کوچکی از تنوع نرم تنان افغانستان که تاکنون نمونه برداری شده است». نتیجه بررسی وی این بود که در سال ۱۹۷۹، تقریباً ۳۷ نوع/گونه از افغانستان شناخته شده اند. تنها یک غیر فقاریه افغانستان، پروانه (*Parnassius autocrator*) از ناحیه پامیر، در فهرست اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) منحصراً نوع/گونه در معرض تهدید جهانی درج گردیده است. هیچ یک از انواع/گونه‌های افغانستان در فهرست کنوانسیون تجارت انواع/گونه‌های در معرض تهدید (CITES) درج نمی‌باشند.

تعداد انواع/گونه‌های غیر فقاریه‌های بومی افغانستان معلوم نیست، اما احتمال دارد که قابل توجه باشند.

نباتات

در مورد گیاه‌های رگدار افغانستان به اندازه کافی معلومات وجود دارد، اما برای توحید این معلومات تلاش اندکی صورت گرفته است. جامع ترین کار در این مورد از Flora Iranica می‌باشد که در سال ۱۹۶۳ آغاز گردیده و اکنون بر ۱۷۴ مجلد جدا گانه مشتمل می‌باشد که به خانواده‌های گیاه‌ها بطور انفرادی رسیدگی می‌نماید. افغانستان در منطقه Flora Iranica قرار دارد. تعداد گیاه‌های رگدار افغانستان بطور متفاوت بین ۳,۵۰۰ (Groombridge ۱۹۹۲) و ۴,۰۰۰ (Groombridge and Jenkins ۱۹۹۴) می‌باشد.

سلسله کوه‌های هندوکش افغانستان در امتداد پامیرها و تیان‌شان موقعیت دارد که یک ساحه مملو از گیاه‌های متنوع رگدار می‌باشد. اما به امتداد هندوکش و دامنه‌های غربی آن تنوع گیاه‌ها تدریجاً کاهش می‌یابد.

گیاه داروی جگر از جمله گیاه واقعاً قدیمی بوده و بر گیاه‌های خزه‌مانند یا نوار مانند مشتمل می‌باشد. اینها معمولاً در ساحات مرطوب می‌رویند. به تعداد ۱۶ نوع/گونه‌های بومی افغانی توسط (Frey ۱۹۷۷) یاد داشت گردیده اند. تنها یک نوع/گونه درخت، نارون همالیایی (*Ulmus wallichiana*) در فهرست سرخ اتحادیه بین المللی حفاظت طبیعت (IUCN) درج می‌باشد. هشت نوع/گونه گیاهی در ضمیمه II کنوانسیون تجارت انواع/گونه‌های در معرض تهدید (CITES) درج می‌باشند.

گل سنگ‌ها و سمارق/قارچ

سمارق یا قارچ اجسام حبه گیاه مانند اند که فاقد کلروفیل بوده، غذا را از زیستگاه‌های خویش جذب می‌نمایند. آنها برای نمو و رشد خویش به روشنی/حرارت آفتاب ضرورت ندارند بنا برآن می‌توانند در جای‌های تاریک یا سایه زندگی نمایند. در مورد سمارق/قارچ افغانستان تنها سه یاد داشت بررسی خیلی ابتدایی در دست می‌باشند. احتمال دارد که هزاران نوع/گونه‌های سمارق/قارچ در افغانستان موجود باشد.

گل سنگ‌ها ترکیبی از سمارق و خزه یا علف دریایی می‌باشد که در یک پیوند همزیستی باهم رشد می‌نمایند. در افغانستان ۲۰۸ نوع/گونه‌های گل سنگ شناخته شده موجود می‌باشد. گل سنگ نوع *Xanthoria elegans* در افغانستان خیلی عام می‌باشد. رنگ این گل سنگ نارنجی مایل به سرخی بوده و دوستدار نایتروجن است که در سراسر جهان گسترش دارد که اکثراً به ادرار پرنده‌ها و پستانداران ربط داده میشود. سایر گل سنگ‌های معمول از نوع *Lecanora muralis* و *Caloplaca biatorina* می‌باشند. انواع این جنس، مانند *Cladonia. Cladonia. Hypogymnia* و *Usnea* در جای دیگر جهان گسترش یافته است، اما معلوم نیست که در افغانستان موجود است یا خیر (Steiner & Poelt ۱۹۸۶).

جنگلات صنوبر/کاج ولایت نورستان، بطور فزاینده در معرض تهدید قطع غیر قانونی می‌باشد. چارتراش‌ها اکثراً بطور غیر قانونی به پاکستان انتقال داده می‌شود که از آنجا به تجاران و ورکشاپ‌های نجاری فروخته می‌شود.

جدول ۲.۲، انواع/گونه‌های بومی افغانستان شناخته شده اند



هیچ	پستانداران بومی
گنجشکان برفی افغانستان	پرنده‌های بومی
مارمولک خانگی Leviton (<i>Asiocolotes levitoni</i>)	خزندگان بومی
<i>Cyrtopodion voraginosus</i>	
<i>Eremias aria</i>	
Point-snouted Racerunner (<i>Eremias afghanistanica</i>)	دو حیاتین بومی
سوسمارهای کوه‌های پخمان (<i>Batrachuperus mustersi</i>)	ماهی بومی
<i>Triplophysa farwell</i>	غیر فقاریه‌های بومی
نامعلوم	نباتات بومی
تخمیناً از ۳,۵۰۰ الی ۴,۰۰۰ نوع ۲۰-۳۰٪	

تنوع بیولوژیکی زراعتی

تنوع بیولوژیکی زراعتی عبارت از گوناگونی انواع/گونه های محصولات و موادی/حیوانات اهلی میباشد که دهاقین از آن استفاده میکنند، تغییر پذیری جنیتی در داخل هر یک از این انواع طوریکه در تنوع گونه های که پرورش داده میشود، و تغییر پذیری جنیتی سرچشمه های انواع/گونه های اهلی شده، می باشد.

اهمیت تنوع بیولوژیکی زراعتی

تنوع بیولوژیکی برای دهاقین بدین لحاظ مهم است که زمینۀ انعطاف پذیری را برای سازگاری با شرایط در حال تغییر مهیا می سازد. در هر نوع شرایط ثابت، بهترین نوعیت از بهترین نوع/گونه از یک قطعه زمین، کار و پول ایکه سرمایه گذاری گردیده، بزرگترین حاصل را خواهد داد. در نتیجه، دهاقین اکثراً تلاش های خویش را بالای پرورش نمودن مطلوب ترین نوع/گونه و نوعیت متمرکز می نمایند. هر چند، این ستراتیژی از خطر خالی نیست زیرا در صورت نبود بارندگی، حملۀ حشرات بالای محصولات، یا در صورت شیوع بیماری موادی، یک دهقان که بالای یک نوع/گونه یا نوعیت، اتکاء می نماید، ممکن است هر چیز خویش را از دست بدهد. بنا برآن، کشت یک نوع برای زراعت یک روش خیلی پر بار/پرخطر می باشد.

اقسام انواع/گونه های زراعتی

نوعیت محلی عبارت از نسل های مختلف یک محصول یا حیوانات اهلی می باشد که توسط دهاقین بطور خود آگاه و یا نا خود آگاه از طریق پرورش انتخابی انکشاف داده می شود. نوعیت های محلی با شرایط محلی خیلی سازگار می باشد. نوعیت محلی مختلف یک مقدار زیاد تنوع جنیتی را یکجا نموده و منبع قوی بیشترین مقاومت جنیتی را در منابع تخم های اصلاح شده شامل می نماید. مناطق کوهستانی، مانند افغانستان، به سبب دور افتادگی و شرایط مختلف در کوه ها و دره های قرب و جوار، از لحاظ نوعیت محلی غنی میباشند. نوعیت های محلی به اندازه واریته های «اصلاح شده» و جدید، حاصلات زیاد نمی دهد، هرچند آنها همیشه مستلزم مواد کیمیاوی کمتر و آماده سازی کمتر می باشند. آنها در برابر چالش های محیط زیستی ویژه در محیط محلی دارای مقاومت بیشتر می باشند. کشت نوعیت های محلی اکثراً در مقایسه با تخم های وارداتی اعلی، کم هزینه اما پرخطر می باشند. در افغانستان بیشتر محصولات که بطور للمی کشت می شود، از نوعیت محلی می باشد در حالیکه در زمین های آبیاری تخم های اصلاح شده بطور فزاینده کشت می شود (ICARDA ۲۰۰۲). تجارب در افغانستان نشان داده است که نسل های اصلاح شده و خارجی گوسفند نمی تواند در دامنه های کم علف زنده بمانند در حالیکه نسل های محلی می توانند از آنها استفاده نمایند (in Adil ۱۹۷۹ Yalcin ۲۰۰۰).

نوعیت های عنعنوی زیاد و نوع محلی انواع/گونه های کشت شده در حال از بین رفتن اند. چندین صد سال قبل، زردک به رنگهای رنگین کمان- بنفش، زرد، سفید و نارنجی کاشته میشد، اما اکنون تنها رنگ نارنجی و مایل به سرخ باقی مانده است. دهاقین قدیم کاشتن انواع مختلف نباتات از هر محصول را بطور لازم می کاشتند تا از آفات غیر مترقبه مانند خشکسالی، سرازیر شدن سیلاب ها و سایر امراض موسمی، حد اقل چیزی برای حاصل برداری میسر باشد. ایجاد تخم های دورگه، نسل کشی اصلاح شده حیوانات اهلی، ادویۀ بیطاری، حشره کش ها، کود های کیمیاوی و ماشین آلات زراعتی به دهاقین بر شرایط کشت کنترل بیشتر داده است که میتوانند تنها چند نوعیت که خیلی حاصلده باشند، را انتخاب نمایند. در نتیجه، خیلی از انواع/گونه های محلی نباتات و حیوانات بشمول منابع جنیتی آنها، در معرض خطر انقراض قرار دارند.

ارزش نوعیت های جنیتی که حاوی انواع/گونه های محلی محصول که دهاقین انکشاف داده اند، از دیر زمان شناخته شده است. در نتیجه، بانک های تخم زیاد در جهان وجود دارد که تنوع گسترده جنیتی سازگار را تا حد ممکنه حفظ می نمایند. قبل از جنگها، افغانستان یک کلکسیون تخم های محصولات که به سطح جهانی شناخته شده بود، دارا بود. متأسفانه، بانک تخم پوهنتون کابل در جنگ های داخلی بین سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴، از بین رفت. محققین، سپس نمونه های تخم محصولات عمده غذایی کشور را دوباره جمع آوری نمودند. در دوران تسلط طالبان، دانشمندان صد ها نمونه تخم را بطور خفیه انبار و این ذخایر را در منازل شخصی خود پنهان نمودند. در سالهای قبل از ۲۰۰۲، این کلکسیون ها بار دیگر توسط دزدان غارت شدند، ظاهراً به این گمان که خریطه های پلاستیکی حاوی نمونه های تخم، شاید کدام متاع ارزشمند باشد. کلکسیون تخریب شده مذکور بر انواع/گونه های مختلف از خیلی بازماندگان وحشی که از یک تنوع جنیتی غنی نمایندگی میکرد، مشتمل بودند که ممکن است دارای خصوصیات نادر مقاومت در برابر امراض و حشرات و مقاوم خشکسالی بوده باشند (Future Harvest ۲۰۰۲). تعدادی از کلکسیون های بین المللی از تخم تنوع بیولوژیکی افغانستان هنوز هم بخوبی حفاظت میگردد. «باغهای شاهی نباتی کیو، انگلستان»، «باغهای نباتی ایدنبرا، سکاوتلیند»، «هرباریوم ویانا»، «اولیوف انستیتوت در هارباریوم ماسکو» بصورت اختصاصی دارای کلکسیون های نباتات افغانی می باشند. علاوه بر آن، کلکسیون های هرباریوم افغانستان تا حدی توسط استادان پوهنتون کابل محافظت شده است، و الآن بیشتر از ۳۷،۰۰۰ نمونه های فشرده گیاهی بازیافت شده اند که به شکل دیجیتلی در دیتابیس درج گردیده اند.

انواع/گونه های وحشی منحیث اجداد انواع/گونه های زراعتی

تمام گیاه ها و حیوانات توسط شکارچیان- جمع کنندگان، دهاقین و چوپانان از انواع/گونه های وحشی از طریق یک پروسه انتخاب مطلوب ترین قسم در یک روند هزارها سال، انکشاف داده شده اند. در حدود ۲۰۰,۰۰۰ نوع/گونه های گیاه گلده وجود دارد. از این جمله، هزاران نوع آن قابل خوردن می باشند، اما انسان ها تاکنون توانسته اند تنها یک چند صد نوع/گونه را اهلی بسازند. تنها ۱۲ نوع (گندم، جواری، برنج، جو، ذرت خوشه ای، سویا/لوبیای روغنی، کچالو، کاساو/مانیوک، کچالوی شری، نیشکر، چغندر و کیله) ۸۰٪ بایوماس را تشکیل میدهد که انسانها در سراسر دنیا می خورند. تنها سه نوع/گونه گندم، جواری و برنج که کالوری غذایی نصف جمعیت انسانی را تشکیل میدهد. قابل تعجب اینکه فقدان تنوع در محصولات غذایی حقیقتی است که هیچ محصول جدید قابل توجه در چندین هزار سال گذشته، انکشاف داده نشده است (Diamond ۱۹۹۹).

این انواع/گونه های اهلی کرده شده اند به احتمال زیاد پستانداران گیاه خور و خاکزی می باشند که بیشتر از ۱۰۰ پوند یا (۴۵ کیلو گرام) وزن دارند. در جهان ۱۴۸ همچو نوع/گونه وجود دارد که شایسته اهلی کردن می باشد. با آنهم، ۱۴ نوع حیوانات اهلی تاکنون اهلی گردیده و تنها پنج اینها (گوسفند، بز، گاو، خوک و اسب) در سراسر جهان گسترش یافته اند (Diamond ۱۹۹۹). نسل شناس پیشتاز نباتات از کشور روسیه N.V. Vavilov در سال های دهه ۱۹۲۰ دریافت که در جهان هفت منطقه عمده وجود دارد که دهقانان قدیمی تقریباً تمام نباتات محصولات غذایی انسانها را از انواع/گونه های وحشی، انکشاف داده اند. تمام اینها در بین ۲۵ و ۴۵ درجه عرض البلد متراکم می باشند و با دامنه های کوه مرتبط میباشد؛ که شرایط افغانستان را کاملاً ترسیم مینماید. در حقیقت، به نظر آقای N.V. Vavilov افغانستان و کشور های همجوار آن از مراکز اصلی محصولات و زاد گاه اصلی گندم، جودر، جو، نخود، نخود سبز، بزرک، یونجه، شبدر، سیب، ناک، انار، بهی، گیلاس، کدو/خرپوزه، انگور، پسته و بعضی سبزیجات دیگر در جهان می باشد. تحفظ تنوع جنیتی این اجداد انواع/گونه های غذایی بشریت یک مسؤلیت جهانی میباشد.



افغانستان یکی از مهمترین محل پیدایش خیلی از گیاه های اهلی شده می باشد.

© Anssi Kullberg

انواع/گونه های محصولات و حیوانات اهلی افغانستان و تنوع آنها

جدول ۳،۲. خلاصه ای از غذا و محصولات اجناس می باشد که در افغانستان کاشته می شود. معلومات گیاهی از یک جدول منسوب نشده اقتباس شده است که در "افغانستان آنلاین" مشاهده رسیده و دارای بعضی اضافات و بعضی حذف ها میباشد (FAO ۲۰۰۳). فهرست مذکور مسلماً کامل نیست. گرایش تولیدات غله ای افغانستان شدیداً به طرف تولید گندم می باشد. در سال ۲۰۰۶، تولید پیش بینی شده غله باب افغانستان ۵,۵ میلیون تن بود که ۸۰٪ آن گندم، ۷٪ آن برنج، ۶٪ آن جواری و ۷٪ آن جو بود (FAO ۲۰۰۶).

گندم نان پزی (*Triticum aestivum*) در حدود ۴۷۰۰ سال قبل با پیوند کاری گندم سرخ (*Triticum turgidum*) و علف وحشی بز (*Aegilops squarrosa*) برای اولین بار گندم hexaploid (یعنی دارای شش مجموعه کروموزوم ها) تولید گردیده است. بعضی کارشناسان به این نظر اند که افغانستان دارای تنوع بیشتر گندم نان، به نسبت سایر جا های جهان می باشد و بنا بر آن، احتمال دارد که گهواره تولد آن بوده باشد (Fedak nd). خود آقای N.V. Vavilov ۱۱۰ نوع محلی گندم را از افغانستان جمع آوری نموده است. انستیتوی N.V. Vavilov در ماسکو در حال حاضر ۱,۷۲۱ نوع را از افغانستان ثبت نموده است در حالیکه دیتابیس شبکه معلومات منابع جنیتی وزارت زراعت ایالات متحده آمریکا (GRIN)، ۱۸۹۲ نوع افغانستان را فهرست نموده است (ICARDA ۲۰۰۲). این معلوم نیست که از این انواع/گونه ها چه تعداد آن هنوز تحت استعمال می باشد. در مورد تنوع محلی سایر محصولات افغانستان معلومات خیلی اندک در دست است.

انگور احتمالاً برای اولین بار در هرات اهلی ساخته شده است. در حال حاضر، گزارشها حاکی است که ۷۲-۷۶ نوع انگور محلی در منطقه هرات وجود دارد (Oliver ۲۰۰۴). برخی از این تنوع محلی توسط کارشناسان نسل گیری ایالات متحده آمریکا در جهت ایجاد نوع جدید، بکار برده می شود (Bohan ۲۰۰۳).

مطابق یک گزارش وزارت زراعت، آبیاری و مالداری (MAIL) و سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO) در مورد حیوانات اهلی که در ماه مارچ سال ۲۰۱۲ منتشر گردید، نشان میدهد که تخمیناً ۵ میلیون چارپای اهلی، ۱۲ میلیون گوسفند، ۱۱ میلیون بز و ۲۰۰,۰۰۰ شتر در افغانستان وجود دارد (RAMP nd). حد اقل ۹ نوع محلی گوسفندان (بلوچی، پنجشیر گدیک، واخان گدیک، غلجایی، هزارگی، کندهاری، قره قل، افغان عربی و ترکی)، ۸ نوع مواشی (افغان کابلی، بدخشانی، بویی، بدخشانی دسنیر، کندهاری، کنری، چخانسوری، سیستانی، و دو رگه های فریسیان، جرسی و سویس نسواری رنگ)، ۷ نوع بز (اسماری، کابلی، کندهاری، کشمیری، رهنما، تاجک و وطنی)، ۶ نوع اسپ (هراتی، مزاری، قطعنی، ترکستانی، وزیری، و یابو) و ۴ نوع مرغ خانگی (خسکی، کلنگی، رنگین و سابو) در افغانستان پرورش داده میشود (Khan and Iqbal nd). هر چند اینها بار اول در افغانستان اهلی نشده اند اما جد وحشی گوسفندان، بزها و مرکب (خر) ها (بالتتیب، بز/گوسفند وحشی و گوره خر) هنوز در افغانستان موجود می باشند، هر چند در معرض تهدید انقراض قرار دارند.

جدول ۳. تنوع انواع/گونه های زراعت افغانستان

میوه و مغرباب	سبزیجات	غله جات	حبوبات	علوفه	اجناس	حیوانات اهلی
انجیر	چغندر	گندم	عدس/نسک	شیدر	پنبه	گوسفندها
آلو	کنجد	جودر	نخود	یونجه	تنباکو	مواشی
کیله	پالک	جو	لوبیای پهن	ماش	خشخاش	بزها
خرما	ملی سفید/سرخک	جواری			بزرگ	مرکب (الاغ)
ناک	کدو	ارزن			شلغم روغنی	اسپ ها
شفتالو	کچالو				نیشکر	شترباختری
توت	کاهو				کرچک	شتر درمندی
انگور	گلپی					گاو میش
انار	سیر					غز گاو
سیب	گندنه					مرغ
بهی	شلغم					شتر مرغ
نارنج	مارچوبه					
گیلاس	کرم					
توت فرنگی	بادنجان					
چهارمغز	نوعی از کدو					
بادام	گلپی					
جلغوزه	نخود سبز					
پسته	پیاز					
عنانب	خردل					
لوکات	بادرنگ					
خرمالو	زردک					
کینو	تربوز					
لیمو	خربوزه					
	گل آفتاب پرست					
	کنگر فرنگی					
	بادنجان رومی					
	مرچ					
	براکولی					
	کرم					



وضعیت ایکو سیستم

پوشش نباتی جنگلات بسته

جنگل های انبوه بلوط و کاج/سرو احتمالاً همیشه محدود به بخش شرقی کشور بوده است، در حالیکه مونسون هندی در نقاط انتهایی غرب کشور خشکسالی های تابستانی را می شکند که زندگی نباتات را در بیشتر نقاط کشور محدود می سازد. بررسی نقشه های پوشش احتمالی گیاه Freitag (۱۹۷۰، ۱۹۷۲) نشان می دهد که جنگلات انبوه (بدون شمولیت جنگلات سرو کوهی شمالی) ممکن است زمانی ۵٪، یا ۳۴,۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت کشور را احاطه نموده بود. Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) تخمین می نمایند که ۳۶,۰۰۰ کیلومتر مربع ساحه را جنگل سایبان (یعنی کاج، بلوط و Olea-Reptonia) انبوه پوشانیده و تا سال ۱۹۷۱ باقی بود. اگر تخمین های تحلیل تصاویر ماهواره ای پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP-۲۰۰۳) معیار قرار داده شود، از سال ۱۹۸۱ بدینسو، نصف آن از بین رفته است که اکنون ۱,۸۰۰ کیلومتر مربع باقی مانده است. بر بنیاد این پنداشت ها، در حال حاضر تخمیناً ۱۵٪ از پوشش نباتی جنگلات انبوه، دست نخورده باقی مانده است که ۰,۲۵٪ از کل مساحت کشور را نشان می دهد. جنگلات قطع شده دوباره نمو نمی کنند، به احتمال زیاد به سبب فشار چرش مواشی و حرارت بلند خاک، به بوته زار تبدیل می گردد.

۲۹٪ بالتربیب در ردیف دوم و سوم قرار دارند. همچنان خسارات مشابه برای ولایات پکتیا، خوست و پکتیا نیز محاسبه شده است. درخت های سدر/سرو از همه بیشتر قطع می گردد.

جنگلات سوزنی برگ/ناجو کوهستانات شرقی افغانستان (PA۰۵۰۶)

منطقه ایکولوژیکی جنگلات سوزنی برگ/ناجوی کوهستانات شرقی افغانستان (PA۰۵۰۶) با اکثریت Immergrüne Nadelwalder Freitag (۱۹۷۱) und Offenwalder Evergreen Coniferous یا Freitag (۱۹۷۲) Forest and Woodlands (۱۹۷۲) مطابقت دارد. Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) این جمعیت درختان را بنام جنگلات معتدل سوزنی برگ یاد می کند. این جنگلات در بخش های شرقی افغانستان می باشند که از باران های مونسون تابستانی سیراب می شود که بخش بزرگ آن را درخت های بلوط (Quercus)، کاج (Pinus)، سرو/سدر (Cedrus)، صنوبر (Picea)، شاه درخت که نوعی از صنوبر (fir) می باشد. جنگلات سوزنی برگ/ناجوی کوهستانات شرقی افغانستان در ولایات نورستان، کتر، ننگرهار، پکتیا، خوست و پکتیکا یافت می شود. بارندگی در این مناطق به نسبت سایر مناطق کشور زیاد بوده و بارندگی در طول سال بطور یکنواخت و در بین سال ها احیاناً نا منظم می باشد.

در بین ۲۱۰۰ و ۲۵۰۰ متر ارتفاع سطح درختان بلوط ختم و از آن بعد درختان کاج جلغوزه (Pinus gerardiana) آغاز می گردد. در جنگلات طبیعی، بوته ها بخش کوچک این مجتمع درختان می باشد، اما وقتیکه درختان قطع گردد، به سرعت رشد می نمایند. در بین ۲,۵۰۰ و ۳,۱۰۰ متر، سرو هندی/سدر (Cedrus deodara) بخش بیشتر جنگل را تشکیل میدهد. این جنگلات از لحاظ اقتصادی برای افغانستان خیلی اهمیت دارد که ارتفاع درختان از ۶ الی ۳۵ متر بوده و الی ۸۰٪ ساحه جنگل را پوشانیده است. در هر ساحه مرطوب (>۸۰۰ ملی متر)، صنوبر یا کاج همالیایی (Picea smithiana) و صنوبر همالیایی در ساحه بین ۲,۹۰۰ - ۳,۰۰۰ متر بخش اعظمی جنگل را اشغال نموده است. در برخی از ساحات درختان به ارتفاع ۱۵-۳۰ متر جنگلات انبوه را ایجاد کرده اند. در ساحات خشکتر انواع سرو کوهی (Juniperus) مشاهده می رسد. جنگلات سوزنی برگ/ناجوی کوهستانات شرقی افغانستان در حال حاضر به طور غیر قانونی و به سرعت قطع می گردد. تحلیل های (UNEP-۲۰۰۳a) نشان می دهد که در بین سال های ۱۹۷۷ و ۲۰۰۵ در حدود ۵۲٪ از جنگلات موجود در سه ولایت شرقی از بین رفته است. ولایت ننگرهار با کاهش ۷۱٪ پوشش جنگل از همه بیشتر متضرر شده است. ولایت نورستان با ۳۵٪، ولایت کتر با

درختزار های خشک/صحرايي بلوچستان (PA۱۳۰۷)

Freitag (۱۹۷۲) این نوع جنگلات را بنام جنگلات برگ های سفت همیشه بهار (Sclerophyllous) یاد می نماید. (Sclerophyllous): یعنی برگهای کوچک چرم مانند). Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) آنرا بنام جنگلات برگریز همالیایی (Himalayan Deciduous) یاد نموده است. این منطقه ایکولوژیکی در امتداد مرز کشور پاکستان در ولایات نورستان، لغمان، کتر، خوست و پکتیا موقعیت دارد. Freitag (۱۹۷۲) به این نظر است که اگر مدت خشکی تابستان در این مناطق به عوض ۵-۷ ماه برای ۳-۴ ماه دوام میگرد، جنگلات این نوع درختان ممکن بیشتر ساحات افغانستان را احتوا مینموند. در مناطق شرقی افغانستان، باران های مونسونی مدت خشکی طویل تابستان را در هم می شکند، مدتی که محض زمینه موی این درختان جنگل را مساعد می سازد. Larsson و Petocz (۱۹۷۷) خلاصه ای از پوشش نباتی درختزار های خشک بلوچستان را در نورستان مرکزی فراهم می نماید. در ارتفاعات پایین تر (۸۰۰ - ۱,۳۰۰) متر یک جمعیت « گور گوری در پشتو» (Reptonia buxifolia) رشد می نماید. انواع درخت های خورد بشمار از ۳۰-۷۵٪ زمین را می پوشاند. بلوط مقدس (Quercus baloot) در بیشتر ارتفاعات بین ۱,۲۰۰ - ۲,۰۰۰ متر می روید.

با در نظر داشت میزان بارندگی محلی، درخت های پراکنده بلوط مقدس (Quercus baloot) میتواند ۶-۳ متر یا درخت های اصلی بالاتر از ۱۵ متر ارتفاع داشته باشند. در ساحاتیکه بارندگی تابستانی زیاد است، جمعیت درختان بلوط مقدس (Quercus baloot) جای خود را در ۱۹۰۰ - ۲۰۰۰ متر به نوع (Quercus dilatata) بلوط میگذارد و نوع (Quercus semecarpifolia) بلوط در ۲,۴۰۰ - ۲,۹۰۰ متر بر سایر درختها چیره میشود. هر دو نوع بلوط (Quercus) از ۸ - ۲۰ متر ارتفاع جنگلات انبوه را تشکیل می دهد.

پوشش نباتی درختزارهای باز

درختزار های باز طبیعتاً دارای انبوهی پایین می باشد که یک منظره سوانا- مانند (دشت های پوشیده از علف و درختان دور از هم) را ایجاد می نماید. درختزار های باز در اصل یک منحنی وسیع را در شمال، غرب و جنوب کوه های هندو کش ایجاد نموده است. Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) معلومات در مورد ساحات مرتبط به باستان شناسی بین سالهای ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ گذشته را فراهم می نماید که یک تنوع خیلی بزرگ درختان و سایر گیاه های چوبی به نسبت درختزار های باز امروزی را نشان می دهد. بطور تخمینی، درختزار های باز در ابتداء بر ۳۸٪ (ca. ۲۵۰,۰۰۰) کیلو متر مربع مشتمل بودند که از دور نمای زمین افغانستان که توسط Earthtrends (۲۰۰۳) ۱۰٪ کمتر از ۴۸٪، جنگلات باز محاسبه شده) یاد آوری نموده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰، بطور تخمینی ۳۲۰۰۰ کیلو متر مربع باقی مانده بود که تقریباً ۱۳٪ جنگلات باز و ۵٪ تمام دورنمای زمین افغانستان را نشان می دهد. تحلیل های تصاویر ماهواره ای (UNEP ۲۰۰۳a) توانست دو جنگل باز باقیمانده را در دو ولایت شناسایی نماید، با ارائه این اظهار نظر که جنگلات باز در حال حاضر، منحیث یک ایکوسیستم دوام پذیر در سراسر افغانستان، در کنار پرتگاه نابودی قرار دارند.

درختزار های خشک پارا پامیزاد (PA۱۳۲۲)

در ساحات شمالی کوهستان های مرکزی، ارتفاع رو به افزایش و بارندگی زیاد (۲۵۰-۳۰۰ میلی متر)، زمینه را برای تعویض درختزار های باز خشک به بوته زار های نیمه صحرایی مساعد می سازد. این درختزار ها دارای درخت های پراکنده، تراکم نسبتاً پایین بوته ها و مقدار قابل توجهه پوشش علفی می باشد. این منطقه ایکوسیستمی شامل درخت های پسته نوع (*Pistacia vera*) و مجتمعات سرو کوهی شمالی *Freitag Juniperus* میباشد.

مجموعات درخت های پسته در امتداد کوه های شمالی در ارتفاعات ۶۰۰ الی ۱۵۰۰ متر در یک حلقه مشاهده می شود. درخت های پسته و آلو بخارا (*Amygdalus bucharica*) در ابتداء در حدود ۴۰٪ زمین را پوشانیده بودند. بوته ها در مجموع کم بوده و پوشش زمین، علفزار مانند می باشد. (UNEP ۲۰۰۳a) یک تحلیل تصاویر ماهواره ای جمعیت پسته را انجام داد. در سال ۱۹۷۷، درختزار ها بر ۴۰ الی ۱۰۰ درخت در یک هکتار در ۵۵٪ زمین ولایت بادغیس و ۳۷٪ زمین در ولایت تخار مشتمل بود. در سال ۲۰۰۲، در هر دو ولایت هیچ درختزار وجود نداشت که بیانگر کاهش شدید درختان- پسته، یعنی ۴۰ درخت در یک هکتار زمین بود. (UNEP ۲۰۰۳a) گزارش می دهد که بیشتر درخت ها برای مقاصد سوخت و یا در سالهای جنگ برای کاهش ستر و اخفاء برای مجاهدین قطع گردیده بودند. (UNEP ۲۰۰۳a) گزارش می دهد که هیچ نوع نهال شانی مجدد پسته مشاهده نگردیده که علت آن احتمالاً به سبب تخریب جوانه ها ناشی از چرش حیوانات و جمع آوری مفرط پسته توسط ساکنان محلی برای فروش میباشد.

بالتر از مجتمعات درخت های پسته، در ارتفاعات ۱۵۰۰ - ۳۲۰۰ متر حلقه ای از مجتمعات سروی کوهی قرار دارد. (UNEP ۲۰۰۳a) گزارش می دهد که حد اقل ۵۰٪ درختزار های سرو کوهی در ولایت هرات و بیشتر از ۸۰٪ در ولایت بادغیس در طول سه دهه اخیر از بین رفته اند.

درختزارهای باز خشک کوه های مرکزی افغانستان

(PA۱۳۰۹)

منطقه ایکولوژیکی بر دو نوع مجتمع Freitag (۱۹۷۱ و ۱۹۷۲) مشتمل بوده که یک کمربند وسیع هلال مانند را در اطراف شرقی و جنوبی کوه های مرکزی، ایجاد می نماید. مجتمعات پسته کوه های اطلس (*Pistacia atlantica*) در ارتفاعات ۱۱۵۰ - ۱۸۰۰ متر یافت میشود، جای که مقدار بارندگی در بین ۲۵۰ - ۴۰۰ میلی متر باشد. درخت های این نوع پسته ۴ - ۶ متر ارتفاع رشد و در شرایط طبیعی ۱۵ - ۲۰٪ زمین را می پوشاند. در ارتفاعات ۲۰۰۰ الی ۲۸۰۰ متر و در جای که از ۳۰۰ الی ۳۵۰ میلی متر بارندگی داشته باشد، مجتمعات بادام (*Amygdalus*) یک حایل بین مجتمعات درخت های پسته و پوشش نباتی نیمه مرتفع را تشکیل میدهد.



جنگل پسته در نزدیکی روستای فرخار

پوشش گیاهی نیمه / شبه صحرائی

خصوصیات نیمه صحراها بارندگی پایین تر از ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلی متر تعریف شده است. بطور عام، پوشش زمینی کمتر از ۲۵٪ و بدون درختها می باشد. نیمه صحراها اساساً در مسیر وسیع قوسی در اطراف هندوکش در ارتفاعات پایینی درختزارها واقع می باشد.

حوزه های صحرای فارس مرکزی (PA۱۳۱۳)

این منطقه ایکوسیستم که در بخش نهایی شمال غرب کشور موقعیت دارد با اکثریت مجموعه مجتمع غنی Freitag - *Chenopodium* (۱۹۷۱) مطابقت دارد. خانواده *Chenopodiaceae* (پالک و چغندر) بر اکثر بوته و گیاه های محیط خشک (*xerophytic*) و بوته ها و گیاه های شوره زار (*halophytic*) مشتمل است. این مجتمع در ساحات دارای بارندگی > ۱۵۰ میلی متر در خاک های بدون ریگ و خاک نمک دار رشد می نماید.



نیمه صحراهای کوه های افغانستان (PA۱۳۰۱)

این منطقه ایکوسیستم بر دره های کوچک و خشک داخلی بخش شمالی هندوکش مشتمل است که با بخش شمالی مجتمع نیمه صحرائی درختان بادام (*Freitag Amygdalus*)، مطابقت دارد. تحت برنامه Freitag ، درخت های بادام نیمه صحرائی (*Amygdalus*) در یک قوس باریک در اطراف هندوکش غربی و جنوبی امتداد یافته که یک گذار بین بخش نهایی نیمه صحرائی بادغیس کارابیل (*Bakhis-Karabil*) منطقه ایکوسیستم و درختزار های باز «درختزار های خشک کوه های مرکزی افغانستان» ایجاد می نماید. منطقه ایکوسیستم مذکور با خصوصیات بوته های مختلف خاردار به ارتفاع ۰,۵ - ۱,۵ متر شناخته شده که ۱۰٪ سطح زمین را می پوشاند.

نیمه صحرای باد خیس (بادغیس) - کارابیل (PA۱۳۰۶)

این منطقه ایکوسیستم ترکیبی از چندین مجتمع نیمه صحرائی واقع در بین دریای آمو و درختزار خشک پاراپامیزاد Freitag *Parapomismus Xeric* (۱۹۷۲-۱۹۷۱) می باشد. مجتمع *Calligonum-Aristida* مانند یک نوار باریک در امتداد دریای آمو موقعیت دارد که دارای تپه های متحرک ریگ و بارندگی > ۱۵۰ میلی متر می باشد و از ۱ - ۲۵٪ زمین بر پوشش نباتی مشتمل است. مجتمع *Calligonum-Aristida* در طرف جنوب توسط یک مجتمع غنی *Chenopodium* و یک مجتمع نیمه صحرائی گذرا *Ephemeral Semi-Desert* احاطه گردیده است. مجتمع نیمه صحرائی گذرا دارای خصوصیات سرسبز و خرم، گیاه های با ریشه کم عمق در اوایل سال بوده، اما در اواسط ماه می، گیاه ها خشک گردیده و از بین میرود.



ریگستان - صحرای ریگی پاکستان شمالی (PA۱۳۲۶)

این منطقه ایکوسیستم ساحه وسیع نیمه صحرائی افغانستان جنوبی بشمول صحرای ریگستان و حوزه سیستان را احتوا می نماید. این منطقه تمام مجتمعات نیمه صحرا های Freitag (۱۹۷۱)، (۱۹۷۲) در بخش جنوب غرب کشور را با هم وصل می نماید. این شامل نیمه صحرای *Haloxylon salicrnicum* ، نیمه صحرای *Calliginum-Artistida* و مجتمعات نیمه صحرای *Amygdalus* می باشد. پناه گاه فلا مینگو و مرغ آبری دشت ناوور از طرف دولت افغانستان بطور قانونی حفاظت نشده اند و نا امنی که از خصوصیات این ساحه است، تحقق اقدامات عملی تحفظ را محدود می سازد.

نباتات ساحات مرتفع و نیمه مرتفع

نباتات ساحات مرتفع و نیمه مرتفع در ارتفاعات ۲۸۰۰ - ۲۹۰۰ متر در کوهستان های مرکزی و بین ۳۰۰۰ و ۳۵۰۰ متر در شرق رشد می نمایند. در هندوکش شرقی، بیشتر نباتات نیمه مرتفع را سرو کوهی تشکیل میدهد، در حالیکه در ساحات مرکزی افغانستان بیشتر بر زمین بوته های پشته ای مشتمل اند. نباتات واقعی ساحات نیمه مرتفع معمولاً در ارتفاعات < ۴۰۰۰ متر مشاهده می شود. هندوکش مرکزی در مقایسه با ساحات مرتفع شرق و شمال دارای غنای انواع/گونه ها نمی باشد.

علفزار های مرتفع هندو کش (PA۱۰۰۵)

این منطقه ایکوسیستم با گستره های شرقی و غربی *Subalpine Knieholz-Gesellschaften und Dornpolster-Fluren* (۱۹۷۱) یا درختزار های مرتفع و زمین بوته های پشته ای Freitag (۱۹۷۲) مطابقت دارد. برخلاف ساحات نیمه مرتفع هندوکش باقیمانده، در این ساحه بارندگی کافی بوده و زمین رشد درختزار های سرو کوهی نیمه مرتفع را در ۳۰۰۰ متر مساعد می سازد.

دشت های مرتفع و بیدرخت قراقرم-تبت غربی (PA۱۰۰۶)

این منطقه ایکوسیستم که در افغانستان تنها بخش جنوب دهلیز و اخان شامل آنست، در بین یک منطقه ایکوسیستم گسترده کوه های همالیا در منتهای غرب و کوه های قراقرم در شرق موقعیت دارد. Freitag (۱۹۷۱, ۱۹۷۲) این منطقه ایکوسیستم را بنام زون پوشیده از برف یاد می کند و نباتات آنرا تشریح نمی کند.

علفزار های مرتفع غوروات- هزاره جات (PA۱۰۰۴)

این منطقه ایکو سیستم با گستره های غربی *Subalpine Knieholz-Gesellschaften und Dornpolster-Fluren* (۱۹۷۱) یا درختزار های مرتفع و زمین بوته های پشته ای Freitag (۱۹۷۲) مطابقت دارد. نبود رطوبت تابستانی گیاه ها را به انواع/گونه های زمین بوته های پشته ای چوبی محدود می سازد، مانند *Ononbrychis, Ephedrus, Dieterle* و *Astragalus, Acantholimon, Cousinia* (۱۹۷۳, در Larsson ۱۹۷۸) پوشش گیاهی اولیه را جلگه های وسیع علف فکر میکند، اما چراغی مفرط در طول قرن ها به یک مجتمع بوته زار منتج گردیده است. Larsson (۱۹۷۸) یک مرور کلی پوشش گیاهی و مسایل مدیریت در این منطقه ایکو سیستم را فراهم می نماید.

صحرای مرتفع و دشت هموار و بیدرخت پامیر (PA۱۰۱۴)

این منطقه ایکوسیستم که در افغانستان تنها بخش شمال دهلیز و اخان شامل آنست، عبارت از توسعه جنوبی منطقه ایکولوژیکی گسترده که به کوه های پامیر منتهی می گردد، می باشد. Freitag (۱۹۷۱, ۱۹۷۲) این منطقه ایکوسیستم را بنام ترکیبی از مجتمع درختزار های مرتفع و زمین بوته های پشته ای و یک زون پوشیده از برف یاد می کند.

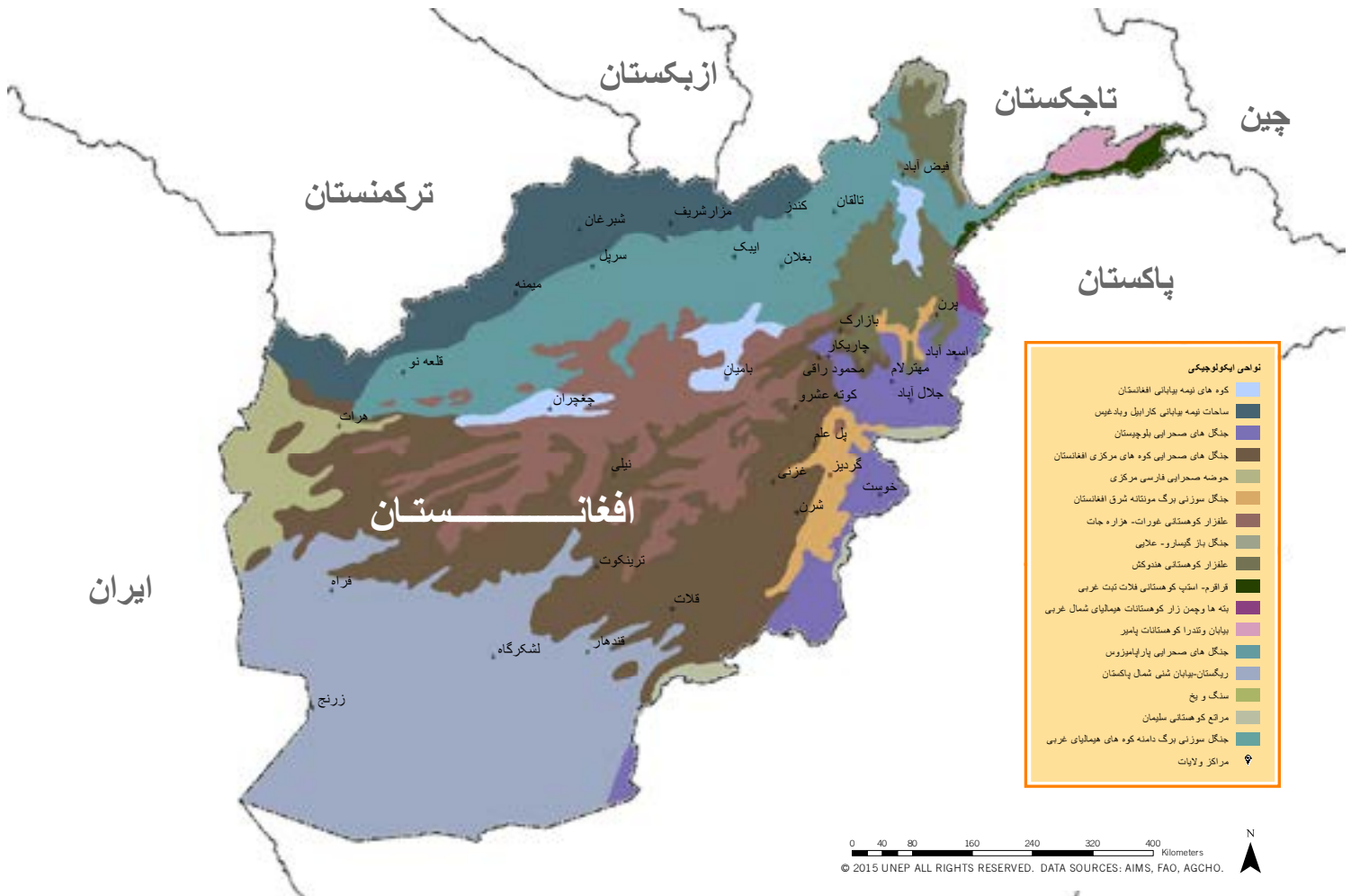


وضعیت منطقه ایکوسیستم

معلومات موجوده خیلی کم است تا در مورد ترکیب، ساختار و فعالیت ایکوسیستم های افغانستان یک تصمیم واقعی و دقیق اتخاذ گردد. هرچند، این ممکن است بطور ذهنی و تخمینی بررسی نمود که هر یک از منطقه ایکوسیستم WWF در هر کتگوری چگونه درجه بندی می شود. جدول 4.2 ویژگی های ایکوسیستم را برای 11 منطقه ایکوسیستم بطور ذهنی درجه بندی مینماید که در افغانستان بطور گسترده وجود دارد. بررسی مذکور تمام منطقه ایکوسیستم را احاطه می نماید و تنها به تأثیرات محلی مانند دریا های طویل یا مسکن های نزدیک، رسیدگی نمی نماید.

تعدادی از نمونه ها در این جدول قابل رویت است:

- ترکیب انواع/گونه های تمام مناطق ایکوسیستم از طریق چرش، جمع آوری چوب/بوته برای سوخت و استفاده توسط تعداد زیاد حیوانات گیاه خور، بطور قابل ملاحظه کاهش یافته است. اقسام درختزار های باز به سبب تغییر در زیستگاه ها در طول هزاران سال، احتمالاً از همه بیشتر متضرر شده اند. ترکیب انواع/گونه های مناطق مرتفع به احتمال زیاد کمتر متضرر گردیده است
- ساختار ایکوسیستم در جنگلات و درختزار های باز، به سبب قطع درختان از همه بیشتر متضرر گردیده اند. ساختارهای نیمه صحرایی با وجود جمع آوری بوته ها و قطع درختان پسته، تا حدی کمتر متضرر شده اند. صحرا های که دارای ساختار کمتر می باشد، متضرر شدن آنها چندان قابل توجه نیست
- ارزیابی وظایف ایکوسیستم خیلی مشکل است، اما چنین به نظر می رسد که جنگلات که خیلی زیاد تغییر داده شده اند، از همه بیشتر متضرر شده اند و صحرا ها از همه کمتر. تأثیرات ضیاع سریع بالای وظایف ایکوسیستم جنگلات متأثره از مونسون، معلوم نیست، اما احتمال دارد که قابل توجه باشد



تالاب های افغانستان

افغانستان یک کشور خشک می باشد و تالاب های معدودی که هنوز موجود اند، برای تنوع بیولوژیکی خیلی قابل اهمیت اند. تالاب ها برای خیلی از پرندگان آبی مهاجر زیستگاه فراهم مینمایند. این تالاب ها مملو از انواع/گونه های متنوع گیاه های آبی، حیوانات غیر فقاریه، ماهی و ذویحیاتین می باشد. تالاب های مصنوعی به سبب نواسان بودن سطح آب و به سبب تراکم حیوانات و نباتات طبیعی فرصت رشد ندارند، مانند تالاب های طبیعی دارای ارزش ایکولوژیکی نمی باشند. با وجود آن، آنها برای برخی از انواع/گونه های زیستگاه فراهم مینمایند.

ساحات ساحلی افغانستان

توگای یک نوع خاص جنگل ساحلی است که در دشت های سیلابی و دره های آسیایی مرکزی مشاهده می شود. بیشتر درخت های این نوع جنگل سپیدار و بید بوده و بوته های نوع مختلف مانند گز (Tamarix)، زیتون بری (Elaeagnus) و خولان دریایی یا سنجد تلخ (Hippophae) علاوه بر بوته های درهم برهم نی (Phragmites australis) و قطعه های بوته کنده شده می باشد. ایکوسیستم های توگای برای خیلی از انواع/گونه ها بسیار مهم می باشد و به سبب تبدیل نمودن به زمین زراعتی در کنار دریای آمو در معرض تهدید قرار دارد (Ahmad Khan, pers comm, ۲۰۰۶). در مورد وضعیت اصلی و کنونی جنگل ساحلی در افغانستان، معلومات اندکی موجود است.

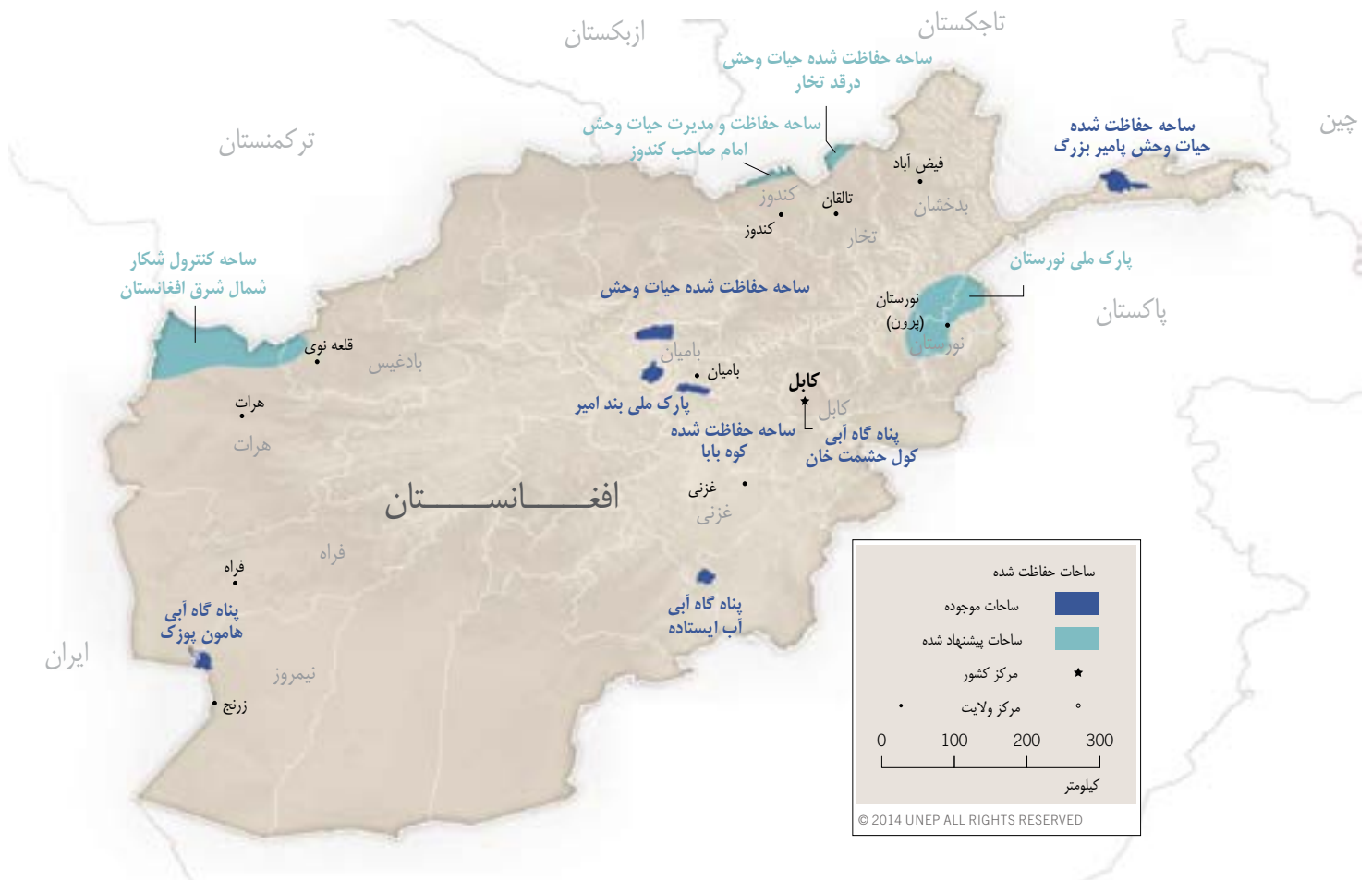
جدول ۴. ۲، دسته بندی ذهنی اثرات انسانی در مورد ترکیب، ساختار و وظایف مناطق ایکوسیستم WWF-U در افغانستان

تأثیرات خصوصیات مناطق ایکوسیستم افغانستان			جنگلات
وظیفه	ساختار	ترکیب	
متوسط	بلند	بلند	جنگلات کوهستانی سرو کوهی شرق افغانستان
بلند	خیلی بلند	خیلی بلند	درختزار های خشک بلوچستان
درختزار های باز			
بلند	خیلی بلند	بلند	درختزار های خشک کوهستان های مرکزی
متوسط	خیلی بلند	بلند	درختزار های خشک کوه های پاراپامیزاد
نیمه صحرا ها			
متوسط	بلند	متوسط	نیمه صحرا های کوه های افغانستان
بلند	بلند	بلند	نیمه صحرا های بادخیز (بادغیس) - کارابیل
پایین	متوسط	بلند	حوزه صحرائی فارس مرکزی
بلند	بلند	بلند	صحرائی ریگی - ریگستان پاکستان شمالی
علفزار ها و بوته زار های کوهستانی			
بلند	متوسط	متوسط	دشت های بیدرخت (تندرا) ارتفاعات پامیر
متوسط	متوسط	بلند	علفزار های ارتفاعات هندوکش
متوسط	متوسط	متوسط	علفزار های مرتفع غورات - هزاره جات

شبکه ساحات حفاظت شده افغانستان و ساحات اولیوتی برای اقدامات حفاظت

بانک معلومات/دیتابیس جهانی ساحات حفاظت شده (IUCN & UNEP ۲۰۱۴) پانزده ساحه حفاظت شده را در افغانستان فهرست مینماید. دولت در سالهای ۱۹۷۰ تا ۷ ساحه (یک پارک ملی کتگوری II و شش ذخیره گاه حیات وحش یا مرغان آبی کتگوری IV) را تا حدی درجه ساحات حفاظت شده داده و اتحادیه جهانی برای حفاظت طبیعت (IUCN) نیز آنرا به رسمیت شناخته است. اما به هیچکدام آنها حیثیت قانونی کامل یا کدام مرزهای رسمی و غیره داده نشده است. آنها مانند ساحات حفاظت شده مدیریت نمی گردند.

در قد، امام صاحب، افغانستان شمال غربی و صحرای ریگستان از طرف Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) منحصی ساحات حفاظت شده غیر مشخص پیشنهاد گردیده بودند. برای تعیین نمودن این مناطق منحصی ساحات حفاظت شده تلاش بیشتر نیز صورت نگرفته است. بانک معلومات/دیتابیس جهانی ساحات حفاظت شده نیز جدران، میراث طبیعی بامیان و علامات طبیعی خلم را بر بنیاد یک مکتوب از دکتر ظاهر عنایت در سال ۱۹۹۰، منحصی ساحات حفاظت شده، فهرست مینماید. در مکتوب هیچ نوع توجیه فراهم نگردیده بود. بامیان و خلم به احتمال زیاد به نسبت گرایش محیط زیستی، دارای گرایش فرهنگی میباشد. دو ساحه (پامیر خورد و دره واغجیر) از طرف انجمن حیات وحش (WCS) منحصی ساحات حفاظت شده پیشنهاد گردیده اند اما در فهرست بانک معلومات/دیتابیس جهانی ساحات حفاظت شده بمشاهده نمی رسند.



پارک ملی بند امیر

شش تالاب بند امیر با آب شفاف نیلگون، که توسط بند های سنگ آهک مجزا و توسط صخره های سرخ رنگ احاطه شده، یکی از زیبا ترین منظره طبیعی جهانی را تشکیل می دهد. پارک ملی بند امیر در ولایت بامیان، دربخش غربی کوه های هندوکش موقعیت دارد. این ساحه در بین تقریباً ۲۲۵ کیلومتر شمال غرب کابل و ۵۵ کیلومتر غرب شهر بامیان قرار دارد. تالاب های بند امیر در یک دره نشیبی در حدود ۲۹۰۰ متر ارتفاع، موقعیت دارد. این تالاب ها: غلامان، قمبر، هیبت، پنیر، پودینه و ذوالفقار از شرق به امتداد غرب قرار گرفته اند. بند های سنگ آهک که این تالاب ها را از هم جدا می سازند، وقتی که کاربن دای اکساید گاز مانند از آب چشمه های مملو از کلسیم توسط فعالیت های بکتریایی و یا الجی که باعث محلول کلسایت که نوعی از کلسیم کاربونیات (CaCO₃) میگردد، بیرون رانده میشود، رسوبات منزالی را تشکیل میدهد. به سبب موجودیت کلسیم خیلی زیاد در آب، این تالاب ها فوق العاده شفاف و بزرگ آبی می باشد. این تالاب ها توسط پرتگاه صخره های آهک احاطه گردیده که در بخش بالایی آنها دشت هموار قرار گرفته است.

هر یک از این تالاب ها دارای خصوصیات مختلف می باشند. بند غلام که کم عمق است دارای نيزار گسترده می باشد و مرغان آبی از آن استفاده می نمایند. بند قمبر گاه گاه پر میگردد که یک ساحه وسیع، مرطوب و لجنزار را تشکیل میدهد. بند هیبت دارای عمق کم آب بوده که در نهایت شرقی آن یک بند باریک با دو طرف سنگ های آهک عمودی را تشکیل داده است. بند پنیر دارای سطح خامه سفید وسیع، نرم و موجدار میباشد. بند پودینه خیلی کوچک است اما توسط یک ماریچ حوض های کوچک، با هم وصل احاطه و دارای پوشش گیاهی انبوه



می باشد. بند ذوالفقار بزرگ و عمیق بوده و توسط صخره های شیب عمودی احاطه گردیده که عاری از پوشش نباتی می باشد.

بند امیر نخست در ماه سپتمبر ۱۹۷۳ در اثر تقاضای سازمان سیاحتی افغانستان آنوقت منحصت اولین و یگانه پارک ملی افغانستان اعلان گردید. این اعلان از طرف وزارت عدلیه در جریده رسمی نشر نگردید، بنا برآن، دارای حیثیت قانونی نمی باشد (Sayer and van der Zon ۱۹۸۱، IUCN ۱۹۹۳). بانک معلومات/دیتابیس جهانی ساحات حفاظت شده، بند امیر را در کتگوری II اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت (IUCN) لست می نماید اما خاطر نشان می سازد که در حال حاضر فاقد مدیریت فعال می باشد. مرز های این پارک ملی توسط سازمان سیاحتی افغانستان در سالهای ۱۹۷۰ در بین ۶۷° ۰۵' الی ۶۷° ۲۰' E و ۳۴° ۴۵' الی ۳۴° ۵۵' N تعیین گردیده اند. با وجود آن، این مرز ها بطور رسمی نشر نگردیدند. Rodenburg و Shank (۱۹۷۷) مرز های پارک ملی بند امیر توسط سرچشمه های این تالاب ها، پیشنهاد نمودند و این مرز ها در نقشه پارک (UNEP ۲۰۰۳a) منعکس گردیده اند.

تیم ارزیابی وضعیت بعد از جنگ مربوط پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) در سال ۲۰۰۲ از این ساحه دیدن نمود و دریافت که این تالاب ها از وضعیت قبل از جنگها که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردیده بود، از لحاظ ایکوسیستم چندان تغییری نکرده اند (UNEP ۲۰۰۳a). این تالاب ها، با وجود بدترین خشکسالی تاریخ، مملو از آب بودند. هر چند هیچ نوع آزمایش آب صورت نگرفت، اما آب خیلی شفاف و بطور چشمگیر نیلگون بود. چنان به نظر میرسید که بند های سنگ آهکی دست نخورده اند و پوشش گیاهی نیز تغییر اندک نموده است.

UNEP (۲۰۰۳a) در یافت که مقداری تهدید بهر حال وجود دارد. وسایط نقلیه در سرک های تعیین شده باقی نمی ماند که این باعث فرسایش خاک میگردد. زباله ها به داخل تالاب ها انداخته میشوند. ماهی گیری با استفاده از آلات برقی و مواد منفجره، عام گزارش داده شد. جمعیت های آهوی یوریل/مارکوپولو و بز وحشی به سبب شکار مفرط خیلی کاهش یافته اند. با وجود کاهش مفرط در تعداد حیوانات اهلی، وضعیت چراگاه ها به نظر نمی رسد که بهبود یافته باشد. بالاخره، منطقه بند امیر در جنگ ها بین قوت های طالبان و قوت های اتحاد شمال در بیشتر اوقات سال ۲۰۰۱، جبهه مقدم بود و در سال ۲۰۰۲ ساحات گسترده مین گذاری شده بود.

از سال ۲۰۰۲ بدینسو، در بند امیر پیشرفت قابل توجه صورت گرفته است. بانک انکشاف آسیایی در سال ۲۰۰۶ یک قرارگاه که از لحاظ ساختمانی جذاب بود، برای محافظین پارک، اعمار نمود. یک بازارک غیر منظم که بعد از ختم جنگها پیمان آمده بود، در اواخر سال ۲۰۰۷ برداشته شد و فعالیت های پاک سازی با همکاری سازمان «گروه تحفظ افغانستان» (ACC) انجام گردید. کمیته ساحة حفاظت شده بند امیر با همکاری انجمن تحفظ حیات وحش (WCS)، در سال ۲۰۰۷ تشکیل گردید. ریاست این کمیته همکاری مدیریت بدوش والی بامیان بوده و اعضای آن از طریق انتخابات از تمام مجتمعات همجوار بند امیر تعیین میگردد. این کمیته یک پلان مقدماتی را منظور نمود که بموجب آن راه برای تعیین قانونی بند امیر منحصی پارک ملی مؤقت هموار گردید.

ذخیره گاه حیات وحش دره آجر

ذخیره گاه حیات وحش دره آجر یک ساحة کوهستانی در هندوکش مرکزی بوده که برای سالهای زیاد منحصی منطقه شکار شاهی، حفاظت میگردد. قبل از آغاز جنگ ها در سال ۱۹۷۹، اطراف ساحة دره آجر از لحاظ ایکولوژیکی در مقایسه با سایر چراگاه های افغانستان دست نخورده بود و دارای مجتمعات زیاد بزکوهی (*Capra ibex*) و تعداد کوچکتر از گوسفند مارکوپولو (*Ovis orientalis*)، غزگا و وحشی (*Bos grunniens*) و آهوی باختری متعارف شده (*Cervus elaphus bactrianus*) بود. دره آجر در بین ولایات بغلان و بامیان و در ۷۰ کیلومتری شهر بامیان موقعیت دارد. بخش شرقی آن در ولسوالی کهمرد و بخش های مرکزی و غربی آن در ولسوالی یکاولنگ قرار دارد.



دابومیزیا در حال شکوفه در یک درز سنگ آهک

© UNEP

پادشاهان افغانستان دره آجر را برای سال های متعددی منحصی شکار گاه شاهی استعمال می نمودند. امیر حبیب الله خان در اوایل سال های ۱۹۰۰ در دره جوزری یک اقامتگاه و راه کنونی به دره را اعمار نمود. ظاهرشاه در سالهای ۱۹۵۰ در حدود ۲۰۰ هکتار زمین را در دهنه دره جوزری خریداری و یک محل اقامتگاه برای شکار را در جوار دریای آجر اعمار نمود.

دره آجر بر شیار های که غرباً-شرقاً امتداد یافته و قله های بیشتر از ۳۸۰۰ متر ارتفاع، مشتمل میباشد. دره باریک شیب دار و دیدنی جوزری را دریای آجر به دو بخش شرقی و غربی قطع می نماید. دریای مذکور اکنون به اندازه بیشتر طول جوزری زیر زمین رفته و در چشمه چهلتن مستقیماً از دیوار های دره عمیق جریان پیدا میکند. در بخش پایین رود خانه، یک بند طبیعی، تالاب چهلتن را ایجاد نموده است. در سالهای ۱۹۷۰، در این جا شکار اندک و در داخل مرز های معلوم در محل، زراعت و چرش مواشی صورت میگرفت. در نتیجه، چراگاه های مرتفع از جمله چراگاه های دارای کمترین اختلال انگاشته میشوند.

در اواسط سالهای ۱۹۷۰، کارمندان سازمان زراعت و غذای ملل متحد (FAO) بر بنیاد نتایج سروی واقعی ۲۳۵۰ رأس بز کوهی را تخمین نمودند اما موجودیت احتمالاً ۵۰۰۰ رأس بز کوهی را که یک شکاری تخمین نموده بود، را نیز قابل قبول دانستند. بزهای کوهی خیلی به ندرت مشاهده میشود. هرچند، بند امیر منحصیث اولین پارک ملی افغانستان اعلان گردیده بود اما در جریده رسمی دولت نشر نگردید و این بدین معنی است که این اعلان دارای حیثیت قانونی نمی باشد. در حال حاضر برای حصول حفاظت قانونی پارک ملی و فراهم نمودن یک مدیریت مؤثر و تخمین جمعیت ساحه مذکور تلاش ها جریان دارد. آهوی باختری در سال ۱۹۵۵ از تالاب های درق در دریای آمو به اینجا متعارف گردیدند و در سال ۱۹۷۶ موجودیت تعداد ۲۶ رأس آن گزارش داده شده بود. به سبب زیستگاه نسبتاً دست نخورده، تنوع پرندگان از آنچه که کارمندان سازمان زراعت و غذا ملل متحد (FAO) در سایر نکات هندوکش مرکزی مشاهده نموده اند، بیشتر می باشد. پلنگ عام (*Panthera pardus*)، سیاه گوش (*Lynx lynx*)، گرگ (*Canis lupus*)، روباه (*Vulpes vulpes*)، سمور دریایی (*Lutra lutra*)، سمور (*Martes foina*) همه این ها در ساحه ذخیره گاه مشاهده گردیده اند، هر چند تخمین های جمعیت آنها در دست نیست.

دره آجر در ماه جون سال ۱۹۷۷ منحصیث پناه گاه حیات وحش در جریده رسمی نشر گردید (FAO ۱۹۸۱) و اتحادیه جهانی برای حفاظت طبیعت آنرا منحصیث ذخیره گاه کنگوری IV تأیید نموده است (بانک معلومات ساحات حفاظت شده جهان). چنین به نظر میرسد که مرز های دقیقی این ذخیره گاه که رسماً ثبت گردیده باشد، موجود نباشد. (Shank et al ۱۹۷۷) اظهار نمود که این ذخیره گاه مشتمل بر ۵۰۰۰۰ هکتار می باشد، در حالیکه بانک معلومات ساحات حفاظت شده مساحت آنرا ۴۰۰۰۰ هکتار ثبت نموده است.

از سال ۲۰۰۶ بدینسو، انجمن جهانی تحفظ حیات وحش (WCS) سروی های ساحوی دره آجر را انجام داده است و با مجتمعات محلی برای ایجاد یک ساحه ذخیره گاه حیات وحش که بطور قانونی شناخته شود، کار می نماید. بز های کوهی خیلی زیاد شکار می گردد و موجودیت تنها ۱۰۰ - ۲۰۰ رأس آنها در دره آجر تخمین میگردد. آهوی باختری و غزگاوها و پلنگ عام نا پدید گردیده اند و تعداد ناچیز از آهوی مارکوپولو احتمالاً باقی مانده باشد. تنها یک خانواده در مزرعه های بالای تالاب چهلتن زندگی می کند، اما تمام ساحه یک بار دیگر بطور مفرط تحت چرش قرار دارد. سرو کوهی و بوته ها به شکل افراط جمع آوری می گردد. اقامت گاه شاهی شکار در دوران جنگها ویران گردیده و بر سر ملکیت زمین های شاهی در قرب و جوار قریه آجر کشمکش ها جریان دارد.

آب ایستاده

آب ایستاده یک تالاب بزرگ نمکین میباشد که یک ساحه وسیع را در کرانه جنوبی کوه های هندوکش در ولایت غزنی اشغال نموده است. این تالاب برای هزاران پرندۀ مهاجر که زمانی کلنگ سایریایی در معرض تهدید نیز شامل آنها بود، یک ایستگاه موقت خیلی مهم می باشد. آب ایستاده برای هزاران پاخان یا پرندۀ پادراز (*Phoenacopterus ruber*) و سایر پرندگان متکی به تالاب، محل تولید مثل و تکثیر می باشد. یک تیم ارزیابی وضعیت بعد از جنگ مربوط پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) در سال ۲۰۰۲ از آن دیدن نمود. به سبب شرایط امنیتی، در مورد وضعیت کنونی آب ایستاده، معلومات اندکی در دست است.

آب ایستاده در سال (۱۹۷۰) توسط Bartsch و Förstner گزارش داده شد که بطور عادی آب چشمه به مقدار ۲۷۰ میلیون متر مکعب میباشد که در فصل خزان به ۱۴۰ میلیون متر مکعب کاهش می یابد و بقیه ساحه چندین کیلو متر مربع گل و لای میباشد. دریا های غزنی، گردیز و نهارا با هم یکجا در شرق ولایت غزنی و در نهایت شمال غرب ولایت پکتیکا تخلیه میگردد. اکنون دریای گردیز در بند سرده و دریای غزنی در بند سلطان تخلیه می شوند. جریان آب به داخل از دریا های که اصلاً از آب شدن برف ناشی میگردد، محدود به فصل بهار می باشد. در سراسر طول سال، سطح آب در آب ایستاده متکی به آب های زیرزمین میباشد (IUCN ۱۹۹۳). Bartsch و Förstner در (۱۹۷۰) آنرا یک تالاب آب زیرزمین خواندند. در جریان سالهای بارانی، آب از تالاب آب ایستاده از طریق «لوره» بطرف غرب تالاب بیرون می ریزد. لوره از طریق ارغستان و دوری با دریای هلمند یکجا می گردد (Khan-۲۰۰۲). در حال حاضر به تعداد ۳۰ واترپمپ در طرف غرب تالاب و در حدود ۱۵۰ در ولسوالی ناوه وجود دارد. بطور عام، این واترپمپ ها با ماشین های دیزلی فعال گردیده و آب در پایپ های ۴ انچ (۹ سانتی متر) قطر به جا های دور انتقال داده میشود (Khan-۲۰۰۲). مطابق گفته های مردم محل، سطح آب در حال کاهش و کیفیت آن نیز رو به تغییر است. این تالاب نیز خشکسالی های مکرر را متحمل گردیده است، که آخرین خشکسالی آن از سال ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۳ ادامه داشت. این تالاب بار دیگر در سال ۲۰۰۴ خشک گردید (Omrani and Leeman ۲۰۰۵, pp. ۷۰۶). با استفاده از معلومات ناشی از گزارش های قبلی، (Khan - ۲۰۰۲) تنوع پرندگان آب ایستاده و اطراف آنرا ۱۲۲ نوع تخمین نموده است.

آب ایستاده برای تعداد کثیری از پاخان ها (فلامینگو) که در این تالاب تولید نسل/تکثیر می نماید، خیلی مهم می باشد. پاخان ها در اواخر ماه مارچ و اپریل، وقتیکه سطح آب بلند می باشد، به اینجا می آیند و وقتیکه در اواخر ماه سپتمبر و اکتوبر که سطح آب کاهش می یابد، دوباره اینجا را ترک می نمایند. Shank و Rodenburg (۱۹۷۷) در مورد تعداد پاخان های که بین ۱۹۴۷ و ۱۹۷۶ تولید نسل/تکثیر نموده اند، معلومات ارائه کرده اند. تعداد آنها در بین هیچ و بیشتر از ۹۰۰۰ متفاوت بود. از اواسط سال های ۱۹۷۰ بدینسو، هیچ تخمین وجود ندارد. پاخان ها و سایر مرغان آبی دایماً توسط مردم محل شکار می گردد، اما در بین سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۹۱، هنگامیکه قرار گاه نظامی در جوار تالاب قرار داشت، شکار خیلی سنگین گزارش شده است (Jamil ۱۹۹۴).

آب ایستاده یک زمان توقفگاه مهم جمعیت بزرگ کلنگ سایبریایی بود. این کلنگ ها در دشت های هموار روسیه تولید نسل/تکثیر نموده و زمستان را در شمال- مرکزی هند سپری می نمایند. در سال ۱۹۷۷، جمعیت غربی اینها تنها ۵۷ عدد تخمین گردیده است (Sauey ۱۹۸۵). آخرین گزارش معتمد در مورد کلنگ سایبریایی در آب ایستاده که شکار گردیده بود، سال ۱۹۸۶ است (Khan - ۲۰۰۲). در سال ۲۰۰۲، تله اندازان باز/شاهین در حال دام اندازی برای قوش تیز پر (Falco peregrinus) در فلات های هموار خشک آب ایستاده مشاهده گردیده بودند. طبق گزارش، ۱۲ تیم که هریک دارای ۵-۶ عضو بود، در این تالاب کار میکردند. از لحاظ تاریخی، در اطراف نیمه صحرای آب ایستاده، هیچ بودو باش مردم وجود نداشت، هر چند کوچی ها از کندهار در جریان تابستان به این جا می آمدند. در گذشته قریب، کوچی های غلزایی تره کی در آب ایستاده در سراسر ناه مسکن گزیده اند (UNHCR-۱۹۹۰). در حال حاضر، هشت قریه در ۱۰ کیلومتری آب ایستاده با جمعیت تخمیناً ۵۰۰۰ نفر مستقر گردیده اند (Khan - ۲۰۰۲). میزان جمعیت با عودت مهاجرین و مردم بیجا شدگان داخلی و همچنان رشد طبیعی جمعیت، سریعاً افزایش می یابد.

آب ایستاده در اواخر سال ۱۹۷۴ از طرف ریاست حیات وحش و پارک های ملی وزارت زراعت، آبیاری و مالداري منحیث پناه گاه ملی مرغان آبی و پاخان ها/فلامینگو ها اعلان گردید. رئیس دولت وقت بر بنیاد پیشنهاد شماره (۱۷۶۵) مورخ ۶ جون سال ۱۹۷۷، آنرا در ۲۰ ماه دسمبر سال ۱۹۷۷ منحیث پناه گاه مرغان آبی ضمن فرمان شماره (۷۰۷) منظور نمود. در سال ۱۹۷۴، ده نفر محافظ برای جلوگیری شکار استخدام گردیدند که ۶ نفر محافظ از گارد جمهوری و ۴ نفر از مردم محل بودند (Khan ۲۰۰۲). آب ایستاده در حال حاضر دارای تحفظ نهادی نبوده و محافظین شکار نیز از دیر زمان غایب میباشند. آب ایستاده هیچگاه بطور رسمی منحیث یک تالاب رامسر دارای اهمیت بین المللی شناخته نشده است.



دشت ناوور به سبب سکونت موسمی تعداد زیاد مرغان پا و گردن دراز، شهرت دارد.

© Ron Knight

دشت ناوور

دشت ناوور یک دشت هموار وسیع (۶۰۰ کیلومتر مربع) در ارتفاعات سلسله کوه بابای هندوکش میباشد که برای سکونت موسمی تعداد کثیری از پاخان ها/فلامینگو ها (*Phoenicopterus ruber*) شهرت دارد. این دشت توسط کوه های بی آب و علف احاطه گردیده که ارتفاع آنها به بیشتر از ۴۸۰۰ متر می رسد. در دشت مذکور یک تالاب شور آب (آب ناوور) وجود دارد که تخمیناً به طول ۱۴ کیلومتر و عرض ۳ کیلومتر و مجموعه ای از ۴۰ جزیره ها در حیطة ۳۵ الی ۵۰۰ متر مربع می باشد (Shank and Rodenburg - ۱۹۷۷). اهمیت ایکولوژیکی این ساحه عمدتاً به سبب ایستگاه موقت و محل تولید نسل/تکثیر یک تنوع انواع مرغان آبی و مرغان دراز پا، می باشد. دشت ناوور در جنوب افغانستان مرکزی در ولسوالی ناوور ولایت غزنی موقعیت دارد.

راه به تالاب مذکور یک سرک خام جغتو تخمیناً (۱۱۲ km) از شهر غزنی از طریق معبر شمس الدین می باشد. یک مسیر متبادل و کوتاه تر تخمیناً (۶۵ km) یک سرک خامه است که از شاهراه غزنی- کندهار در نزدیکی های شهرک مقر، جدا گردیده است. دشت مذکور تخمیناً در ۳۳۵۰ متر ارتفاع موقعیت دارد.

در مورد چگونگی موجودیت آب در آبگیره ناوور معلومات خیلی اندک در دست است و در مورد جریان آب هیچ معلومات وجود ندارد (Petocz ۲۰۰۶b). آب در تالاب آب ایستاده کاملاً به آب شدن برف کوه های دور و بر آن متکی می باشد. مقدار آب در تالاب آب ایستاده در سالهای ۱۹۷۰، سالانه در بین ۲-۲۰ میلیون متر مکعب متفاوت تخمین گردیده است (Nogge ۱۹۷۴ in Shank and Rodenburg ۱۹۷۷). در سال های اخیر، تالاب مذکور اکثراً در فصل های تابستان یا خزان کاملاً خشک بوده است. اما، در حوض های کوچک و جویبار ها، آب ناشی از آبهای چشمه های قراء همجوار در غرب دشت، موجود بود. یک بند کوچک دائمی، بند بهایی (۱۲m ۵۰۰ x ۱۵۰m x m x) در سال ۲۰۰۵ توسط تیم بازسازی ولایتی (PRT) غزنی در بخش بالایی دریای دره خفک اعمار گردید. در ماه اپریل ۲۰۰۶ در این بند به مقدار ۴۲۴۰۰۰ متر مکعب آب ذخیره گردید. تمام آب ذخیره شده در حال حاضر توسط سیستم کانال ها برای آبیاری و استعمال خانگی انتقال داده می شود و از آب دشت ناوور دیگر آب تهیه نمی گردد (Petocz ۲۰۰۶a).

دشت ناوور منحصی یک محل مهم تولید نسل/تکثیر و توقفگاه موقت مهم برای تعداد زیادی از مرغان آبی و دراز پا های مهاجر می باشد. شواهد تولید نسل/تکثیر جمعیت های از مرغ ماهیخوار (*Recurvirostra avocetta*) که نوعی از مرغ دراز پا می باشد، مرغابی کرانه زی (*Tringa totanus*) مرغان ساحلی (*Charadrius leschenaultia*)، و پرستوی دریایی (*Sterna hirundo*) موجود می باشد (Klockenhoff and Madel ۱۹۷۰ in Shank & Rodenburg ۱۹۷۷). این ساحه بلند ترین محل تولید نسل/تکثیر پاخان ها/فلامینگوها در جهان میباشد. موجودیت و تولید نسل/تکثیر موفق خیلی متفاوت و متکی به سطوح آب می باشد. Petocz و Habibi (۱۹۸۵) از دیدن ۱۲۰۰ عدد در سال ۱۹۷۴ گزارش داده اند. UNEP (۲۰۰۳a) گزارش داد که فلامینگو ها در بین سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ به سبب شرایط خشکسالی دیده نشده اند. Petocz (۲۰۰۶a) از دیدن ۲۵۰۰ عدد فلامینگو در اپریل ۲۰۰۶ گزارش داد، اما در ماه جون آب خشک گردیده بود و این پرنده ها نیز دیگر دیده نشدند.

Freitag (۱۹۸۶) یک مورد قابل توجه بومزادی گیاه از دشت ناوور را گزارش میدهد. نامبرده چهار نوع (*Cousinia ammophila*, *Fibigia*, *Pipatherum rechingeri* و *compacta*, *Astragalus (Aegacantha)*, *antheliophorus*) مشاهده نمود. وی به این نتیجه رسید که این *psammophytic* ها (مثلاً بومزاد های ریگ دوست) از شتر های مجاور در پناه گاه مرغان آبی در دشت ناوور، ولایت غزنی، تکامل یافته اند. این پناه گاه دارای تحفظ قانونی یا مؤثر نبوده و توسط چرش مفرط گیاه های واقع در ارتفاعات بلند بطور فزاینده متضرر می شود، نه گیاه های ریگزار (*psammophytes*) که در سایر جا ها عام است. از این معلوم می شود که دشت ناوور انزوای ایکولوژیکی خیلی مؤثر و دراز مدت را متحمل گردیده است. بررسی های مزید شاید باعث کشف سایر انواع گردد که در محل طبیعی تکامل یافته باشد، و دشت ناوور را یک محل متراکم تکامل معرفی نماید. مطابق گزارش های محلی، در کوه های غرب دشت ناوور یک جمعیت کوچک بز کوهی و آهوی مارکوپولو هنوز وجود دارد. مردم محلی خاطر نشان نموده اند که در ماه های زمستان حیوانات سم دار در کوه های همجوار توسط دوربین دیده می شوند. توسط مردم محل شکار بعضی حیوانات بزرگ صورت میگرفت اما اکنون چنان به نظر می رسد که کاهش یافته است. مردم محل مرغان آبی را همیشه شکار می نمایند. آنها بطور خاص از شکار فلامینگو ها خود داری می نمایند چون رنگ گلابی بال و پر آنها را با خون حضرت حسین رضی الله تعالی عنه پیوند می دهند. در سال های ۱۹۷۰، (Shank and Rodenburg ۱۹۷۷-۱۹۷۷) جمعیت مردم هزاره مقیم در اطراف دشت را بین ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ نفر تخمین نمودند. در حال حاضر، تقریباً ۲۵۰۰ خانواده و تخمیناً ۲۴۰۰۰ نفر در ۳۸ قریه، بیشتر در بخش شرقی دشت ناوور زندگی می نمایند (Petocz-۲۰۰۶a).

در سالهای ۱۹۷۰، Shank و Rodenburg (۱۹۷۷) تخمین نمودند که تقریباً ۱۳۰۰ مردم کوچی در حدود ۵۰۰۰ الی ۷۰۰۰ رأس گوسفند و بز و ۷۰۰ نفر شتر را در ماه های تابستان چرانیدند. کوچی ها ادعاء داشتند که پادشاهان سابق افغانستان ضمن فرامین مبنی بر حق چرانیدن در دشت ناوور را به آنها داده اند. روال های عنعنوی رفت و آمد مردم کوچی در جریان ۲۵ سال جنگ ها مختل گردید. مردم مقیم هزاره در ابتداء کوچی ها را اخراج کردند اما در وقت تسلط طالبان که بیشتر آنها از قوم پشتون بودند، دوباره آمدند. طبق گزارش، در ماه های تابستان ۱۰۰۰ خانواده کوچی در حدود ۱۰۰۰۰۰ مواشی را در این ساحه می چرانند. در حال حاضر، خصومت بین مردم مستقر و کوچی ها افزایش یافته و گاه گاه به خشونت منتج می گردد (Petocz-۲۰۰۶a).

دشت ناوور از طرف ریاست حیات وحش و پارک های ملی وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در سال ۱۹۷۴، منحصی پناه گاه ملی فلامینگو و پرندگان آبی اعلان گردیده بود (FAO ۱۹۷۸). این تعیین توسط رئیس دولت وقت در ۲۰ ماه دسمبر سال ۱۹۷۷ ضمن فرمان شماره (۷۰۷) بر بنیاد پیشنهاد شماره (۱۷۶۵) مورخ ۶ جون سال ۱۹۷۷، منظور گردید (IUCN ۱۹۹۳). در سال ۱۹۷۶، محافظان شکار در دشت ناوور جابجا ساخته شدند اما اختیارات قانونی آنها زیر سؤال بود. تحفظ دشت ناوور که در گذشته اعطاء گردیده بود، مؤثریت آن دیگر وجود ندارد. دشت ناوور، در حال حاضر، در فهرست بین المللی ۱۱۹۸ ساحات شناخته شده رامسر موجود نمی باشد، هرچند، اسناد نامزدی آن جهت منظوری الحاق، به پارلمان افغانستان تقدیم گردیده است.

هامون پوزک

هامون پوزک توسط Sayer Van der Zon (۱۹۸۱) منحيث یک پارک ملی پیشنهاد گردیده بود. این یک تالاب وسیع، کم عمق و دایمی می باشد که در حوزه سیستان در کنار مرز کشور ایران موقعیت دارد. این تالاب بزرگ، کم عمق می باشد که مرکب است از بارنگک، چونگ سرخ، هامون هلمند، هامون صابری و هامون پوزک.

هر چند مجموع تالاب ها در افغانستان کاملاً از آب شدن برف سیراب می شوند، و بیشتر بخش هامون پوزک تخمیناً ۱,۴۵۳ کیلومتر مربع در داخل افغانستان قرار دارد و ۶۱ کیلومتر مربع در خاک کشور ایران می باشد (UNEP ۲۰۰۶). در جریان طغیان آب، در هامون پوزک گستره های نی دراز (*Phragmites australis*) مشاهده می شود. در زمانی، برای پرند ه های آبی این یک تالاب خیلی مهم بود که در ماه جنوری ۱۹۷۶ به تعداد ۳۵۷,۰۰۰ عدد شمار گردیده بود (Petocz et al ۱۹۷۶).

UNEP (۲۰۰۳a) تحلیل یک سلسله تصاویر ماهواره ای را فراهم می نماید نشان میدهد که حوزه سیستان در دهه سال های ۱۹۷۶ و ۲۰۰۱ چگونه خشک گردید. با آنهم، خشک شدن دوره ای یک پدیده طبیعی بوده و اگر جریان آب اعاده گردد بازیابی ایکوسیستم ممکن خواهد بود. یک تحلیل اخیر (UNEP ۲۰۰۶) نشان میدهد که در این اواخر در سیستم هامون چهار مرحله هایدرولوژی بوده اند:

۱. مرحله آب کم از ۱۹۸۵ - ۱۹۸۸

۲. مرحله آب زیاد از ۱۹۸۹ - ۱۹۹۳

۳. مرحله آب متوسط از ۱۹۹۴ - ۱۹۹۹

۴. مرحله خشک شدن آب از ۲۰۰۰ - ۲۰۰۴

از سال ۱۹۸۵ - ۲۰۰۰ حد اقل ۴۰٪ هامون پوزک را سیل برده بود که بعد از آن الی سال ۲۰۰۵ خشک گردید. بایوماس گیاهی الی سال ۱۹۹۹ کاملاً با برجا بود، سپس شدیداً از هم پاشید. درمورد جمعیت پرندگان آبی یا سایر بخش های تنوع بیولوژیکی کدام ارزیابی جدید صورت نگرفته است. دیتابیس جهانی ساحات حفاظت شده (World Database of Protected Areas, nd) مربوط IUCN، آنرا منحيث یک پناه گاه کتگوری IV ثبت نموده است، اما از طرف دولت افغانستان این ساحه هیچگاه نه شناخته شده و نه هم در جریده رسمی نشر شده است. مرز های آن نیز پیشنهاد نگردیده اند.

کول حشمت خان

کول حشمت خان یک جهیل کم عمق و مملو از نی می باشد که در حاشیه جنوب غرب شهر کابل موقعیت دارد. کول حشمت خان منحيث یک توقفگاه مهم برای تعداد کثیری از پرندگان مهاجر و یک منظره طبیعی عمدتاً در داخل شهر، از اهمیت خاص برخوردار است. کول حشمت خان برای اولین بار توسط پادشاه مغل بابر در قرن ۱۶ یاد آوری گردید. امیر عبدالرحمن خان در بین سال های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۱، منحيث شکار گاه سلطنتی از آن استفاده نمود. جانشین وی، امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹)، قلعه حشمت خان را در ساحل جنوب شرق آن منحيث مهمانخانه و اقامت گاه شکار اعمار نمود. وی همچنان یک سرک خشتی مستقیم در فراز تالاب اعمار نمود. در سال های ۱۹۳۰، شاه ظاهر شاه ساحه مذکور را منحيث ذخیره گاه پرندگان آبی اعلان نموده و تحفظ آن را بدوش گارد شاهی گذاشت. به تعقیب کودتای سال ۱۹۷۳، کول حشمت خات تحت نظارت گارد جمهوری درآمد که به دفتر ریاست جمهوری مربوط می شد. منطقه اطراف کول حشمت خان دارای ساحات زیاد تاریخی می باشد، که شامل باغ لطیف، که در سابق بطرف شمال غرب تالاب موقعیت داشت، زیارت حضرت جابر انصاری که در سال ۶۴۵ میلادی اعمار گردیده است، و قبرستان شهدای صالحین می باشد. بطرف شمال غرب آن قلعه بالا حصار موقعیت دارد که از بالای یک تپه بلند بر تالاب مشرف است.

مطابق Rahim و Larsson (۱۹۷۸)، این تالاب الی سالهای ۱۹۷۰ در ملکیت دولت بود و از طرف ریاست تشریفات ریاست جمهوری اداره می گردید. میدان های جنوب تالاب، ملکیت حمام های عمومی بود، در حالیکه میدان های طرف بخش شمال آن در ملکیت باشندگان محلی بود. ملکیت سایر زمین در اطراف تالاب بنام کسی ثبت نبود. Rahim و Larsson (۱۹۷۸) خاطر نشان نمودند که تنها یک درجن خانه در بین طرف شرقی تالاب و شاهراه کابل گردیز موجود بود. از لحاظ تاریخی، کول حشمت خان بخشی از یک سیستم بزرگ باتلاق بالای دریای لوگر بود. Rahim و Larsson (۱۹۷۸) گزارش میدهند که وسعت تالاب مذکور ۱۹۰ هکتار بود و در جریان ماه های تابستان «تقریباً خشک» می گردد.

اهمیت اساسی کول حشمت خان این است که این کول توقفگاه پرندگان آبی می باشد که از طریق دره لوگر می آیند و بطرف محل تولید نسل/تکثیر در شمال پرواز می نمایند. تنها یک چند نوع از این پرند ه در حقیقت از این تالاب منحيث محل تولید نسل/تکثیر استفاده می نمایند، هر چند تعداد آنها قابل توجه است. Rahim و Larsson (۱۹۷۸) یک فهرست انواع را که در کول حشمت خان توسط کارمندان پروژه

Niethammer مشاهده گردیده، فراهم می نمایند (۱۹۶۷ در Larsson و Rahim در ۱۹۷۸). Niethammer در سالهای ۱۹۶۰، تقریباً ۳۳,۰۰۰ عدد پرنده را در مدت دو سال در تالاب مشاهده نمود. در ابتداء کول حشمت خان بخش وسیعی از باتلاق که دریای لوگر در میدان های وسیع جنوب کابل سرازیر می شد، ایجاد گردیده بود (Scott ۱۹۹۵). یک سلسله کانال های آبیاری در طول سالها اعمار گردیده اند. کانال/جوی کمری برای تخصیص آب دارای اولویت نخست و به تعقیب آن کانال/جوی شیوکی می باشد. به هر اندازه که تقاضا برای آب افزایش می یابد، به همان اندازه سطح آب در کول حشمت خان کاهش می یابد. در نصف اول قرن بیستم، این تالاب آبیاری بیشتر بخش کارته نو و چمن حضوری کنونی را احتوا مینمود.

تغییر جهت دادن مسیر آب از کول حشمت خان تقریباً همه ساله افزایش می یابد. همچنان، کندن چاه های عمیق نیز در اطراف تالاب برای مقاصد آبیاری افزایش می یابد که این کار بدون شک سطح آب را پایین می برد. نی نوع Phragmites از وسط بستر تالاب برای فروش عمدتاً برای گالی پوشی بام ها، درو می گردد که باعث کاهش زیستگاه های حیات وحش می گردد. در سال ۲۰۰۲، UNDP یک پروژه را به سرپرستی وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تطبیق نمود که بمنظور تعیین مرز و ممانعت از دخول مواشی، ۸ کیلومتر گودال در گردا گرد تالاب حفر گردید. توربندی برای گرفتن کبک و پرندگان مهاجر در کول حشمت خان بطور پیوسته جریان دارد.

قلعه حشمت خان، خلوتگاه و مهمانخانه امیر حبیب الله خان، در جنگ های داخلی برسر کنترل کابل ویران گردید. در جای ایکه قبلاً زمین زراعتی و چند باب خانه بود، اکنون تجاوزات برای اعمار خانه ها افزایش یافته است. همچنان در ساحه بین تالاب و شاهراه کابل- گردیز، یک بازار بزرگ نجاری بنا یافته است. در سال ۲۰۰۲، یک مجتمع مردم گوچر در نهایت جنوب تالاب زندگی میکند.

(c Petocz ۲۰۰۶)، تجاوزات و تخطی های موجوده در کول حشمت خان را به ترتیب زمانی بیان می نماید. مسکن گزینان با اثر و رسوخ خانه ها و دکان های غیر قانونی را در زمین دولتی، و در بیشتر موارد بالای کناره آب تالاب اعمار نموده اند که این کار وسعت سابقه تالاب را از ۱۹۱ هکتار به ۱۵۰ هکتار کاهش داده است. سائرساکتین در دامنه تپه های دور و بر تالاب خانه های خویش را بطور غیر قانونی اعمار کرده اند که باعث افزایش جمعیت و افزایش فشار بالای منابع آبی میگردد. چاه های عمیق در کناره های تالاب جهت رسیدگی به ضروریات جمعیت رو به افزایش حفر گردیده اند که این کار نیز باعث کاهش شدید آبهای تالاب می شود. در بخش پایینتر از قلعه بالاخص مورتشویی های غیر قانونی ایجاد کرده اند که آب گنبدیده آن به تالاب ریخته، آنرا آلوده می سازد. زباله های طبی و خانگی و گاه گاه زباله های شاروالی توسط لاری های دولتی در داخل تالاب تخلیه میگردد. مردم محل نی ها و علف های تالاب را همواره درو مینمایند و زنان لباس و ظروف خانگی را در تالاب شستشو می نمایند. شکار و اذیت پرندگان تالاب عام است و به یک مشغله کودکان و نوجوانان مبدل گشته است. اخیراً، قلعه تاریخی حشمت خان در کناره جنوب غربی تالاب، که زمانی از طرف خاندان های سلطنتی سابق بطور مهمانخانه استفاده می شد، در نظر بود که منحصراً یک مرکز تعلیم و آگاهی انکشاف داده شود، بفرورش رسیده و از جا برداشته شده است. باغ لطیف در بخش سفلی بالاخص، زمانی یک ساحه زیبا و جذاب بود ولی اکنون شدیداً تخریب گردیده است.

کول حشمت خان هیچگاه حیثیت قانونی ساحه حفاظت شده را حاصل نه نموده است، هرچند از دیر زمانی توسط پادشاهان افغانستان حفاظت میگردد. در حال حاضر، اختیار و صلاحیت اداره و تنظیم تالاب با ریاست تنظیم منابع طبیعی (DNRM) وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (MAIL) می باشد. زمین های زراعتی واقع در جنوب تالاب ملکیت خصوصی می باشد و زمین های واقع در شمال تالاب در ملکیت مردم محل می باشد. سایر ادعا های ملکیت زمین یا مشکوک، ثبت نشده و یا حتی اسناد جعلی می باشد (Petocz ۲۰۰۶). یک اتحادیه از چندین ادارات دولتی به رهبری اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) و وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (MAIL) ایجاد گردیده است تا به مسایل عاجل که تمامیت و بقاء تالاب کول حشمت خان رسیدگی نماید. در سال ۲۰۰۶، رئیس عمومی اداره ملی حفاظت محیط زیست یک ورکشاپ را به همکاری پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) دایر نمود که ضمن آن یک پلان مؤقت مدیریت آینده کول حشمت خان تهیه گردید (Petocz ۲۰۰۶).

واخان

دهلیز واخان مانند یک دسته تاوه (تخم پزی) است که ۲۰۰ کیلومتر طول و ۲۰ - ۶۰ کیلومتر عرض دارد، دارای دره های میان کوهی و کوه های بلند می باشد که از ولایت بدخشان بطرف شرق امتداد یافته است. این ساحه بطرف شمال با تاجکستان، بطرف جنوب با کشور پاکستان و بطرف شرق با کشور چین هم مرز می باشد. واخان بخشی از «گره پامیر» است که سلسله کوه های هندوکش، قراقرم، همالیا و تیان شن، از آن گسترش یافته اند. دهلیز واخان در ولایت بدخشان دارای تنوع بیولوژیکی غنی گله های غزگاوها (Bos grunniens) می باشد. مردم محل از این غزگاوها برای شیر، گوشت و انتقالات/ترانسپورت استفاده می نمایند.

واخان توسط (Petocz a) ۱۹۷۸ خیلی به تفصیل تشریح گردیده است و چنان به نظر می رسد که در طول ۲۵ سال جنگ و نا آرامی ها دست نخورده باقیمانده است (UNEP ۲۰۰۳ a and b). پروگرام محیط زیست (۲۰۰۳ b) واخان را به سه ساحه جغرافیایی تقسیم می نماید:

- درهٔ باریک واخان، که از اشکاشم الی قلعهٔ پنجه تخمیناً ۱۱۰ کیلومتر طول دارد، در جنوب با پاکستان و در شمال با تاجکستان مرز دارد.
- پامیر بزرگ، در بخش شمال- مرکزی دهلیز بین پامیر و دریای واخان امتداد دارد که با تاجکستان مرز دارد.
- پامیر خورد، مشتمل است بر دو کتلهٔ بزرگ کوه در نهایت شرق واخان قرار دارد که توسط دریای واخجیر جدا می گردد و با کشور های پاکستان، چین و تاجکستان هم مرز است.

شاهراه افسانوی ابریشم از میان واخان می گذرد و مشخصه های باستانی، تاریخی و فرهنگی این ساحه بی مانند می باشد. قوم واخی مستقر/ غیر مهاجر در درهٔ واخان و پامیر بزرگ سکونت می نمایند، در حالیکه پامیر خورد زیستگاه مردم چراگرد/رمة داران کوچی قرغیزی می باشد.

پامیر بزرگ، یک سرزمین مرتفع دارای کوه های بلند می باشد، که ارتفاع آن به ۶۱۰۰ متر می رسد، در بلندی ها اغلباً نباتات الپاینی و در بخش های پایینی دره علف و زنبق زرد می روید. شهرت زیاد این ساحه به سبب موجودیت آهوی مارکوپولو (*Ovis ammon poli*) می باشد. در سال (1973، 1978، Petocz b) در حدود ۵۰۰ رأس مارکوپولو را در پامیر بزرگ شمار نمود. در سالهای ۱۹۵۰، محمد ظاهر شاه، پادشاه وقت کشور، فرمان داد که این گوسفند وحشی باید در یک درهٔ پامیر بزرگ حفاظت شود و در سال ۱۹۷۰ چهار درهٔ عمده که ۶۷۹ کیلومتر مربع را احتوا میکرد، نیز در این حفاظت شامل گردیدند (Petocz ۱۹۷۸c). در بین سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۹، یک برنامهٔ کامیاب شکار برای سیاحان از طرف سازمان سیاحتی افغانستان (ریاست گرځندوی اسبق) در پامیر بزرگ ادامه داشت. پامیر بزرگ در سال ۱۹۷۸، منحیت ذخیره گاه حیات وحش در جریدهٔ رسمی نشر گردید اما تا کنون از حیثیت ساحهٔ حفاظت شده برخوردار نمی باشد.



تما و منظرهٔ وسیع دهلیز واخان از فضاء

© Matthieu Paley

UNEP (B2003) دریافت که گوسفندان مارکوپولو (خصوصاً جنس ماده و جوانتر) با حیوانات اهلی (بز و گوسفند) در ساحات سپری نمودن زمستان در پامیر بزرگ غربی، حین چرش با هم شدیداً رقابت می نمودند. تیم UNEP دریافت که حیوانات اهلی (بز و گوسفند) بیش از حد برای روز های زمستان در این ساحات نگهداری می شود که چرا گاه های بین ۴,۰۰۰ الی ۴,۳۰۰ متر ارتفاع به سبب لگد مال کردن بطور قابل ملاحظه تخریب گردیده بود. گوسفندان وحشی در فرصت های مناسب برای گوشت شکار می شدند. علاوه بر آهو های مارکوپولو، انواع دیگر حیوانات وحشی از قبیل بز کوهی (*Capra siberica*)، خرس خرمایی (*Ursus arctos*)، گرگ (*Canis lupus*)، سیاه گوش (*Lynx lynx*) و پلنگ برفی (*Uncia uncia*) در پامیر بزرگ سکونت مینمایند (UNEP ۲۰۰۳b). از سال ۲۰۰۶ بدینسو، انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) در حال مطالعه/بررسی تأثیر متقابل پرندگان، پستانداران و مواشی/حیات وحش در پامیر بزرگ بوده است، که هدف نهایی آن ایجاد یک ذخیره گاه دارای حیثیت قانونی میباشد. تخمین های تقریبی اینست که بیشتر از ۱۵۰ رأس آهوی مارکوپولو هنوز در پامیر بزرگ باقی مانده اند. تخمین های تفصیلی جمعیت با استفاده از تخنیک تخمین های DNA در حال اجرا می باشد. انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) همچنان با مردم محل واخان در جهت تقویت حفاظت توسط مردم محل در پامیر بزرگ کار مینماید.

پامیر خورد هیچگاه حیثیت ساحه حفاظت شده را حاصل نه نموده است. در سال ۱۹۷۳، (b Petocz ۱۹۷۸) بیشتر از ۷۶۰ رأس آهوی مارکوپولو را در پامیر خورد، غیر از درهٔ واخجیر، مشاهده نمود. در سال های اخیر سروی های جدی صورت نگرفته، اما تیم (b UNEP ۲۰۰۳) به این نظر بود که جمعیت آهوی مارکوپولو به نسبت پامیر بزرگ در پامیر خورد بیشتر است. زیست شناسان انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) در سال ۲۰۰۴ در حدود ۵۴۵ رأس آهوی مارکوپولو را در پامیر خورد و ۱۰۶ رأس آهوی مارکوپولو را در درهٔ واخجیر در سال ۲۰۰۷، مشاهده نمودند.

انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) اخیراً پیشنهاد نمود که باید یک ساحه تقریباً ۲۵۰ کیلومتر مربع در قله شرقی پامیر خورد (در شرق ۷۴۰ E) یک ساحه شدیداً حفاظت شده تعیین گردد (P. Zahler, pers. comm., April ۲۰۰۶). این ساحه در حال حاضر مورد استفاده گله داران قرغیزی محلی می باشد، بنا برآن این زیستگاه در وضعیت خیلی خوب قرار دارد و با نمونه های استفاده بشری در تعارض نمی باشد. در بین این ساحه و ذخیره گاه شیماک در تاجکستان کدام مانع نیز وجود ندارد و آهو های مارکوپولو میتوانند بدون مانع در بین این دو ساحه رفت و آمد نمایند. قله شرقی دره واغجیر (در حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع)، شرق ۷۴۰۲۰ E، در حال حاضر بدون ساکنین میباشد و تنها برای چرس غزگو در زمستان استفاده می گردد. انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) پامیر خورد و دره واغجیر را منحصراً ساحات حفاظت شده پیشنهاد نموده است.

آهوی مارکوپولو در واخان در بین مرز های بین المللی بطور آزادانه رفت و آمد مینماید. بنا برآن، مفکوره ایجاد یک ساحه حفاظت شده فرامرزی چهار کشور (افغانستان، پاکستان، چین و تاجکستان) که مرکز آن در واخان باشد، از دیر زمانی بالای آن غور میگردد. بیشتر ساحه مورد نظر برای همچو یک پارک بزودی مختص خواهد گردید. ساحه حفاظت شده فرامرزی، پارک ملی خنجیراب پاکستان (۶،۱۵۰ کیلومتر مربع) و ذخیره گاه طبیعی همجوار تکس کورگن در حدود (۱۴،۰۰۰ کیلو متر مربع) در چین را احتوا خواهد نمود. سایر ذخیره گاه های دارای آهوی مارکوپولو در این منطقه مرزی عبارت از ساحه شدیداً حفاظت شده زورکول (۸۷۰ کیلو متر مربع) در تاجکستان و ذخیره گاه حیات وحش پامیر بزرگ (۶۷۹ کیلومتر مربع) در افغانستان می باشند. علاوه بر آن، دو ساحه مشخص شکار برای آهوی مارکوپولو، یکی در تاجکستان و دیگری در چین دارای اقدامات حفاظتی می باشد. کشور چین در نظر دارد که یک ذخیره دیگر را در امتداد مرز با تاجکستان تحت حفاظت قرار دهد، و سروی های اخیر انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) در تاجکستان و افغانستان افزایش مزید در سیستم را پیشنهاد می نماید. در سال ۲۰۰۶، یک جلسه مقدماتی پلانگذاری در شهر اورمچی، کشور چین برگزار گردیده بود.

نورستان

Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) پیشنهاد نمودند که یک پارک ملی در دره پارون و کانتیوا در ولایت نورستان ایجاد گردد. آنها یک نقشه که نشان دهنده ساحه تقریبی پارک ملی بود، ارائه نمودند. ارزش عمده این ساحه به سبب موجودیت جنگلات عمدتاً دست نخورده و متناثر بارانهای مونسون، و تجمع انواع فوق العاده در ساحه بشمول خرس سیاه همالیایی، آهوی مارخور، پلنگ و پلنگ برفی وانمود گردیده است. همچنان طرز زندگی عنعنوی مردم دارای اهمیت بزرگ فرهنگی می باشد. Larsson و Petocz (۱۹۷۷) ایکولوژی این منطقه را تشریح و برای مدیریت آن پیشنهاد نمودند. تحلیل تصاویر ماهواره UNEP نشان می دهد که ۵۲٪ پوشش جنگل در ولایات نورستان، لغمان و ننگرهار در بین سالهای ۱۹۷۷ و ۲۰۰۲، از بین رفته است (UNEP ۲۰۰۳). انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) در حال حاضر می خواهد یک بررسی/ مطالعه حیات وحش را در نورستان انجام دهد و موجودیت، شناسایی و توزیع انواع پستانداران را از طریق رد پا در برف و شناسایی پشقل و صدا ها و تصویر برداری فنی توسط کمره ها و تخنیک های خاص تثبیت نموده است. پارک ملی مذکور تا کنون در حد پیشنهاد می باشد و کدام شناخت رسمی را حاصل نه نموده است.

خدران

در مورد خدران معلومات اندک وجود دارد. این ساحه توسط یک مکتوب از دوکتور طاهر عنایت، رئیس پوهنتون کابل در سال ۱۹۹۰ به مرکز نظارت جهانی حفاظت پیشنهاد گردیده بود. Leeman و Omrani (۲۰۰۵) اظهار مینمایند که دلیل عمده پیشنهاد این ساحه به سبب جنگلات کاج دارای میوه مخروطی شکل و درختان برگریز می باشد که این جنگلات زمانی مملو از این درختان بود. آنها خاطر نشان مینمایند که این منطقه شاهد جنگ های شدید در جریان اشغال افغانستان توسط قواء اتحاد شوروی وقت (۱۹۷۹ - ۱۹۸۹)، در جریان جنگ های داخلی در سال ۱۹۹۰ و سپس در ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲، بود. از سال ۲۰۰۶ به بعد این ساحه بی ثبات باقیمانده است.

امام صاحب

امام صاحب یک دشت سیلابی است که مشتمل بر جزیره نما ها و کناره های دریای آمو میباشد. این ساحه از لحاظ تاریخی به یک مسجد و یک زیارت منسوب گردیده، که به دفن بودن سر امام حسین رضی الله، نواسه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم معروف است (Omran and Leeman ۲۰۰۵). این ساحه از طرف Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) منحصراً یک ذخیره گاه طبیعی پیشنهاد گردیده بود. سنش ها با استفاده از گوگل ایرتپ نشان می دهد که این ساحه تخمیناً ۵۰ کیلومتر طول و ۱۲ کیلومتر عرض دارد. همراه با درقد، ممکن است بزرگترین پوشش جنگل ساحلی در افغانستان باشد. جنگل ساحلی در/ اطراف امام صاحب آخرین زیستگاه آهوی باختری (*Cervus elaphus bactrianus*) افغانستان می باشد، که در معرض تهدید قرار دارد.

در سال ۲۰۰۲ تیم ارزیابی شاخه بعد از جنگ UNEP که از ساحه دیدن نمود، گزارش می دهد که ظاهراً این ساحه دست نخورده است. گزارش داده شده بود که در دوران تسلط طالبان ۳۰۰ خانواده در این جزیره نما زندگی می نمودند، که ۱۰۰ خانواده هنوز در آنجا زندگی مینماید. ساکنین این ساحه درختان جنگل را برای سوخت و همچنان برای ایجاد زمین زراعتی، قطع می نمایند. آقای Anthony Fitzherbert در سال ۲۰۰۴ از این ساحه دیدار نمود و برایش گفته شد که مردم با نفوذ معمولاً مقصد شکار از دریا عبور و داخل ساحه مذکور می شوند (Omrani and Leeman ۲۰۰۵). مردم محل به وی گزارش دادند که بعضی حیات وحش کوچک، و احتمالاً آهوی باختری، هنوز در این جزیره نما وجود دارد. احمدخان (pers. comm. ۲۰۰۶) در سال ۲۰۰۵، به نمایندگی از بانک انکشافی آسیایی از این ساحه دیدار نمود و دریافت که ساحه مذکور کاملاً به زمین های زراعتی مبدل ساخته شده است. UNEP (۲۰۰۳a) گزارش میدهد که در قرن بیستم امام صاحب منحیث ذخیره گاه شکار خاندان سلطنتی با ممنوعیت جدی استفاده از زمین، اعلان گردیده بود. این ساحه ممکن است در اواسط سال های ۱۹۹۰ منحیث ذخیره گاه دولتی اعلان گردیده باشد، اما در مورد آن هنوز ابهام قابل توجه وجود دارد (UNEP ۲۰۰۳a). علی الرغم آن، اعلان مذکور هیچگاه در جریده رسمی منتشر نگردیده و نه مرز های رسمی آن معلوم گردیده است.

درقد

درقد یک ذخیره گاه همتای امام صاحب است که در ۲۵ کیلومتری قسمت علیای رود خانه موقعیت دارد. Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) برای مدیریت آن منحیث ذخیره گاه طبیعی پیشنهاد نمودند. سنجش های تخمینی با استفاده از گوگل ارته معلوم می شود که این ساحه تقریباً ۴۰ کیلو متر طول و ۲۰ کیلو متر عرض دارد. مانند امام صاحب، درقد بدلیل داشتن جنگل/گیاهان ساحلی (tugai) حایز اهمیت است.

آخرین نشانه بره های افغانستان در سال ۱۹۶۷ در درقد دیده شده بود (Habibi ۲۰۰۳). احمد خان (۲۰۰۶) در سال ۲۰۰۵، که به نمایندگی از بانک انکشافی آسیایی از درقد دیدار نمود، دریافت که ساحه مذکور شدیداً تخریب گردیده است. در قرن بیستم، مانند امام صاحب، درقد نیز منحیث ذخیره گاه شکار سلطنتی اعلان گردیده بود اما این ساحه هیچگاه در جریده رسمی نشر نگردید و نه مرز های آن بطور رسمی معلوم گردیدند.

شمال غرب افغانستان

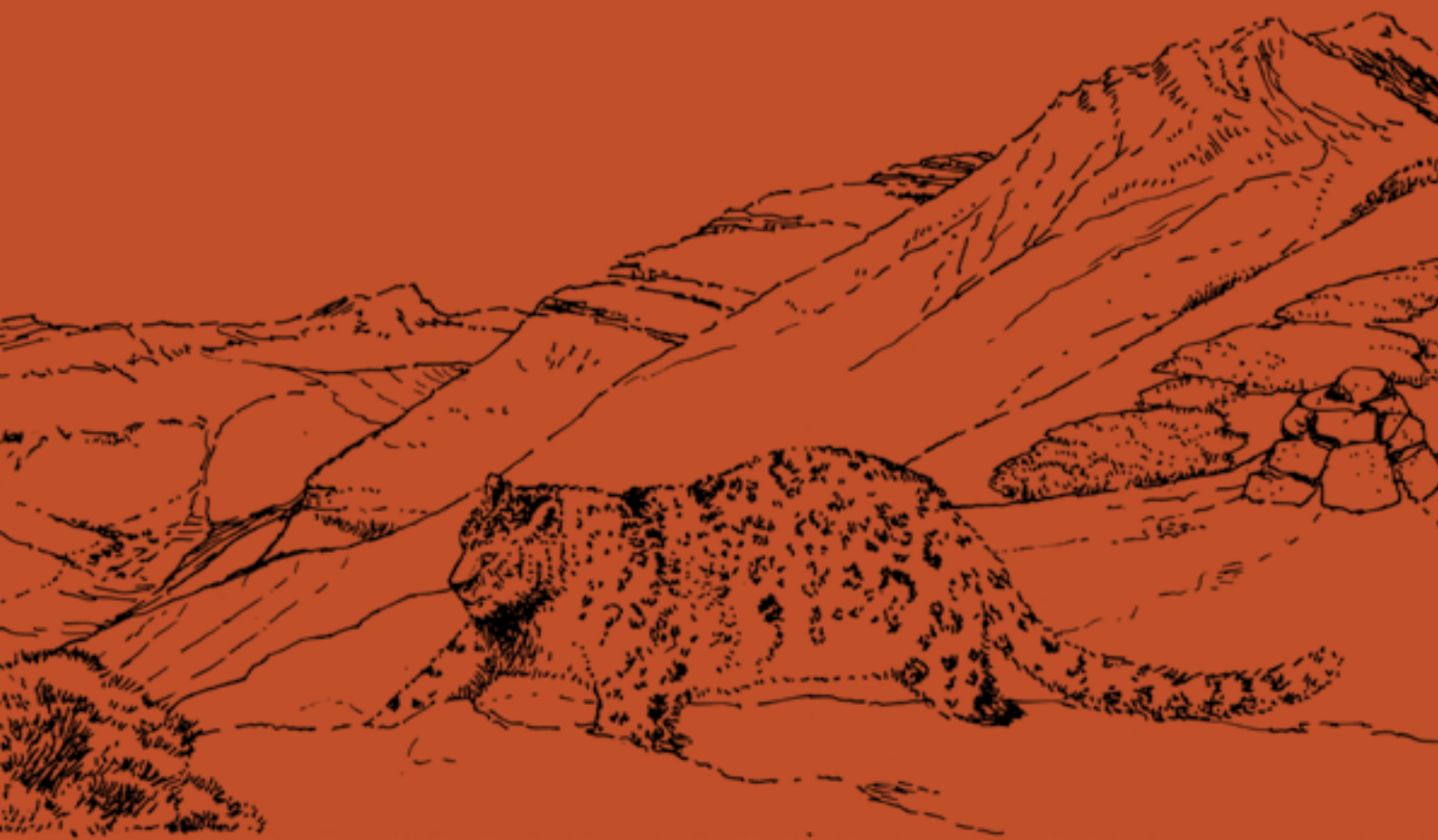
شمال غرب افغانستان توسط Sayer and Van der Zon (۱۹۸۱) منحیث ساحه حیات وحش تنظیم شده و یا ذخیره گاه طبیعی پیشنهاد گردیده بود. این ساحه در نهایت شمال غرب کشور در امتداد مرز های کشورهای ترکمنستان و ایران موقعیت دارد. ارزش تحفظ آن عمدتاً منحیث نماینده جنگلات پسته (*Pistacia vera*) در ارتفاعات بلند و شیب های *Artemisia* در ساحات پایینی می باشد. طبق گزارش ها خر های وحشی الی سال ۱۹۷۵ در آنجا شکار می گردید و اما اکنون کاملاً از بین رفته اند (Omrani and Leeman ۲۰۰۵). در مورد ساحه مذکور معلومات اندکی موجود می باشد. ساحه مذکور هیچگاه کدام سطح شناخت رسمی را حاصل ننموده و مرز های آن نیز بطور رسمی مشخص نگردیده اند. زمانی، یک چراگاه برای اسب های دولتی در حضرت بابا (۲۱°۶۲'۰۱۴" N، ۶۶°۴۶'۳۸" E)، در باریکه شمال-غرب فیروز کوه در حدود ۳۰ کیلومتر شمال هرات، وجود داشت. در اواخر سال های ۱۹۷۰، ساحه حضرت بابا دارای بهترین وضعیت چرا در افغانستان بود (pers. Obs). این ساحه به منظور معلوم نمودن وضعیت کنونی و نیز به سبب برانزندی آن برای شامل نمودن منحیث ذخیره گاه حیات وحش شمال غرب افغانستان در آینده، باید بررسی گردد. این ساحه هیچگاه شناخت قانونی را حاصل ننموده است و مرز های آن نیز بطور رسمی مشخص نگردیده اند.

صحرای ریگستان

صحرای ریگستان در سال (۱۹۸۱) توسط Sayer and Van der Zon منحیث ساحه تنظیم شده حیات وحش و یا ذخیره گاه طبیعی پیشنهاد گردیده بود. این ساحه در جنوب غرب کشور در بین ولایات کندهار و هلمند موقعیت دارد. صحرای ریگستان بر ساحات ایکولوژیکی متنوع از ریگ روان گرفته الی دشت های سنگریزه، مشتمل می باشد. ارزش تحفظ آن منحیث نماینده مناطق صحرائی افغانستان و تحفظ انواع نباتی و خزندگان می باشد.

جانوران بزرگ گیاه خوار (گوره خر، غزال آسیایی، غزال جاغوردار) و شکار کننده آنها (پلنگ خالدار، کفتار) در یک زمان زیاد بودند، اما اکنون، اگر کل نباشد، بیشتر آنها نا پدید شده اند. Omrani و Leeman (۲۰۰۵) گزارش دادند که در سالهای تسلط طالبان، عرب های ثروتمند یک میدان هوایی را جهت دسترسی به شکار این غزال ها و هوبره ها، تعمیر کرده بودند که این انواع در ساحه به ندرت مشاهده می شوند. Toderich و Tsukatani (۲۰۰۵) فهرست های بعضی از انواع نباتات و تخمین های بارآوری برای ساحه را فراهم می نمایند، اما معلومات دیگر خیلی کم در دسترس می باشد. این ساحه هیچگاه شناخت قانونی را حاصل ننموده است و مرز های آن نیز بطور رسمی مشخص نگردیده اند.

تهدیدها در برابر تنوع بیولوژیکی افغانستان



تهدیدها در برابر تنوع بیولوژیکی افغانستان



علاوه بر تأثیرات مستقیم وسایط نقلیه و انفجارات بالای زیستگاه ها، جنگ نیز فشار های اضافی مانند تقاضای زیاد برای گوشت و سایر منابع طبیعی، تغییرات ساحات طبیعی مانند قطع جنگلات و آلودگی را به بار می آورد.

جمعیت سریعاً رو به افزایش افغانستان در برابر تحفظ تنوع بیولوژیکی، و نهایتاً در برابر بهبودی کیفیت زندگی مردم کشور، یک چالش بزرگ می باشد. یک احصائیه کامل جمعیت افغانستان هیچگاه وجود نداشته و تخمین های جمعیت بطور گسترده با هم تفاوت دارند. اما این واضح است که با وجود سالها جنگ که بیشتر از ۲,۵ میلیون مردم کشته و میلیون ها نفر دیگر در داخل کشور بیجا گردیده اند، جمعیت افغانستان از سال ۱۹۷۹ تقریباً دو برابر افزایش یافته است که در سال ۲۰۰۸ به ۳۲,۷ میلیون (CIA ۲۰۰۹)، و یا ۲۷,۱ میلیون در سال ۲۰۰۶ (اداره امور اقتصادی و اجتماعی، بخش جمعیت ملل متحد، ۲۰۰۷) تخمین گردید. در حالیکه، احصائیه رسمی افغانستان تعداد نفوس کشور را تنها ۲۴,۳ میلیون نشان می دهد (سالنامه احصائیه به زبان دری).

رقم CIA که در فوق تذکر یافته، یک سناریوی بلند افزایش جمعیت را نشان می دهد که بانک جهانی در سال ۱۹۷۸ پیش بینی نموده بود (Sayer and Van der Zon ۱۹۸۱; p. ۱۳). در حال حاضر، رشد طبیعی سالانه ۲,۶۲۵٪ تخمین گردیده است (CIA ۲۰۰۹) و رشد طبیعی جمعیت، بشمول مهاجرت سالانه ۳,۸۵٪ تخمین گردیده است (اداره امور اقتصادی و اجتماعی، بخش جمعیت ملل متحد). رقم اولی افغانستان را در ۲۷ کشور های سریعترین رشد کننده در جهان، و رقم دومی، سومین کشور سریعترین رشد کننده در جهان قرار می دهد. اوسط عمر مردم افغانستان ۱۷,۶ سال (CIA ۲۰۰۹) پایین ترین عمر در جهان است و این مسلم می سازد که جمعیت کشور به افزایش سریع خود ادامه خواهد داد. جمعیت افغانستان توقع می رود که در سال ۲۰۵۰ در بین ۶۰,۷ و ۷۸,۷ میلیون بالغ گردد (اداره امور اقتصادی و اجتماعی، بخش جمعیت ملل متحد). رشد سریع جمعیت یک تهدید جدی در برابر تنوع بیولوژیکی- و فقر برای بیشتر شهروندان افغانستان خواهد بود. افغانستان یکی از فقیر ترین کشورهای جهان است که با شاخص انکشاف بشری از جمله ۱۷۸ کشور در درجه ۱۷۴ قرار دارد (مرکز برای انکشاف بشری ۲۰۰۵). شاخص های استهلاك از جمله ۱۵۰ کشور سر وی شده، پایین ترین می باشد و این نشان می دهد که در ظرف ۴۰ سال گذشته یک کاهش شدید و جدی می باشد. عاید سرانه سالانه فی نفر وسیعاً متفاوت می باشد، اما یک گزارش اخیر نشان می دهد که ۴۲٪ مردم افغانستان با روزانه کمتر از یک دالر امریکایی امرار حیات مینمایند (Chatterjee ۲۰۰۹). مواجه بودن با فقر کمر شکن و نبود متبادل ها در مقابل منابع طبیعی، افغانها گزینه دیگر به جز استفاده از تنوع بیولوژیکی بشکل نا پایدار ندارند، که باعث کشمکش/جنگ در بین مستهلکین منابع، تخریب زیستگاه ها، شکار مفرط، و تجارت غیر قانونی می گردد. تا اینکه به این موضوع بطور مؤثر و سریع رسیدگی نشود، تنوع بیولوژیکی افغانستان با یک آینده تاریک و مبهم مواجه خواهد بود.

نبود شرایط اساسی مورد نیاز برای مدیریت مؤثر منابع در افغانستان، عامل بزرگ از بین رفتن قابل ملاحظه تنوع بیولوژیکی می باشد. در کنار جنگ ها، فقدان تأمین اجتماعی به نبود پالیسی و اسناد مناسب قانونی دیگر منتج گردیده است، و لو در بعضی جاها موجود هم باشد، تنفیذ و تطبیق قانون خیلی ضعیف می باشد. محدودیت های مالی و سایر نگرانی های ملی باعث فقدان تعلیم و آگاهی در مورد تنوع بیولوژیکی و منابع طبیعی، ترانسپورت و دسترسی ناقص کارمندان دولتی و هماهنگی محدود در بین ادارات دولتی گردیده است. بالآخره، تأثیر و نفوذ متفاوت جنگ سالاران و مردم زورمند است که با نفوذ و صلاحیت کارمندان دولت و سازمان های غیر دولتی مخالفت می نماید.

علاوه بر تهدید های وسیع که شامل حوادث طبیعی مانند سرازیر شدن سیلاب ها، تهدید های مزید در برابر تنوع بیولوژیکی افغانستان عبارت اند از شکار مفرط، قطع جنگلات، چرای بیش از حد، جمع آوری بوته ها، زراعت للمی، منحرف ساختن مسیر آب، تغییر اقلیم و صحرا سازی می باشند. همه این تهدید ها در سال های اخیر وضع را بدتر ساخته اند.

شکار، بدام اندازی و تجارت

شکار و بدام اندازی شاید بزرگترین تهدید برای خیلی از پستانداران بزرگ و پرندگان افغانستان باشد. قبل از جنگها در سال ۱۹۷۹، اسلحه گرم قدیمی و یا دارای قطر کم، به ندرت پیدا می شد. بیشتر اسلحه گرم/تفنگ ها دهن پر و یک تکه بودند. از تفنگ های عصری، موش کش ۲۲ بر خیلی معروف و عام بود. با آنهم، یک افغان میتواند به اسلحه و مهمات بطور عام دسترسی داشته باشد. این همه وضعیت با آغاز جنگ ها تغییر نمود و موجودیت اسلحه و مهمات افزایش و عام شد.

در جریان سال های جنگ، با پراکنده شدن افغانهای مسلح به سراسر اطراف کشور و تا حد زیاد برای خوراک بالای گوشت حیات وحش متکی گردیدند، حیات وحش افغانستان شدیداً متضرر گردید. امروز، شکار پرنده های آبی خیلی عام است، بالاخص، در ماه های زمستان، در حالیکه شکار پستانداران بزرگ توسط بعضی نخبه گان به شکل سرگرمی و در بعضی جاها یا در صورت مساعد بودن فرصت، توسط مردم محل صورت میگیرد. اما، حیوانات بزرگ اکنون تا حدی کمیاب اند که شکارچیان مشهور نیز از شکار منصرف شده اند.

تجارت پوستین در کابل، مزار شریف و سایر شهر ها هنوز رونق دارد. خیلی از انواع که عرضه میگردند، بومی نبوده، بلکه وارد شده اند. این معلوم نیست که تا کدام تناسب انواع بومی واقعاً از افغانستان اند. یکی از محل عرضه پوستین ها مارکیت های از لحاظ امنیت کنترل شده در مراکز/بیس های نظامی می باشد. تلاش های همکاری توسط نظامیان، وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا و انجمن تحفظ حیات وحش (WCS) در دور نمودن انواع شامل در فهرست CITES از بیشتر این جاها، مؤفق بوده اند.

افغانها نگهداری پرنده ها را خیلی دوست دارند. در کابل و مزار شریف و همچنان در سایر مراکز شهر های افغانستان بازار های فعال پرندگان وجود دارد (Ostrowski 2006a and b, Ostrowski et al. 2008). در این مارکیت ها، انواع مختلف پرندگان وحشی بومی اسیر شده و پرندگان وارد شده، بفروش می رسد. در کنار بدام اندازی پرندگان مطلوب، بدام اندازی باز خیلی زیاد است مثلاً باز صقر (*Falco cherrug*) و باز قوش (*Falco peregrinus*) که به دلال های پاکستانی بفروش می رسد، سپس به عرب های متمول در کشور های عربی به فروش رسانیده می شود. شکار با باز در افغانستان معمولاً برای پرنده های کم ارزش مانند گنجشک ها (*Accipter nissus*) انجام می گیرد. کبک خاکستری (*Alectoris chukar*) وسیعاً بدام انداخته می شود و معمولاً برای نمایش و جنگ اندازی نگهداری می گردد. پرنده های کوچک برای خوراک بدام و یا به جال انداخته میشوند.

در ماه مارچ سال ۲۰۰۵، رئیس جمهور افغانستان فرمان شماره ۵۳ را صادر نمود که شکار هر نوع پرنده برای ۵ سال را ممنوع می نمود. با آنهم، چون نافذ نمی گردد، بیشتر افغان های عادی از فرمان مذکور اطلاع ندارند. در حالیکه افراد با قدرت و با نفوذ، آنرا نادیده می گیرند. یک مقرر در مورد تحفظ حیوانات و منع شکار در حال تسوید است که شکار را کنترل خواهد نمود، اما چند سال را در بر خواهد گرفت تا این مقرر توسط کابینه تصویب گردد و شاید در تطبیق مؤثر آن سال های مزید سپری گردد.

قطع جنگلات در افغانستان خیلی شدید بوده است که در نتیجه، جنگلات قطع شده ممتوانند دوباره رشد نمایند بناءً به بته زار ها تبدیل میگردد.



قطع جنگلات/جنگل زدایی

افغانستان دارای دو نوع اساسی جنگل می باشد: جنگل های انبوه بلوط و ناجو(دارای میوه های مخروطی شکل) در ساحات شرقی متأثر از باران های مونسون، و جنگل درختان دور از هم مانند سوانا- درختزار های باز پسته که اصلاً بطور قوس در اطراف کوه ها موقعیت دارد.

جنگل های انبوه (بدون مجتمعات جنگل های سرو کوهی شمالی) که احتمالاً زمانی در حدود ۳۴۰۰۰ کیلو متر مربع یا ۵٪ مساحت کشور را احتوا نموده بودند. در اواخر سالهای ۱۹۷۰، در حدود ۳۶۰۰ کیلو متر مربع جنگل انبوه موجود بود، که تنها ۱۱٪ پوشش جنگل دست نخورده را احتوا میکرد. بر بنیاد بعضی پندار ها، از سال ۱۹۸۰ بدینسو، بیش از نصف آن از بین رفته است که اکنون ۱۸۰۰ کیلومتر مربع باقی مانده است. هرچند، ابهام های زیادی موجود است که ممکن در افغانستان اکنون تخمیناً ۵٪ نباتات جنگل دست نخورده داشته باشد که ۲٪ ساحه کشور را تشکیل میدهد (UNEP ۲۰۰۹).

درختزار های باز تقریباً ۳۸٪ را احتوا میکنند که (۲۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع) ساحات/مناظر طبیعی افغانستان را تشکیل میدهد. در اواخر سال های ۱۹۷۰، تقریباً ۳۲۰۰۰ کیلومتر مربع باقی مانده بود که در حدود ۱۳٪ از درختزار باز اصلی و ۵٪ ساحات/مناظر طبیعی افغانستان نمایندگی میکرد(UNEP ۲۰۰۹).

تحلیل تصاویر ماهواره ای (UNEP ۲۰۰۳a) نتوانست که درختزار بقیه (< ۴۰ درخت در یک هکتار) را در دو ولایت مشاهده نماید، این بدین معنی است که درختزارهای باز منحصیث ایکوسیستم دوامپذیر در سراسر افغانستان در حال حاضر در شرف انقراض قرار دارند.

قطع درختان جنگل/جنگل زدایی در حال حاضر به نظر می رسد که با تمام قوت جریان داشته باشد. Wingard et al. (۲۰۰۸) تخمین می نماید که هر سال جمع آوری چوب سوخت برای مارکیت های کابل به تنهایی باعث تخریب ۱۰,۰۰۰ هکتار جنگل های بلوط و ۱۵,۰۰۰ هکتار جنگل سرو کوهی در ولایات پکتیا و خوست می گردد. صادرات غیر قانونی چوب چهارتراش به پاکستان از طریق مناطق خارج از کنترل دولت چشمگیر اما به سبب وضعیت امنیتی مقدار آن غیر قابل سنجش می باشد. از فرمان رئیس جمهور مبنی بر منع استفاده از محصولات جنگل اکثر افغانها اطلاع ندارند و یا از آن کاملاً چشم پوشی می شود.

چرای مفراط

از ۴,۰۰۰ الی ۵,۰۰۰ سال بدینسو از چرا گاه های افغانستان استفاده می شود و بنا براین مجتمعات نباتات با فشار چرش تطابق کرده اند، مانند علف های دایمی و گیاه ها: گیاه پیازی، زنجبیل، ساقه زیرزمینی، خفته، داسه/ریشک و خار و غیره. انواع گیاه بوته تک سال زی اند. بوته های معمولاً خار دارو بوته های بلند، دارای ترکیبات مواد سمی محافظوی می باشند.

یک احصائیه تفصیلی حیوانات اهلی افغانستان در سال ۲۰۰۲- ۲۰۰۳ انجام گردید (FAO ۲۰۰۸). این احصائیه نشان داد که ۳,۷ میلیون گاو، ۸,۸ میلیون گوسفند، ۷,۳ میلیون بز، ۱,۶ میلیون الاغ/خر، ۰,۲ میلیون شتر و ۰,۱ میلیون اسب در کشور موجود اند. یکی از تهیه کننده گزارش اظهار نمود که از آن به بعد، در تعداد چندان تغییر میان نیامده است (W. Pittroff, pers. comm. ۲۰۰۹). بر بنیاد این ارقام، میزان سالانه حیوانات اهلی برای ۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع چراگاه افغانستان ۰,۱۵ واحد ماه حیوانی (AUMs) در فی هکتار می باشد. این سطح میزان

حیوانات به نسبت محیط زیست مشابه در جا های دیگر جهان پایین می باشد و بشمول عدم افزایش رمه به تعقیب خشکسالی، بطور عام الف) اینکه چرا گاه های افغانستان نزدیک به ظرفیت تاب آوری اند، و ب) اینکه هزاران سال چرا، ظرفیت تاب آوری را به تناسب ظرفیت زمین کاهش داده است. نتیجه گیری ظاهری که حیوانات اهلی تقریباً تمام بايوماس های گیاهی موجود را می خورند، بالای تنوع بیولوژیکی تأثیر عمیق خواهد داشت، اما نبود معلومات اساسی، مستند نمودن این تأثیر را نا ممکن می سازد.

جمع آوری بوته ها

بخش بزرگ افغانستان را بوته های خاردار بالشت شکل پوشانیده است. خود مجتمع گیاهی به سبب هزاران سال چرش در یک ساحه بزرگ ایکولوژیکی که در اصل جلگه وسیع علف ارمنه/ترخ بود، به این منتج گردیده است.

در بیشتر مناطق روستایی افغانستان، در کنار سرگین خشک/تپاله، بوته ها منبع عمده سوخت را تشکیل می دهد. از بیخ/ریشه های بوته ها برای پخت و پز و تسخین استفاده میشود. با رشد فزاینده جمعیت، چرا گاه های واقع در قرب و جوار ساحات مسکونی برهنه گردیده و جمع کنندگان برای بدست آوردن گیاه ها و بوته ها اکنون به پیمودن مسافت دور تر مجبور می شوند. در مورد میزان رویش مجدد بوته ها معلومات خیلی اندک موجود است. از بین رفتن بوته ها یک نگرانی بزرگ می باشد زیرا انبوهی بته های خاردار، برای تعداد زیادی از انواع علف و بوته های تک سالی که بیشتر آنها بومی اند، در برابر چریدن محافظت می نمایند. از بین رفتن بوته همچنان فرسایش خاک را توسط باد و آب افزایش می دهد. مطابق گزارش های بعضی مجتمعات لغزش زمین و سیلابهای فاجعه آمیز، ناشی از بارندگی های بهاری و آب شدن های برف در سالهای اخیر خیلی افزایش یافته است.

زراعت للمی

مطابق بعضی تخمین ها، تنها ۲۰٪ زمین زراعتی افغانستان دارای آب بوده و بقیه را زراعت للمی تشکیل می دهد. در محیط خشک و نیمه خشک افغانستان، زراعت للمی اکثراً یک اقدام پرخطر بوده، در اکثر اوقات در مورد تأمین غذایی یأس و نومیدی را بهار می آورد. زمین های زراعتی در آنصورت حاصل زیاد می دهد که به تازگی قلبه گردد و برای یک یا چند سال لم یزرع گذاشته شود، نتیجه این می شود که چرا گاه های دایم حاصلخیز به دشت های در معرض فرسایش مبدل می گردد.

تغییر دادن مسیر آب و از بین رفتن تالاب ها

افغانستان به تناسب کشور های همسایه دارای جهیل های انگشت شماری می باشد و آنهایکه موجود اند، به سبب تغییر دادن مسیر آب و خشکسالی ها در معرض تهدید قرار دارند. برای تعیین این تهدید ها، معلومات/دیتای منظم نا چیز موجود می باشد، اما از تالاب های مشهور افغانستان تنها شواهد حکایتی وجود دارد.

کول حشمت خان یک تالاب موسمی بوده که در یک کنار شهر کابل موقعیت دارد. این ساحه یک توقفگاه مرغان آبری و یک محل شکار برای خاندان های سلطنتی تقریباً برای ۵۰۰ بوده است. تغییر دادن مسیر آب دریای لوگر، مقدار آبی را که به این تالاب سرازیر میشد، شدیداً کاهش داده است و بنا برآن، سرازیر شدن سیلاب در ساحه و مقدار آب تالاب هر دو کاهش یافته اند (Petocz ۲۰۰۶).

بند ها بالای دریا های گردیز و غزنی و چاه های عمیق دوامپذیری آب را در آب ایستاده (یک تالاب به وسعت ۲۹۰ کیلو متر مربع در ولایت غزنی) با تهدید مواجه می سازند (Khan ۲۰۰۶). آب ایستاده زمانی یک توقفگاه کلنگ سایبریایی (*Grus leucogeranus*) بود که شدیداً در معرض تهدید قرار دارد.

با وجود آن که معلومات/دیتای جدید در دست نیست، آب ایستاده زمانی محل تولید نسل/تکثیر برای پاخان یا فلامینگو (*Phoenicopterus roseus*) بوده است. تالاب های سیستان در مرز بین افغانستان و ایران، یک ساحه پرندگان آبری، دارای اهمیت بین المللی می باشد. تمام سیستم تالاب های کم عمق در سال های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ خشک گردیدند (UNEP Post-Conflict Branch ۲۰۰۶).

در آینده، معضله از بین رفتن تالاب ها، با تغییر مسیر دادن آب برای آبیاری، دستگاه های برق آبی و کنترل سیلاب ها، به احتمال زیاد شدید تر گردد، چون تالاب ها برای مقاصد آبیاری و نیاز مندی های شهری تخلیه می گردد و خشکسالی به سبب تغییر اقلیم، عام خواهد گردید.

تغییر اقلیم و بیابان سازی

از سال ۱۹۶۰ بدینسو، اوسط درجه حرارت افغانستان ۰,۶ درجه یا در حدود ۰,۱۳ درجه سینتی گرید در هر دهه افزایش یافته است. افزایش درجه های حرارت در جریان موسم خزان بیشتر نمایان میگردد، که افزایش ۰,۲۹ درجه در هر دهه را نشان میدهد. اوسط بارندگی به میزان اوسطاً ۲٪ در هر دهه کاهش یافته است، عمدتاً به سبب کاهش بارندگی بهاری (Savage et al. ۲۰۰۸).

افغانستان از لحاظ تاریخی، دوران اقلیم تقریباً ۱۵ ساله را تجربه نموده است، که از آنجمله بطور عام ۲ - ۳ خشکسالی بوده اند. در سال های اخیر برای این دوره خشکسالی یک گرایش چشمگیر بوده و تکرار وقوع آن خیلی بیشتر از آن است که نمونه تاریخی پیش بینی مینماید. از سال ۱۹۶۰ بدینسو، این کشور در سال های ۱۹۶۳-۶۴، ۱۹۶۶-۶۷، ۱۹۷۰-۷۲ و ۱۹۹۸-۲۰۰۶ شاهد خشکسالی ها بوده است. خشکسالی بین سالهای ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۵ طولی ترین و شدید ترین خشکسالی در تاریخ اقلیمی افغانستان را ثبت نمود. این تکرار خشکسالی رو به افزایش در سال های اخیر چنین به نظر می رسد که ناشی از افزایش درجه حرارت و کاهش بارندگی های بهاری باشد (Savage et al. ۲۰۰۸).

نمونه گیری که توسط (Savage et al. ۲۰۰۸) گزارش گردیده، نشان می دهد که الی سال ۲۰۳۰، اوسط درجه حرارت سالانه، با تغییر اندک در کل بارندگی، به احتمال زیاد به ۱,۴ درجه سینتی گرید افزایش یابد. الی سال ۲۰۹۰، افزایش در اوسط درجه حرارت احتمال دارد که در بین ۲-۶ درجه سینتی گرید و یا بالاتر باشد، که بیشتر به سناریو های انتشارات جهانی بستگی دارد. وضعیت هوا خشکتر خواهد بود، خصوصاً در فصل بهار با کاهش بارندگی بین ۱۰-۴۰ ملی متر و با وضعیت خشکتر در جنوب.

نقشه جهانی وزارت زراعت ایالات متحده آمریکا با شرح تهدید های بیابان سازی ناشی از فعالیت انسانی، نشان میدهد که افغانستان در کتگوری خیلی بلند خطر قرار دارد. بیشتر بخش های باقیمانده کشور از قبل در کتگوری بیابان قرار داده شده است. مطابق گزارش ملی وزرات زراعت، آبیاری و مالداری در سال ۲۰۰۶، بیابان سازی در افغانستان بیشتر از ۷۵٪ از مجموع ساحه زمین را در مناطق شمالی، غربی و جنوبی کشور را متضرر ساخته است که چرس و قطع گسترده درختان جنگل، پوشش نباتی را شدیداً کاهش داده که منجر به تخریب سریع زمین گردیده است.

Savage et al. (۲۰۰۸) پیش بینی می نماید که افغانستان با یک سلسله خطرات اقلیمی مواجه خواهد گردید. اینها به احتمال زیاد، شامل عمدتاً خطرات مرتبط به خشکسالی و خطرات ناشی از قطع مفراط درختان جنگل و تخریب زمین خواهد بود. در سال ۲۰۳۰، احتمال دارد که خشکسالی یک پدیده عام تلقی گردد، نه اینکه یک رخداد موقت یا دوره ای. مطابق پیش بینی مذکور، اثرات سیلابها را، به سبب آب شدن سریع و قبل از وقت برف و جریان تند آب توأم با تخریب زمین، از بین رفتن پوشش نباتی و مدیریت ناقص زمین، به احتمال زیاد، افزایش خواهد داد.

تبخیر زیاد خاک، جریان کم آب دریا ناشی از آب شدن قبل از وقت برف، و مقدار کم بارندگی در عین موسم کشت، همه اینها حاصلات زراعت و موجودیت گزینه های محصولات را متضرر خواهد ساخت. کاستی مکرر در محصولات احتمال دارد استفاده از ساحات متروکه و زمین های کشت نشده را افزایش دهد. در گزینش محصولات ممکن است توجه زیاد به طرف انواع مقاوم بیشتر در برابر خشکسالی، معطوف گردد. الی سال ۲۰۶۰، به سبب فقدان سرمایه گذاری قابل توجه در مدیریت آب و آبیاری، ممکن است زراعت در حاشیه قرار گیرد (Savage ۲۰۰۸).

تغییر اقلیم توانایی این را دارد که افغان های زیاد را در پرتگاه فقر سقوط دهد. با وجود آن، تغییر اقلیم در پلان های ملی یا سکتوری دولت افغانستان در نظر گرفته نشده است.

استراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی



استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی



حفاظت و استفاده پایدار از تنوع بیولوژیکی در افغانستان،
کلیدی برای فقر زدایی و همگرایی اجتماعی می باشد.

استراتژی برای حفاظت و استفاده پایدار تنوع بیولوژیکی در آینده نزدیک این است که به تمام اهداف مرتبط به کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) به نسبت آنچه که در گذشته ممکن بود، به یک شکل منظم تر رسیدگی شود. با در نظر داشت ظرفیت محدود دولت، در تطبیق پروژه های تنوع بیولوژیکی، الی آینده قابل پیش بینی به احتمال زیاد بالای برنامه ریزی های که بودجه آن توسط تمویل کنندگان فراهم میگردد، اتکاء گردد. این برنامه ریزی تاکنون در مجموع منظم و مناسب بوده و از لحاظ مادی در انکشاف دانش و حفاظت منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان کمک نموده است.

یک هدف کلیدی استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان کاری (NBSAP) فراهم نمودن یک مرجع برای وضع اولویت های اقدامات دراز مدت آینده می باشد تا تمرکز منابع موجود بالای مسائل خیلی مبرم و خیلی مرتبط به حفاظت تنوع بیولوژیکی، اطمینانی گردد. جدول ۴،۱ یازده هدف کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) را فهرست و آنها را با اولویت های موجوده برای حفاظت تنوع بیولوژیکی و اقدامات مدیریتی در افغانستان، مقایسه می نماید. اقدامات حفاظت و مدیریت از یک فهرست طویل و جامع که بر بنیاد پلانگذاری قبلی حفاظت، گزارش های ساحوی، مشوره های کار شناسان، مشوره های در سطح مرکز و ولایات، تهیه گردیده بودند، اولویت بندی گردیدند. اینها از طرف گروه کاری تنوع بیولوژیکی بتاريخ ۱۵ نومبر ۲۰۰۹، مورد بازبینی قرار گرفتند. از گروه مذکور تقاضا گردید تا از ۱۰ عنوان فهرست شده (وضعیت کنونی تنوع بیولوژیکی، استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان کاری، ساحات حفاظت شده، مدیریت پوشش نباتی، تنظیم منابع طبیعی محلی، صحرا سازی، پالیسی و اسناد قانونی، ظرفیت سازی، تعلیمات محیط زیستی، آگاهی عامه) یک اقدام را که از همه مهم باشد، انتخاب نمایند، سپس جهت وسعت دادن این انتخاب از ۱-۵ اقدامات اضافی مهم دیگر را علاوه نمایند، تعدادی که انتخاب میگردد مطابق به تعداد مجموعی فهرست شده باشد. اقدامات انتخاب شده سپس با اهداف کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) مقایسه گردیدند. جای که پروسه مذکور تحت اهداف مشخص CBD «مهم ترین» فعالیت را ارائه نکرد، فهرست فعالیت ها توسط تیم تخنیکي اداره ملی حفاظت محیط زیست بازبینی گردید و بر بنیاد نمره های عدد نسبی فعالیت های کلیدی از «مهم» به «مهمترین» ارتقا داده شدند. فعالیت های که منحیث «دیگر» فهرست گردیده بودند، از طرف گروه کاری یا تیم تخنیکي اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) که پروسه فوق را بکار میبرد، انتخاب نگردید، اما در بهسازی محدوده استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل (NBSAP) و رسیدگی جامع به اهداف مرتبط به کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) مفید تلقی گردیدند، بنا برآن در جدول باقی گذاشته شدند.

بخش ۸ (ی) رهنمود کانفرانس اعضاء (COP) پیرامون طرح استراتژی های تنوع بیولوژیکی و پلان های کاری نیز اعضاء را مکلف میسازد تا تهدید های عمده در برابر تنوع بیولوژیکی را شناسایی نمایند، بشمول عوامل مستقیم و غیر مستقیم تغییر تنوع بیولوژیکی، و جهت شامل نمودن اقدامات برای رسیدگی به تهدید های شناسایی شده. بیشتر از ۴۰ تهدید از منابع طبع شده و مشوره ها در جریان پروسه طرح استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل افغانستان بطور طبیعی در سه کتگوری جا میگیرند:

ستراتژی ملی تنوع بیولوژیکی افغانستان

هدف: تحفظ تمام جنبه های تنوع بیولوژیکی افغانستان، و اطمینانی کردن استفاده آینده از تمام تنوع بیولوژیکی به شکل پایدار

استراتژی: ایجاد و تطبیق یک چارچوب دوامپذیر، کم هزینه و پایدار برای حفاظت و مدیریت تمام اجزاء ترکیبی تنوع بیولوژیکی افغانستان بر مبنای بسیج نمودن و کاربرد مؤثر منابع ملی موجود بشری و مالی، و در مشارکت های بین المللی

پلان عملی: شناسایی اقدامات و مسؤولیت های نهادی کوتاه، متوسط و دراز مدت مورد نیاز، و (تا حد ممکنه) شناسایی نیاز مندی های بودجوی برای تطبیق اقدامات شناسایی شده

- تأثیرات وسیع طبیعی و ناشی از فعالیت انسان (مانند حوادث طبیعی [مثلاً سرازیر شدن سیلاب]، تغییر اقلیم، جمعیت بیش از حد)؛
- فشار در سطح محلی بالای منابع (مانند شکار، ماهی گیری، جمع آوری چوب برای سوخت)؛ و
- نبود شرایط بنیادی که برای مدیریت مؤثر منابع نیاز است (مانند فقدان تنفیذ قوانین، فقدان گزینه های معیشت)

۱۰ تهدید مهم که توسط گروه کاری شناسایی گردیدند عبارت از: نبود امنیت؛ فقدان تنفیذ و تطبیق قوانین؛ فقدان تعلیم؛ تخریب چراگاه ها و جنگلات؛ نبود تعلیم و آگاهی در مورد تنوع بیولوژیکی و منابع طبیعی؛ فقر، عدم اشتغال و گرسنگی؛ آلودگی هوا؛ منازعات و جنگها؛ قطع غیر قانونی جنگلات؛ و تجارت غیر قانونی، می باشند. در حالیکه اینها برای مدیریت پلانگذاری تنوع بیولوژیکی و اقدامات حفاظتی یک ترکیب مقدماتی را فراهم می نماید، در جهت مؤثر ساختن استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل (NBSAP) همچنان در رسیدگی به تمام تهدید های دیگر به تنوع بیولوژیکی در افغانستان نیاز است. بنا بر آن، مشخص ساختن اقدامات مناسب در جهت مقابله با طیف وسیع تهدید ها، یک جزء مهم پلان عمل می باشد. یک فهرست کامل تهدید ها در برابر تنوع بیولوژیکی در افغانستان که تاکنون شناسایی گردیده، در بخش ۳ درج است.

چارچوب استراتژیکی برای ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی افغانستان

جدول ۱. ۴ اهداف اولیه ملی، بشمول جدول زمانی و مسؤولیت های تطبیق برای اقدامات اولویتی حفاظت تنوع بیولوژیکی در افغانستان

هدف ابتدایی افغانستان ۱: حفاظت مؤثر حد اقل 10% هر یک از منطقه ایکولوژیکی، و حفاظت ساحات دارای اهمیت خاص برای تنوع بیولوژیکی
اهداف CBD ایچی ۱۱: الی سال 2020 حد اقل 17% آب زمین و داخل کشور، و 10% آبهای ساحلی و ساحات دریایی از طریق سیستم های ساحات حفاظت شده، تحفظ خواهد گردید
استراتژی ۱.۱: تداوم ارزیابی های جاری مجتمعات حیوانات و نباتات افغانستان، با هدف کلی دانستن منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان و نیازمندی های تحفظ آنها
استراتژی ۱.۲: گسترش سیستم ساحات حفاظت شده برای اطمینانی نمودن اینکه این ساحه از ایکوسیستم های عمده و ساحات فوق العاده حفاظتی، یا ادارای ارزش میراث طبیعی، نمایندگی میکند
استراتژی ۱.۳: ایجاد و تطبیق میکانیزم های کمک (مشوقات، قواعد، مقررات، تعلیمات محیط زیستی، آگاهی عامه) که برای تحفظ مؤثر تنوع بیولوژیکی و سایر منابع طبیعی ضروری اند

از همه مهم

IGO ⁴	RG0 ³	جدول زمانی ^۲	اقدامات مقتضی در افغانستان
NEPA/ MAIL / پوهنتون ها	NEPA	S	ایجاد یک فهرست مشخص برای حیوانات و نباتات
NEPA	NEPA	S	نهایی ساختن یک پلان سیستم ساحه حفاظت شده برای افغانستان به هدف حفاظت ساحات نماینده تنوع بیولوژیکی بلند در تمام منطقه های عمده ایکولوژیکی، بشمول ساحات فرامرزی، و واضح نمودن اهداف روشن برای سیستم ساحات حفاظت شده و میتود ها برای تطبیق آن
NEPA/MAIL/Moj	NEPA	S	اولویت بندی ساحات حفاظت شده احتمالی که منعیث واحد های قانوناً شناخته شده، به اندازه کافی تمویل و بطور مؤثرمدیریت شده باشد. ساحات نامزد و دارای اولویت عبارت از بند امیر، دره آجر، پامیر بزرگ/تمام منطقه دهلیز واخان، دشت ناور و شاه فولادی اند
NEPA/MAIL/Moj	NEPA	M	طرح ابزار قانونی کافی بشمول قوانین، مقررره ها، پالیسی ها و طرزالعملها برای منظم کردن و رسیدگی به چالش ها برای حفاظت تنوع بیولوژیکی
NEPA/ پوهنتون ها	NEPA	M	تشویق دانشمندان ملی و بین المللی برای ایجاد یک فهرست توصیفی گیاهان افغانستان با استفاده از کلکسیون های گیاه های افغانی در اروپا، امریکای شمالی و روسیه
نهادهای تعلیمی	MoE/MoHE	M	طرح یک نصاب تعلیمی محیط زیستی و آموزش معلمین
MOIC	NEPA	M	طرح یک برنامه ملی تعلیمات و آگاهی تنوع بیولوژیکی

۱. انجام دادن اقدامات مؤثر/نتایج حاصله در کوتاه مدت (S: جدول زمانی در داخل یک سال)؛ در میان مدت (M: جدول زمانی در داخل ۱-۵ سال)، در دراز مدت (L: جدول زمانی در داخل ۵-۱۰ سال)

RG03 = سازمان (های) مسؤول دولتی دارای اختیارات قانونی برای نظارت بر این فعالیت

IGO 4 = سازمان (های) تطبیق کننده دولتی که توسط یک مقام اداری برای تطبیق این فعالیت گماشته شده باشد

IGO	RGO	جدول زمانی	اقدامات مقتضی در افغانستان
NEPA/MoIC	NEPA	S	افزایش آگاهی عامه درمورد تنوع بیولوژیکی و ارزش آن برای مردم افغانستان
NEPA/MoIC	NEPA	S	تقویت آگاهی عامه از طریق مکاتب، مساجد و رسانه ها
NEPA/MAIL/MoJ	NEPA	M	تسوید مقررہ ہا و قواعد برای تطبیق قوانین موجود، و شناسایی و تسوید قانون جدید محیط زیستی بشمول حفاظت حیات وحش و مقررہ های شکار
NEPA/MAIL/MoF	NEPA	M	ایجاد مشوق ها برای حفاظت مؤثر تنوع بیولوژیکی (در سطح ولایت و محلی در بین گروپ های استفاده کننده، و غیره)
نهادهای تعلیمی	MoE/MoHE	M	طرح پروگرام های ساینس محیط زیستی در نهاد های تعلیمی
Mol/MoJ	Mol	L	استرداد ملکیت ساحات حفاظت شده به دولت
MolC	NEPA	M	طرح پروگرام های ملی آگاهی و تعلیمی تنوع بیولوژیکی



ایجاد یک مرکز منابع برای معلومات محیط زیستی و بهترین شیوه ها، افزایش آگاهی عامه در مورد تنوع بیولوژیکی و استفاده پایدار (بشمول پروسه های دولت) و افزایش آگاهی رسانه ها

موجودی/فهرست نمودن دانش عنعنوی ایکولوژیکی؛ تهیه/ترتیب و توزیع آگهی نامه ها، پوستر ها و سایر مواد؛ کاربرد رسانه های مختلف (بالاخص رادیو) برای افزایش آگاهی عامه؛ استفاده از گروپ های داوطلب برای رسانیده برنامه های آگاهی و تعلیمی؛ تدویر ورکشاپ ها و افزایش شرکت مردم در مدیریت منابع

تکمیل مسوده و تصویب قوانین کلیدی محیط زیستی مانند مقررات ساحات حفاظت شده، حفاظت حیوانات و مقررات شکار، قانون چراگاه و قانون جنگلات

ایجاد سیستم ساحات حفاظت شده که در قانون ساحات حفاظت شده پیش بینی گردیده است: سروی تمام تالاب/باتلاق ها و ساحات احتمالی حفاظت جهت تعیین حیثیت کنونی و شایستگی برای شامل ساختن در پلان سیستم ساحات حفاظت شده؛ اطمینانی نمودن اینکه به ساحات کوهستانی توجه کافی مبذول گردیده است (ایکو سیستم عمده افغانستان و مورد تمرکز احتمالی برای فعالیت های ایکوسیستم)؛ و شامل نمودن یافته ها و سفارش ها که توسط پروسه موجوده POWPA (برنامه کار بالای ساحات حفاظت شده) ارائه گردیده اند.



هدف ابتدائی افغانستان ۲: اعاده، حفظ یا کاهش زوال جمعیت انواع گروپ های رده بندی علمی منتخب؛ بهبودی وضعیت انواع در معرض تهدید

اهداف CBD آچی ۱۲: الی ۲۰۲۰، جلوگیری از انقراض انواع شناخته شده در معرض تهدید، و حفاظت و پایداری وضعیت حفاظت آنها، بالاخص، آنهاييکه خیلی در حال کاهش اند

استراتیژی ۱.۲: تداوم ارزیابی های جاری وضعیت انواع حیوانات و نباتات افغانستان، در مطابقت با فعالیت های ۱ و ۲، با هدف کلی بهبود بخشیدن دانستن منابع تنوع بیولوژیکی افغانستان و نیازمندی های حفاظت آنها

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
AWEC	NEPA	S	تداوم پروسه فهرست سازی سرخ ملی، ارزیابی وضعیت تحفظ و اقسام و سطوح تهدید ها برای پستانداران و پرنده های افغانستان، و شامل نمودن سروی های مشخص جهت وضع نمودن وضعیت کنونی انواع دارای اولویت (نوت: پروسه فهرست سازی در حال حاضر توسط کمیته اجرائیه حیات وحش افغانستان انجام می گردد).
NEPA/MAIL	NEPA	M	تعیین وضعیت تنوع بیولوژیکی افغانستان
NEPA	NEPA	M	شناسایی محلات تراکم تنوع بیولوژی و وضع نمودن اهداف تحفظ

مهم

NEPA/MAIL	NEPA	M	انجام دادن مطالعات ساحوی انواع و ایکوسیستم های منتخب جهت دانستن بهتر وضعیت و گرایشات
NEPA	NEPA	M	ایجاد سیستم های معلومات تنوع بیولوژیکی
پوهنتون ها/MoHE	NEPA	L	تطبيق تحقیقات محلی جهت تعیین اینکه کدام انواع در معرض خطر قرار دارند

دیگر

استخدام محافظین جهت حفاظت حیات وحش/منابع تنوع بیولوژیکی			
ایجاد اقدامات حفاظت در خارج از محلی طبیعی (تولید نسل در اسارت، باغچه های گیاهی، و غیره)			
ایجاد اقدامات تحفظ در ایکوسیستم های تغییر داده شده و شهری			



هدف مقدماتی افغانستان ۳: حفاظت تنوع جنیتی یا محصولات، موادی و انواع گرد آوری شده درختان، ماهی و حیات وحش و سایر انواع ارزشمند، و حفظ دانش بومی و محلی مرتبط

اهداف CBD آپچی ۱۳: الی سال ۲۰۲۰، حفاظت تنوع جنیتی گیاه های کشت شده و حیوانات فارمی و اهلی شده و وابسته های وحشی

استراتیژی ۱.۳ ایجاد میکانیزم های مقتضی برای حفاظت مؤثر انواع که از لحاظ اقتصادی مهم اند

از همه مهم

IGO	RGO	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
MAIL	MAIL	L	ایجاد برنامه ها برای حفاظت محصولات بومی زراعتی و موادی افغانستان

مهم

MAIL	MAIL	M	ارزیابی گرایشات در کثرت و پراگندگی انواع درختان حاصل برداری
MAIL	MAIL	L	ارزیابی گرایشات در کثرت و پراگندگی انواع تنوع بیولوژیکی وحشی که برای غذا، ادویه و یا سایر مقاصد استهلاکی استفاده می شود

دیگر

ارزیابی گرایشات در تنوع جنیتی حیوانات اهلی شده، گیاه های زرع شده و انواع ماهی که دارای اهمیت اجتماعی اقتصادی می باشند			
---	--	--	--



هدف مقدماتی افغانستان ۴: مدیریت پایدار تولیدات تنوع بیولوژیکی ناشی از منابع، و مدیریت ساحات تولید در مطابقت با حفاظت تنوع بیولوژیکی

اهداف CBD ایچی ۷: الی سال ۲۰۲۰، مدیریت پایدارساحت تحت کشت، کشت آبی و جنگلداری با اطمینانی کردن تحفظ تنوع بیولوژیکی

ایجاد و تطبیق میکانیزم ها برای اطمینانی نمودن استفاده پایدارمنابع تنوع بیولوژیکی، بشمول در نظر گرفتن تمویل، ظرفیت و پالیسی **استراتژی ۱.۴**

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
NEPA/MAIL	NEPA	M	دانستن و کاربرد شیوه های عنعنوی و دانش تحفظ و استفاده پایدار
NEPA/MAIL	NEPA	M	ایجاد طرق ابتکاری جهت انجام دادن تحفظ بیولوژیکی در مطابقت به فقر زدایی
MAIL/NEPA	MAIL	L	ایجاد و تطبیق جنگلداری مجتمع، و فعالیت های تنظیم چرا گاه و حیات وحش با استفاده از یک شیوه که استفاده از زراعت، جنگلداری، چرا گاه و حیات وحش را مدغم می نماید

مهم

Mol	Mol	S	امنیت بهتر و اطمینانی
MAIL	MAIL	M	ایجاد ظرفیت دولت و مجتمعات از طریق تبادل تجارب/مهارتها
MAIL	MAIL	M	ایجاد چارچوب پالیسی/استراتژی مانند یک سیستم قانونی برای تخصیص حقوق استفاده کنندگان بالای جنگلات و چرا گاه به مجتمعات
MAIL	MAIL	L	جلب کمک دونه های بین المللی برای مدیریت پایدار زمین

دیگر

ایجاد یک شیوه استراتژیکی جهت تطبیق حفاظت توسط مجتمع که دانش و شیوه های عنعنوی را کاملاً شامل نماید
تشویق حفاظ از طریق شوراها/کمیته های حفاظت، و شامل نمودن دانش عنعنوی در پالیسی های مدیریتی
کمک در ایجاد و تطبیق شیوه های پایدار زراعتی بشمول استفاده از انواع محلی
تقویت انکشاف سیاحت/توریزم، بشمول توریزم طبیعت، با تمرکز بالای حیات وحش و ساحات بزرگ ایکوسیستم طبیعی
ایجاد فعالیت ها برای رسیدگی به تهدید ها (مانند بند های ذخیره سازی [برای آبیاری] برق آفتابی و آبی، ماهی گیری، غرس درختان، سایر معیشت
ایجاد و تطبیق اقدامات حفاظتی از سیلاب (غرس درختان، بند های محافظوی)
ایجاد ظرفیت EIA (ارزیابی اثرات محیط زیستی) و طرزالعمل ها بطور اخص رسیدگی به اثرات اقسام مختلف انکشاف زیربنا ها و کاربرد زمین بالای تنوع بیولوژیکی، و ایجاد بهترین شیوه های محیط زیستی در سکتور خصوصی
تنفیذ قانون، بشمول مقرر شکار، ماهیگیری و دسترسی به چوب سوخت و سایر محصولات جنگل و طرزالعمل ها برای جریمه ها و مجازات

هدف مقدماتی افغانستان ۵: کاهش میزان ضیاع و تخریب زیستگاه های طبیعی

اهداف CBD آچی ۵: الی سال ۲۰۲۰، حد اقل به نصف رساندن و در جای که ممکن باشد، به صفر رسانیدن میزان ضیاع تمام زیستگاه های طبیعی، بشمول جنگلات، و کاهش قابل ملاحظه تخریب و فروپاشی

استراتیژی ۱.۵ جلوگیری از استفاده غیر قانونی یا نا پایدار از منابع تنوع بیولوژیکی

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
MAIL/Mol	MAIL	M	کاهش قطع غیر قانونی درختان، بخصوص، به میزان بزرگ و فعالیت های فرا مرزی، با تنفیذ ضرب الاجل قانونی که از طرف دولت مرکزی صادر گردیده است.

مهم

MAIL	MAIL	L	ممنوعیت چرا در ساحاتیکه تحت مدیریت باز سازی مجدد اند
NEPA	NEPA	L	اعاده تالاب های تخریب شده

دیگر

ممنوعیت احتراق پوشش نباتی			
ایجاد پلان های انکشافی برای حفاظت و بازیابی جنگلات باقیمانده پسته و صنوبر/همیشه بهار			
طرح/ایجاد پلان های مؤثر برای حفاظت و اعاده جنگلات باقیمانده پسته و ناجو در شمال افغانستان، و جنگلات متکی به بارندگی های مونسون در شرق افغانستان			

هدف مقدماتی افغانستان ۶: کنترل راه ها برای انواع احتمالی بیگانه، و طرح پلان های مدیریتی برای انواع عمده بیگانه که ایکوسیستم ها، زیستگاه ها و انواع را تهدید مینمایند

اهداف CBD آچی ۹: الی سال ۲۰۲۰، شناسایی و اولویت دهی انواع مهاجم بیگانه و راه/مسیر، کنترل یا از بین بردن انواع دارای اولویت، و وضع اقدامات جهت مدیریت راه ها برای جلوگیری از معرفی و جابجایی آنها

استراتیژی ۱.۶ ایجاد و تطبیق میکانیزم ها برای جلوگیری از تخریب به ایکو سیستم ها ناشی از انواع مهاجم بیگانه

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
NEPA	NEPA	M	ارزیابی راه ها برای متعارف نمودن انواع مهاجم بیگانه و چگونگی کنترل آنها
NEPA/MAIL	NEPA	M	طرح پلان های مدیریتی برای انواع مهاجم بیگانه

مهم

NEPA/MAIL	NEPA	M	ارزیابی تجارب منطوقی و بین المللی در مدیریت انواع مهاجم بیگانه و عملی بودن آن در افغانستان
-----------	------	---	--

دیگر

ارزیابی وضعیت، اهمیت بیولوژیکی و اقتصادی انواع مهاجم بیگانه در افغانستان			
--	--	--	--

هدف مقدماتی افغانستان ۷: حفظ و افزایش تاب آوری/انعطاف پذیری ترکیبات تنوع بیولوژیکی برای سازگاری با تغییر اقلیم؛ و کاهش آلودگی و اثرات آن بالای تنوع بیولوژیکی

اهداف CBD آیچی ۸: الی سال ۲۰۲۰، آوردن جمعیت، بشمول مواد مغذی زیاد به اندازه ایکه به وظایف ایکوسیستم و تنوع بیولوژیکی زیان آور نباشد

اهداف CBD آیچی ۱۰: الی سال ۲۰۱۵، کاهش فشارهای متعدد انسانی بالای تپه های مرجانی، و سایر ایکوسیستم های آسیب پذیری متأثره از تغییر اقلیم و یا تیزابی شدن بحر ها به منظور حفظ تمامیت و فعالیت آنها

استراتژی ۱.۷ کنترل تأثیرات بالای منابع تنوع بیولوژیکی ناشی از تغییر اقلیم، صحرا سازی و آلودگی

بسیار مهم

IGO	RGO	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
NEPA/MoEW	NEPA	M	آماده و تطبیق یک برنامه ملی مرتبط به سازگاری با تغییر اقلیم، با ترکیب بالای اثرات تورفتگی یخچال ها، افزایش درجه حرارت و خشکسالی ها و سیلابهای مکرر
MAIL	MAIL	M	آماده سازی و تطبیق یک برنامه ملی مرتبط به صحرا سازی و جلوگیری از آن
NEPA	NEPA	M	ایجاد یک سیستم معلومات برای نظارت و کمک در تطبیق برنامه ها که به تغییر اقلیم، صحرا سازی و مسایل تخریب زمین رسیدگی مینماید

مهم

NEPA/MAIL	NEPA	S	ایجاد میکانیزم های مناسب در بین سازمان های دولتی و غیر دولتی مرتبط برای تطبیق تعهدات افغانستان در برابر کنوانسیون تغییر اقلیم و کنوانسیون مبارزه علیه صحرا سازی
MoPW	MoPW	S	دیزاین و اعمار زیربناء مساعد/موافق با تنوع بیولوژیکی و تاب آور/انعطاف پذیر در برابر اقلیم
NEPA/MAIL	NEPA	M	گسترش شبکه ساحت حفاظت شده، و تقویت شیوه های مرتبط به ایکوسیستم برای حفاظت تنوع بیولوژیکی منحصی یک بخش لاینفک سازگاری تغییر اقلیم و استراتژی کاهش
NEPA	NEPA	M	جزء کلیدی ساختن مدیریت تنوع بیولوژیکی و ایکو سیستم در پروژه های انکشافی، کاهش اقلیم، سازگاری و مدیریت خطر
NEPA	NEPA	M	ارزیابی اثرات آلودگی بالای کیفیت آب در ایکوسیستم طبیعی آبی
NEPA	MAIL	L	ایجاد سازمان های محلی برای پلانگذاری و تصمیم گیری در مورد استراتژی های محلی جهت سازگاری در برابر تغییر اقلیم و مبارزه با صحرا سازی، بشمول ارزیابی چرا گاه مجتمع و پلان های مدیریت
MAIL	MAIL	L	اعاده زمین های تخریب شده: ثبات تپه های ریگ و خاک؛ تخم ریزی مجدد چرا گاه ایکه شدیداً تخریب شده اند؛ کاهش چرا و زراعت للمی در ساحت آسیب پذیر؛ نقشه برداری از ساحت آسیب پذیر در برابر صحرا سازی؛ و ایجاد ساحت نماینده چراگاه که چرا ممنوع و یا شدیداً کنترل باشد

هدف مقدماتی افغانستان ۸: حفظ ظرفیت ایکوسیستم ها برای ارائه کالا و خدمات؛ حفاظت منابع بیولوژیکی که معیشت های پایدار، تأمین غذا و خدمات صحتی، بخصوص مردم فقیر را حمایت میکند

اهداف CBD آچی ۱۴: الی سال 2020، اعاده و حراست از ایکوسیستم های که خدمات اساسی را فراهم می نماید

استراتژی ۱.۸: ایجاد و تطبیق میکانیزم ها و پلان ها برای حفاظت کالا و خدمات حاصله از ایکوسیستم های بسیار مهم

بسیار مهم

IGO	RGO	جدول زمان	مقتضیات اقدام در افغانستان
MAIL	MAIL	M	ایجاد پلانها برای مدیریت جنگلات ناجو/مخروطی شکل شرقی: اعاده مجدد کنترل مجتمع و نفوذ دولت؛ بهبودی در همکاری فرامرزی؛ ایجاد یک کوپراتیف چوب چارتراش؛ کنترل دسترسی سرک به جنگلات؛ تخمین تقاضا به چوب چارتراش در آینده؛ تدوین قانون تنظیم/مدیریت جنگل؛ آغاز تطبیق تدریجی کنترل صادرات؛ ایجاد مدیریت چرا و سیستم های متناوب؛ ایجاد ساحات نمایشی که موفقیت و منفعت های حفاظت جنگلات را نشان دهد؛ تقویت حفاظت شدید ساحات جنگل منحصیث بخشی از سیستم ملی ساحات حفاظت شده

مهم

MAIL	MAIL	M	ایجاد/طرح پلان ها برای مدیریت درختزار های باز: راه اندازی عاجل اقدامات استحکام بخشیدن خاک؛ آغاز سیستم احداث مجدد جنگلات مجتمع؛ اختصاص دادن درختزار ها به مردم محل؛ تطبیق مدیریت چرا و سیستم متناوب؛ ایجاد قانون مدیریت درختزار ها؛ ایجاد درختزار های حفاظت شده؛ و ایجاد عایدات متبادل
MAIL	MAIL	M	راه اندازی فعالیت های احداث مجدد جنگل و غرس درختان، خصوصاً در ساحات ایکه مردم محل از جنگلات، چرا گاه ها و سایر منابع بیولوژیکی بطور پایدار استفاده مینمایند
NEPA/MAIL	NEPA	L	حفاظت جنگلات طبیعی
NEPA/MAIL	NEPA	L	ایجاد بانک های جین ها/وراثت ملی و بین المللی

دیگر

دادن اولویت به حفاظت گیاه های ساحلی			
آماده ساختن یک فهرست انواع گیاه های طبی حفاظت شده			
متعارف نمودن اقدامات مناسب برای کنترل جمع آوری گیاه های طبی در ساحات دارای خطر زیاد			
انکشاف/بازسازی چرا گاه ها			
کنترل تجارت گیاهان طبی			

هدف مقدماتی افغانستان ۹: حفاظت دانش عنعنوی، ابتکارات و شیوه ها، و حفاظت حقوق مجتمعات بومی و محلی بالای دانش عنعنوی، ابتکارات و شیوه های آنها، بشمول حقوق تقسیم منفعت ها

اهداف CBD ایچی ۱۸: الی سال ۲۰۲۰، ارجگذاری به دانش عنعنوی، ابتکارات و شیوه های مجتمعات بومی و محلی و کاربرد سنتی آنها

استراتژی ۱.۹ حفظ تنوع فرهنگی ضمن شناختن و ارزش دادن به دانش عنعنوی و استفاده ها از زمین

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
NEPA	NEPA	M	ایجاد یک پروفایل دانش عنعنوی، ابتکارات و شیوه ها پیرامون استفاده از منابع تنوع بیولوژیکی در افغانستان

مهم

NEPA	NEPA	L	شناسایی و تطبیق میکانیزم ها برای اطمینانی نمودن حقوق مجتمعات بومی و محلی بالای دانش عنعنوی، شیوه ها و تقسیم منفعت آنها
------	------	---	--

دیگر

ایجاد یک پروفایل اجتماعی-فرهنگی و تنوع لسانی در افغانستان

هدف مقدماتی افغانستان ۱۰: تمام دسترسی به منابع جنیتیکی در مطابقت با کنوانسیون تنوع بیولوژیکی و ماده های مرتبط آن، و تقسیم درست و منصفانه منفعت های ناشی از استفاده تجارتي و سایر کاربرد منابع جنیتیکی با کشور های ایکه این منابع را در مطابقت با کنوانسیون تنوع بیولوژیکی و ماده های مرتبط آن، فراهم می نمایند

اهداف CBD ایچی ۱۶: الی سال ۲۰۱۵، انفاذ و قابل عمل بودن پروتوکول نگویا پیرامون تقسیم دسترسی و منفعت ها

استراتژی ۱.۱۰ مدیریت منابع جنیتیکی برای منفعت تمام شهروندان افغانستان

از همه مهم

IGO	RG0	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
MoI/MoJ	NEPA	M	ایجاد و تطبیق یک چارچوب قانونی و تنظیمی که استفاده پایدار منابع طبیعی را تأمین نماید

مهم

MAIL/MoJ	MAIL	M	ایجاد طرزالعمل ها برای مقابله با نفوذ مردم قدرتمند در مورد قطع غیر قانونی جنگلات و غصب زمین
NEPA/MoC	NEPA	M	ارزیابی نیازمندی ها برای تقسیم درست و منصفانه منفعت های منابع طبیعی که از افغانستان صادر می شود، اطمینانی گردد
MoJ	MoJ	L	ایجاد یک محکمه اختصاصی برای رسیدگی به تخطی ها در مسائل محیط زیستی

هدف مقدماتی افغانستان ۱۱: انتقال منابع مالی جدید و اضافی و تکنالوژی به افغانستان، جهت مساعد نمودن تطبیق مؤثر تعهدات تحت کنوانسیون

اهداف CBD آیچی ۲۰: الی سال ۲۰۲۰، بسیج نمودن منابع مالی برای تطبیق موفقانه پلان استراتژیکی برای تنوع بیولوژیکی ۲۰۱۱-۲۰۲۰، از تمام منابع، باید پایداری را افزایش دهد

جهت اطمینانی نمودن اینکه NEPA و MAIL برای انجام دادن تعهدات افغانستان منحیث امضاء استراتژیکی ۱۱. ۱۰ کنند، کنوانسیون تنوع بیولوژیکی و سایر MEA ها، ظرفیت و منابع کافی داشته باشند.

از همه مهم

IGO	RGO	جدول زمانی	مقتضیات اقدام در افغانستان
NEPA	NEPA	S	ایجاد یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی مفصل و دراز مدت برای افغانستان با شامل نمودن شاخص های تنوع بیولوژیکی، اهداف و استراتژی های مشخص برای تطبیق CBD
MAIL/NEPA	MAIL	S	تطبیق/رعایت مقتضیات CBD برای گزارش دهی ملی
NEPA	NEPA	M	تقویت NEPA از لحاظ بودجه و پرسونل، اختیارات برای تطبیق پالیسی ها، همکاری در مورد تطبیق قانون محیط زیست

مهم

NEPA	NEPA	M	توضیح مسؤولیت ها در عرصه محیط زیستی و تقویت ظرفیت NEPA
NEPA/MAIL	NEPA	L	ظرفیت سازی وزارت های زیربط در مورد استفاده از محیط زیست و منابع طبیعی
NEPA/MAIL	NEPA	L	انکشاف ظرفیت های بشری و نهادی MAIL و NEPA و همچنان سایر نهاد های که در سطح ملی و ولایتی ارتباطات متداخل دارند

دیگر

فراهم نمودن زیربنای اساسی و آموزش دهی مسلکی برای بهبود بخشیدن ظرفیت دولت و نهاد ها جهت مدیریت مؤثر تنوع بیولوژیکی تشکیل کمیته های تخنیکی بین ادارات و یک میکانیزم همکاری بین وزارت ها، و شامل نمودن مسائل محیط زیستی در تمام نهاد ها تقویت مرجع تماس برای موافقتنامه های چندین جانبه محیط زیستی، تطبیق موافقتنامه های موجود، و اولویت دهی شرکت در سایر کنوانسیون های محیط زیستی بین المللی

ایجاد ظرفیت انفاذ در داخل NEPA، بشمول ایجاد میکانیزم های انکشافی در بین NEPA و سایر ادارات دولتی، سازمان های غیر دولتی و سازمان های امنیتی در مورد حفاظت جنگلات و چرا گاه ها

انکشاف کمک و تمویل برای تطبیق پروگرام/پروژه، و تشویق سرمایه گذاران بین المللی در ظرفیت سازی

تعیین یک مرجع تماس و ایجاد مهارت ها و ظرفیت مرتبط به CBD سهیم ساختن دولت بیشتر در فعالیت های CBD و CITES (کنوانسیون ملل متحد پیرامون تجارت بین المللی انواع در معرض خطر)، و ایجاد یک سیستم فعال برای مدیریت جواز دهی CITES

تقویت همکاری منطقوی و بین المللی

تطبيق استراتيژی ملی تنوع بيولوژیکی بالای ادارات ولايتی

در افغانستان، برنامه اولويتی حکومت های ولايتی، ولسوالی و محلی، استراتيژی دولت داری ولايتی، ولسوالی و محلی، در جهت فراهم نمودن یک راه برای تطبيق استراتيژی ملی تنوع بيولوژیکی و برنامه عمل (NBSAP) بالای ادارات ولايتی، ولسوالی و محلی، یک کلید خواهد بود. در مورد تطبيق استراتيژی ملی تنوع بيولوژیکی و برنامه عمل (NBSAP) در ۳۴ ولايت، در پلان ملی انکشافی سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۹، شامل نمودن پلان های محیط زیستی نخست و تنوع بيولوژیکی منحيث یک جزء فرعی این پلان ها ممکن خواهد بود. با همچو یک روش، نگرانی های بزرگ تطبيق وجود دارد، چون دسترسی دولت و سازمانهای ملل متحد در حال حاضر در کشور محدود می باشد، که از (۵۰٪) بیشتر نیست، و در آنوقت تنها در مراکز ولسوالی و ولايات خواهد بود.

اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) با موجودیت عملی در ۳۲ ولايت برای رهبری مدغم نمودن استراتيژی ملی تنوع بيولوژیکی و پلان عمل (NBSAP) به سطح قابل ملاحظه، در وضع بهتری قرار دارد. تجدید یا بهنگام سازی استراتيژی ملی تنوع بيولوژیکی و پلان عمل (NBSAP) برای ۲۰۱۵-۲۰۱۹ مواد گسترده را در این هدف شامل خواهد نمود.

فعالیت سکتوری

استراتيژی ملی انکشافی افغانستان (ANDS) برای (۲۰۰۸-۲۰۱۳) در حال حاضر منحيث یک سند ملی فقر زدایی عمل میکند. موضوعات متداخل محیط زیستی ANDS دارای یک بخش در مورد تنوع بيولوژیکی، و پلان های عمل برای تنوع بيولوژیکی و سایر مسائل میباشد. این سند متداخل برای نشان دادن چگونگی پیوستگی انکشاف، امنیت، و مسائل محیط زیستی با پالیسی ها و پلانهای سکتوری مردم افغانستان، بسیار مهم می باشد. فعالیت سکتور خصوصی و جامعه مدنی در بخش محیط زیستی استراتيژی ملی انکشاف افغانستان (ANDS) تذکر رفته است، اما نه به تفصیل. استراتيژی ملی انکشاف افغانستان (ANDS) جدید برای سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۹ خواهد بود، و این خیلی مهم است که NEPA و MAIL و سایر شرکاء برای شامل نمودن اقدامات عملی برای تحفظ تنوع بيولوژیکی، دست به هم دهند.

افغانستان- برنامه ملی عمل سازگاری (NAPA)، چهارچوب کنوانسیون ملل متحد پیرامون تغییر اقلیم (UNFCCC) خویش را در سال ۲۰۰۹ ، و اولین گزارش ملی در مورد تغییر اقلیم خویش را در سال ۲۰۱۲ تکمیل نموده است. هر دو سند در مورد تنوع بيولوژیکی و نقش آن در تقویت ایکوسیستم ها، و خصوصاً مجتمعات محلی برای سازگاری در برابر اقلیم متغیر، بطور گسترده تذکر داده اند.

پلان ملی تطبیق تنوع بیولوژیکی



پلان ملی تطبیق تنوع بیولوژیکی

تطبیق مؤثر کار با مجتمعات محلی از طریق دفاتر ولایتی NEPA و MAIL را ایجاب می نماید.



© Anssi Kullberg

قانون محیط زیست جمهوری اسلامی افغانستان که در سال ۲۰۰۷ تصویب گردیده، اداره ملی حفاظت محیط زیست را به هماهنگی، نظارت، حفاظت و احیای محیط زیست افغانستان مکلف میسازد. بر اساس آن، اداره ملی حفاظت محیط زیست مکلفیت کلی تطبیق ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل را در مشارکت با وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و سایر ادارات دولتی، و با همکاری مالی و تخنیک سازمان های بین المللی و NGO های همکار بعهدده دارد. برای اینکه تطبیق واقعاً در سطح ملی باشد، لازم است همه ریاست های ولایتی اداره ملی حفاظت محیط زیست (و ترجیحاً ریاست های ولایتی زراعت، آبیاری و مالداري) نیز دخیل گردند. به بررسی های اقدامات ترجیحی و پلانگذاری تطبیقی به طور دوره ای نیاز خواهد بود تا از تخصیص منابع مالی و قوای بشری بطور مؤثر اطمینان حاصل گردد.

پلان برای ایجاد ظرفیت برای تطبیق NBSAP

کدام ادارات به آموزش نیاز دارد؟

تطبیق NBSAP با گروه کاری اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) خواهد بود که از مرکز و دفاتر ولایات فعالیت می نماید. تمام پرسونل مدیریت و تخنیک مربوطه در سطح مرکز (تخمیناً 10-5 نفر از ریاست حفظ میراث طبیعی؛ ریاست تنظیم محیط زیستی و انکشاف پایدار؛ ریاست تحقیق، پالیسی و معلومات؛ ریاست امور محیط زیستی بین المللی؛ و ریاست تطبیق و تنفیذ) و یک نفر یا بیشتر از هر دفتر ولایتی اداره ملی حفاظت محیط زیست (مجموعاً 34 نفر) به آموزش دهی "آگاهی" پیرامون محتوای NBSAP، و آموزش تعقیبی در مورد تطبیق و نظارت نیاز خواهند داشت. حد اقل پرسونل در داخل اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) که به آموزش نیاز دارد در بین 40-45 خواهد بود، و حد اکثر پرسونل به کارمندان موجوده مرکزی و ولایتی اداره ملی حفاظت محیط زیست محدود خواهد بود.

علاوه از NEPA و MAIL، وزارت اساسی مرتبط مسؤولیت تطبیق فعالیت های آینده پلان عمل را، یا از طریق برنامه ریزی های موجوده آنها یا فعالیت های مشخص که هدف آن رعایت نمودن مقاصد و اهداف NBSAP است، بعهدده دارد. پرسونل MAIL نیز به آموزش دهی مناسب نیاز خواهند داشت.

به کدام مهارت ها نیاز است؟

به هر دو مهارت مدیریت (مدیریت پرسونل و برنامه) و مهارت های تخنیک (تمرکز بالای منابع تنوع بیولوژیکی به مفهوم وسیع، از استفاده پایدار تا تحفظ هر دو: انواع زراعتی و وحشی و ایکوسیستم ها) نیاز است.

در رابطه به مهارت های مورد نیاز، ظرفیت موجوده در کدام سطح است؟

مطابق یک ارزیابی اخیر بر مبنای مصاحبه های گروهی و انفرادی و یک سروی کتبی، ظرفیت موجوده کارمندان اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) خیلی متغیر است، اما در مجموع در تمام ساحات به مهارت های بهبود یافته نیاز است. ریاست میراث های طبیعی، که مسؤولیت ساحات حفاظت شده و مدیریت حیات وحش (بشمول محیط زیست های آبی و بری) را بعهده دارد، و منحیث "سرچشمه" نهادی NBSAP، برای کارمندان اناث خویش به تجهیزات ساحوی و کمپیوترها نیاز دارد تا با اعضاء اناث مجتمع و برای هماهنگی زیاد با کارمندان ولایتی تماس و تعامل نمایند.

ظرفیت مورد نیاز چگونه میتوان ایجاد نمود؟

ترتیب آموزش دهی خصوصاً در رابطه به NBSAP احتمالاً مغلق و پر هزینه می باشد. یک گزینه مقدماتی میتواند ایجاد یک "پکیج آگاهی" ساده به زبان دری و توزیع آن از طریق سی دی ها به تمام کارکنان مرتبط اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، باشد. همچنان این کار برای آگاه سازی محتوای NBSAP به سایر ادارات نیز مفید خواهد بود. نیاز مندی های بعدی برای تطبیق آموزش دهی در آینده تعیین خواهند گردید.

اهداف NBSAP همچنان در برنامه ریزی های عمومی آگاهی دهی عامه BSP/NEPA نیز باید منعکس گردد. این امر "پیامگیران" برای NBSAP را افزایش و یک بنیاد قویتر برای تطبیق آن را فراهم می نماید. در حالیکه یک کمپاین مشخص آگاهی عامه پیرامون NBSAP ممکن است خیلی مؤثر باشد، احتمال برای پیوند دادن تقویت/ترویج NBSAP با سایر برنامه های اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) نیز باید بررسی گردد.

استراتژی ارتباطات و ابلاغ عامه برای NBSAP

NBSAP منحیث بخشی از کمپاین آگاهی به سطح ملی راه اندازی خواهد گردید. یک سلسله اسناد مختصر اجرائی نیز جهت ضمیمه کردن سند اصلی طرح میگردد که برای پیام گیرندگان مختلف طرح گردیده اند. اینها شامل اوراق معلومات مختصر، پوستر ها و مقالات به زبان ملی، بشمول نشر/پخش رسانه ای میباشد.

NEPA این را اطمینانی نماید که نسخه های رسماً منظور شده NBSAP را به کابینه و پارلمان ارسال نماید و فرصت بدهد تا این سند را در پلان های سکتوری و کتابخانه های خویش شامل نمایند. یک کمپاین تبلیغ عامه ریاست میراث های طبیعی اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) شامل آدیو/ویدیو/رادیو، اسناد و به شکل شفاهی خواهد نمود.

پلان برای بسیج منابع برای تطبیق NBSAP

اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) از استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل (NBSAP) منحصی یک سند ملی که بطور درست تحقیق و آماده گردیده، استفاده خواهد کرد، و تلاش خواهد نمود تا پلان عمل خویش را برای یک آغاز، در بودجه انکشاف ملی بطور واقعی شامل نماید. بدین ترتیب، مصارف خدمات ملی، مصارف تحقیق و انکشاف، و میکانیزم های ابتکاری موجود میتوانند از طریق وزارت مالیه افغانستان برای تقویت تنوع بیولوژیکی، در تغییر اقلیم، تحفظ ایکوسیستم، اعاده زمین و اقدامات فقر زدایی تقویت گردد.

منابع اضافی از تخصیص «STAR» تحت تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) تقاضا خواهد گردید. دولت افغانستان همراه با انجمن تحفظ حیات وحش و پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP)، یک سلسله پیشنهادها را به CBD Lifeweb Platform، بخصوص برای کمک در تطبیق پلان ملی سیستم ساحات حفاظت شده، آماده کرده است. تعدادی از تلاش های چند جانبه آغاز گردیده اند، بالاخص تحفظ اهداف گیاهی یا انواع، با کمک های خیریه و همویل کنندگان مانند صندوق شیخ زاید، پروژه داروین انگلستان، کمک های FAO از کشور جرمنی برای حفاظت تنوع بیولوژیکی در جنگل، ۲۰۰۹-۲۰۱۲.

ساختار های ملی هماهنگی

کمیته هماهنگی محیط زیستی مطابق قانون محیط زیست ۲۰۰۷ تشکیل گردیده است که پیرامون حفاظت تنوع بیولوژیکی اولین نهاد ملی مسؤول برای شناسایی و تعیین واضح نقش ها و مسؤولیت های بازیگران ملی در دولت، می باشد. اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) دارالانشاء این نهاد بوده و تدویر مجالس، اهتمام و حفظ یاد داشت ها، گزارش دهی به دفتر ریاست جمهوری و کابینه را نیز به دوش دارد.

وزارت زراعت، آبیاری و مالداری (MAIL) مسؤولیت تطبیق بهره برداری از منابع طبیعی، مدیریت و فعالیت های حفاظت در کشور را بعهده دارد. مدیریت یا نظارت پروژه های مدیریت حوزه های آب خیز، حفاظت چرا گاه، و پارک های ملی، جنگلات و حفاظت انواع/گونه ها، اساساً وظیفه وزارت زراعت، آبیاری و مالداری (MAIL) می باشد.

وزارت های مربوطه و ریاست های ولایتی و مدیریت های ولسوالی آنها در اطمینانی کردن اینکه با تطبیق استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل، آگاهی دهی و فعالیت های پلانگذاری در حال اجراء اند، حیثیت کلیدی خواهند داشت. در عین وقت، اداره مستقل ارگان های محل در اطمینانی کردن شمولیت دفاتر محلی و دفاتر والی ها، و همچنان دفاتر شاروالی ها در طرح و تطبیق پلان، نقش کلیدی دارد.



دولت افغانستان نسل جوان و کهنسالان، و همچنان تجارب و مهارت های ملی و بین المللی را جهت پیوند دادن حفاظت تنوع بیولوژیکی با مسائل انکشاف بشری، تغییر اقلیم و صحرا سازی جنگلات، با هم یکجا می نماید.

بازبینی و ارزیابی مؤثریت

غرض حصول اطمینان از کارا بودن استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل در خصوص رسیدن به اهداف مطلوب بویژه در راستای افزایش مؤثریت تحفظ منابع تنوع بیولوژیکی، به بازنگری و ارزیابی های دوره ای نیاز خواهد بود. این امر بالای فعالیتهای که تحت این برنامه عمل باید اجرا گردد، نظارت- و همچنان ایجاد شاخص های به سطح بلند را که بتواند در سنجش مؤثریت استراتژی در عرصه مؤفقیت های حفاظت، مورد استفاده قرار گیرد، ایجاد مینماید.

گزارش دهی

علاوه بر مکلف ساختن هر عضو به تهیه نمودن یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه، کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) از اعضای کنفرانس میخواهد تا هر عضو باید در مورد میزان اقدامات که در تطبیق اهداف کنوانسیون به سطح ملی انجام داده اند، گزارش های دوره ای فراهم نمایند. گزارش دهی ملی اکنون در دور پنجم آن قرار دارد. تصمیم ۱۰/X که در دهمین نشست کنفرانس اعضای CBD، اتخاذ گردیده، شامل:

۷. ۱۰/X تصمیم میگیرد که پنجمین گزارش ملی باید:

الف) تمرکز بالای تطبیق پلان استراتژیکی برای تنوع بیولوژیکی ۲۰۱۱-۲۰۲۰، و پیشرفت بسوی «اهداف تنوع بیولوژیکی آیچی»، با استفاده از شاخص ها جایکه ممکن و عملی باشد، بشمول کاربرد، حسب الإقتضاء، شاخص های جهانی که در تصمیم شماره ۱۵/VIII درج اند و شاخص های اضافی که ممکن است در نشست یازدهم برای سنجش/اندازه گیری پیشرفت به سوی «اهداف تنوع بیولوژیکی آیچی»، اتخاذ گردد؛

ب) شامل نمودن، حسب الإقتضاء، معلومات پیرامون مساهمات/کمکهای تطبیق پلان استراتژیکی در دستیابی به اهداف مرتبط انکشاف هزاره؛

ج) زمینه سازی برای کشور ها در جهت فراهم نمودن تجدید ها در مورد بازبینی، تجدید نمودن و تطبیق استراتژی های ملی تنوع بیولوژیکی و پلان های عمل و استراتژی ها، پلانها و برنامه های مشابه؛

د) فراهم نمودن تجدید در مورد وضعیت و گرایش ها، و تهدید در برابر، تنوع بیولوژیکی، با استفاده از شاخص های ملی تنوع بیولوژیکی؛

هـ) فراهم نمودن یک ارزیابی کلی در مورد تطبیق ملی کنوانسیون، و شامل نمودن پیشنهاد ها برای اولویت های آینده به سطح ملی و بین المللی؛

۸. تقاضا از اعضاء، در تهیه نمودن گزارش پنجم ملی خویش، با تفصیل مشرح پیرامون:

الف) نتایج و تأثیرات اقدامات اتخاذ شده در تطبیق کنوانسیون در سطوح مختلف؛

ب) تجارب کامیاب و دروس آموخته شده از تطبیق؛

ج) موانع در سر راه تطبیق.

پیروی از مقتضیات گزارش دهی در هدف ۱۱: استراتژی ۱۱،۱ چارچوب استراتژیکی برای NBSAP افغانستان (جدول ۴. ۱).

ضمیمه 1: تعاریفات

BIODIVERSITY: گوناگونی/تنوع انواع زنده در سطح جنیتی، نوع یا ایکوسیستم

BIOME: یک ترکیب وسیع و ویژه مجتمعات نباتات که توسط عوامل ایجاد و نگهداری میشود. افغانستان در یک پهنا مرزی بایوم های (صحرا و جلگه) حاره ای و معتدل موقعیت دارد.

ECOSYSTEM: یک ساحه که از لحاظ اقلیم و جغرافیایی حاوی مجتمعات نمونه ای نباتات و حیوانات تعریف گردیده است.

EX SITU: حفاظت انواع نباتات یا حیوانات بیرون از زیستگاه های طبیعی آنها (مانند: باغ های وحش، بانک های جین)

FAUNA: انواع حیوانات

FLORA: انواع نباتات

GENE BANK: محل حفاظت مواد جنیتی/ارثی حیوانات یا نباتات. بانک جین های حیوانات نطفه و تخم را منجمد مینمایند؛ بانک جین های نباتات تخم ها یا قلمه های منجمد شده را نگهداری میکند.

HABITAT: زیستگاه- یک محیط فیزیکی یا بیولوژیکی که در آن یک موجود زنده امرار حیات میکند.

IN SITU: در ساحه اصلی- تحفظ ساحه های وسیع طبیعی و زیستگاه ها و اجزاء ترکیبی فیزیکی و بیولوژیکی آنها

INVASIVE ALIEN SPECIES: انواع بیگانه مهاجم- انواعیکه در یک ساحه بومی نیستند اما وقتیکه توسط انسان متعارف شوند، به آسانی مستقر می شوند که با انواع بومی مقابله و در نتیجه جاگزین آنها میگردد.

LAND RACE: حیوانات و نباتات که با یک محیط زیست طبیعی سازگار و در آن زندگی مینمایند (یا نشئت نموده اند)

RED LIST: فهرستی از نباتات و حیوانات که با خطر انقراض مواجه باشند، اکثراً به سبب از دست دادن زیستگاه یا مرگ و میر مستقیماً ناشی از فعالیت های انسان.

ضمیمہ II: مآخذ

- Adil, A.W. 2000. National Biodiversity Strategies and Action Plans (NBSAP): Afghanistan. 1st Workshop on National Biodiversity Strategies & Action Plans in Northeast and East Central Asia: Experience and Lessons. 26-28 April, Beijing, China. <http://bpspneca.brim.ac.cn/calendars/workshop-1/8.html>
- Anonymous. 2006. AmphibiaWeb. Checklist for Afghanistan. http://amphibiaweb.org/cgi-bin/amphib_query?query_src=aw_maps_geoasia&rel-isocc=like&orderbyaw=Family&where-isocc=Afghanistan Accessed April 2006.
- BirdLife International. nd. Afghanistan. <http://www.birdlifemed.org/Contries/afghanistan/afghanistan.html>. Accessed April 2006
- Bohan, S. 2003. UC Davis agricultural team will go back to fruits' roots: Officials to visit Afghanistan to repatriate plants. San Francisco Chronicle, Dec 1, 2003. <http://www.sfgate.com/cgi-bin/article.cgi?file=/chronicle/archive/2003/12/01/MNGOa3CNS91.DTL>
- CIA World Factbook. <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/af.html#People>. Accessed February 2006
- Coad, B.W. 1981. Fishes of Afghanistan, an annotated checklist. Ottawa: National Museum of Canada; 1981Publications in Zoology No. 14.
- Diamond, J. 1999. Guns, germs and steel: the fates of human societies. W.W. Norton & Co., New York.
- Diamond, J. 2005. Collapse: How societies choose fail or succeed. Viking. New York.
- Dickenson, E.C. (ed.) 2004. The Howard and Moore Complete Checklist of the Birds of the World. 3rd ed., Christopher Helm, London.
- Dieterle, A. 1973. Vegetations kundliche untersuchungen im gebiete von Band-e Amir (Zentral Afghanistan). Inaug. Diss. Univ. München. 24 pp.
- Earthtrends. 2003. Forests, grasslands and drylands—Afghanistan. http://earthtrends.wri.org/pdf_library/country_profiles/for_cou_004.pdf. Accessed April 2006.
- Evans, M.I. 1994. Important bird areas of the Middle East. BirdLife International Conservation Series No. 2. Cambridge.
- FAO 2003. Afghanistan: Survey of the horticultural sector 2003. http://www.fao.org/documents/show_cdr.asp?url_file=/docrep/007/y5163e/y5163e00.htm
- FAO 2006. Afghanistan's agricultural prospects for the year ahead. http://www.unama-afg.org/docs/_UN-Docs/_fact-sheets/06may15-FAO-Factsheet-eng.pdf
- Fedak, G. nd. From a single seed: Tracing the Marquis wheat success story in Canada to its roots in the Ukraine. http://res2.agr.ca/publications/marquis/page01_e.htm#early_history
- Förstner, U. and G. Bartsch. 1970. Die Seen von Banda-Amir, Datscht-i-Nawar, Ob-i-Istada und Hamun-i-Puzak (Zentral und Südwestafghanistan). Science (Kabul) 6: 19 – 23. In Shank, C.C. and W.F. Rodenburg. 1977. Management Plan for Ab-i-Estada and Dashte Nawar Flamingo and Waterfowl Sanctuaries. FO: DP/AFG/74/016.
- Freitag, H. 1971. Die natürliche Vegetation Afghanistans. Beiträge zur Flora und Vegetation Afghanistans I. Vegetatio. Acta Geobotanica. 22: 285-349.
- Freitag, H. 1972. Studies in the natural vegetation of Afghanistan. P.H. Davis. Plant life of South-West Asia. Edinburgh: Royal Botanic Garden. p 89-106.
- Freitag, H. 1986. Notes of the distribution climate and flora of the sand deserts of Iran and Afghanistan. Proc. Royal Soc. of Edinburgh Section B (Biological Sciences) 89: 135 – 146.

ضمیمه II: مآخذ

- Frey, W. 1977. Die Lebermoose des Iran und Afghanistans. *Bryologist* 77, No. 1: 48 – 56.
- Future Harvest. 2002. Looters Destroy Afghanistan's Seed Collections. International Genebanks Launch Major Effort to Rebuild Lost Crop Collection. http://www.futureharvest.org/news/genebanks_0902.shtml
- Government of Afghanistan. 2007. Environment Sector Strategy 1387-1391 (2007/08-2012/13). Afghanistan National Development Strategy (ANDS). Government of Islamic Republic of Afghanistan.
- Government of Afghanistan. 2012. National Priority Program 1: National Water and Natural Resources Development Programme. Draft for consultation. Government of Islamic Republic of Afghanistan Agriculture and Rural Development Cluster.
- Groombridge, B. (ed.) 1992. *Global Biodiversity: Status of the Earth's Living Resources*. A report compiled by the World Conservation Monitoring Centre. Chapman and Hall, London.
- Groombridge, B. and M. Jenkins, (eds). 1994. *Biodiversity Data Sourcebook*. Compiled by the World Conservation Monitoring Centre. World Conservation Press, Cambridge, UK.
- Habibi, K. 2003. *Mammals of Afghanistan*. Zoo Outreach Organization, Coimbatore, India, 168 +iv pp.
- Habibi, K. nd a. Checklist of the birds of Afghanistan. <http://fwie.fw.vt.edu/afghanistan/BirdChecklist.html>. Accessed April 2006.
- Habibi, K. 2002. The vertebrate fauna of Afghanistan. <http://fwie.fw.vt.edu/afghanistan/Fauna.htm>. Accessed April 2006.
- ICARDA. 2002. Afghanistan seed and crop improvement situation assessment. Draft document. http://www.icarda.org/seed_unit/pdf/FINAL-DRAFT.pdf
- IUCN 2004. 2004 IUCN Red List of Threatened Species. <www.iucnredlist.org>. Accessed April 2006.
- IUCN and UNEP. 2014. *The World Database on Protected Areas (WDPA)*. UNEP-WCMC. Cambridge, UK. Available at www.protectedplanet.net
- IUCN. 1993. *Nature Reserves of the Himalaya and the Mountains of Central Asia*. Compiled by Michael J.B. Green. 481 pp.
- Jamil, A. 1994. Mission to the Ab-i-Istada, Ghazni Province, Afghanistan, 23.10.93 to 23.11.93. Unpubl. Report. Cited in Scott, D.A. 1995. *A directory of wetlands in the Middle East*. IUCN Gland, Switzerland and IWRB, Slimbridge, U.K.
- Khan, A. 2000. Research Feasibility Study at Lake Ab-i-Estada in preparation for M.S. degree course in Conservation Biology and Sustainable Development from the University of Wisconsin at Madison (USA). <http://fwie.fw.vt.edu/afghanistan/Lake%20Ab-i-Estada%20.pdf>. Accessed April 2006.
- Khan, A. 2002. Impact of exotic technology on physical Environment and cultural practices in Abi-Estada. MSc. Thesis, Geography Department, University of Wisconsin, Madison, WI.
- Khan, A. 2006. Conservation Strategy for Wetland Protected Areas of Afghanistan. Asian Development Bank. pp31.
- Khan, U-u-N. and M. Iqbal. nd. Role and the size of livestock sector in Afghanistan. World Bank, Islamabad. 77pp. [http://lnweb18.worldbank.org/SAR/sa.nsf/Attachments/95/\\$File/aflvstk.pdf](http://lnweb18.worldbank.org/SAR/sa.nsf/Attachments/95/$File/aflvstk.pdf)
- Klockenhoff, H. and Madel, G. 1970. Uber die Flamingoes (*Phoenicopterus ruber*) der Dasht-i-Nawar in Afghanistan. *J. Ornithologie* 111: 78-84. In C.C. Shank and W.F. Rodenburg. 1977. Management Plan for Ab-i-Estada and Dashte Nawar Flamingo and Waterfowl Sanctuaries. Kabul. UNDP, FAO and Department of Forests and Range, Ministry of Agriculture. 43 pp. FO: DP/AFG/74/016.

ضمیمه II: مأخذ

- Larsson, P.Y. 1978. Status of alpine rangelands in central Afghanistan with special reference to the Ajar Valley Wildlife Reserve. FAO, FO: DP/AFG78/007, Field Report No. 1. Kabul. In A. Dieterle. 1973. Vegetations kundliche untersuchungen im gebiete von Band-e Amir (Zentral Afghanistan). Inaug. Diss. Univ. München. 24 pp.
- Leviton, A.E. and S.C. Anderson. 1970. The amphibians and reptiles of Afghanistan, a checklist and key to the herpetofauna. Series/Edition 4, Proceedings of the California Academy of Science 38: 163-206.
- Lowe, S., Browne, M., Boudjelas, S. and M. De Poorter. 2000. 100 of the World's Worst Invasive Alien Species: A selection from the Global Invasive Species Database. Published by The Invasive Species Specialist Group (ISSG), a specialist group of the Species Survival Commission (SSC) of the World Conservation Union (IUCN), 12pp. First published as special lift-out in Aliens 12, December 2000. Updated and reprinted version: November 2004.
- Mirza, M.R. 1986. Ichthyogeography of Afghanistan and adjoining areas. Pakistan. Journal of Zoology 18(4): 331 – 339.
- Niethammer, G. 1967. Zwei Jahre Vogelbeachtungen an stehenden Gewässern bei Kabul. In Afghanistan J. Ornithologie 108: 119 – 164. In A. Rahim and J.Y. Larsson. 1978. A Preliminary Study of Lake Hashmat Khan with Recommendations for Management. FO:DP/AFG/74/016.
- Nogge, G. 1974. Beobachtungen an den Flamingobrutplätzen. Afghanistan J. Ornithologie 115: 142-151. In C.C. Shank and W.F. Rodenburg. 1977. Management Plan for Ab-i-Estada and Dashte Nawar Flamingo and Waterfowl Sanctuaries. Kabul. UNDP, FAO and Department of Forests and Range, Ministry of Agriculture. 43 pp. FO: DP/AFG/74/016.
- Oliver, M. 2004. Grape gardens in the desert. Roots of Peace website. <http://www.rootsofpeace.org/press/GRAPEGARDENSINTHEDESERT.htm>
- Omrani, B. and M. Leeming. 2005. Afghanistan: A companion and guide. Odyssey Books and Guides, Hong Kong. 768 pp.
- Petocz, R.G. 1978a. Report on the Afghan Pamir. Part 1: Ecological reconnaissance. FAO FO: DP/AFG/74/016, Field Document No. 5. Kabul.
- Petocz, R.G. 1978b. Report on the Afghan Pamir. Part 2: Biology of Marco Polo Sheep. FAO FO:DP/AFG/74/016, Field Document No. 6. Kabul.
- Petocz, R.G. 1978c. Report on the Afghan Pamir. Part 23: Management Plan for the Big Pamir Wildlife Reserve. FAO FO: DP/AFG/74/016, Field Document No. 7. Kabul.
- Petocz, R.G. 2006a. Interim management plan for Dasht-e Nawar. Unpubl. Report submitted to UNEP.
- Petocz, R.G. 2006b. Information Sheet on Ramsar Wetlands Ramsar nomination document for Dashte Nawar.
- Petocz, R.G. 2006c. Interim management plan for Kol-e Hashmat Khan. Unpubl. rep. submitted to UNEP
- Petocz, R.G. and J.Y. Larsson. 1977. Ecological reconnaissance of western Nuristan with recommendations for management. FAO, FO:DP/AFG/74/016. Field Document #9, Kabul.
- Petocz, R.G. and K. Habibi. 1975. The flamingos of Ab-i-Estada and Dashte Nawar. Ghazni Province, Afghanistan. FAO report. FO/DP/AFG/72/005.
- Petocz, R.G., Rodenburg, W.F. and K. Habibi. 1976. The birds of Hamun-i-Puzak. Unpubl. FAO report.
- Petr, T. 1999. Coldwater fish and fisheries in Afghanistan. FAO Fish. Tech. Pap. No. 385. Pages 138 -

ضمیمہ II: مآخذ

148. http://www.fao.org/documents/show_cdr.asp?url_file=/DOCREP/003/X2614E/x2614e08.htm. Accessed April 2006.
- Population Reference Bureau. 2005. 2005 World Population Data Sheet. http://www.prb.org/pdf05/05WorldDataSheet_Eng.pdf. Accessed February 2006.
- Rahim, A. and J.Y. Larsson. 1978. A Preliminary Study of Lake Hashmat Khan with Recommendations for Management. FO:DP/AFG/74/016.
- Rasmussen, P.C. and J.C. Anderton. 2005. Birds of South Asia: The Ripley Guide. Vol. 1: Field Guide; Vol 2. Attributes and Status. Lynx Edicions and Smithsonian Institution. Washington D.C. and Barcelona.
- Sauey, R. 1985. The range, status and winter ecology of the Siberian Crane (*Grus leucogeranus*). PhD thesis, Cornell University, Ithaca, NY.
- Sayer, J. A. and Van der Zon, A. P. M. 1981. National Parks and Wildlife Conservation, Afghanistan. A Contribution to a Conservation Strategy. Rome: FAO; Technical Report.
- Scott, D.A. 1995. A directory of wetlands in the Middle East. IUCN Gland, Switzerland and IWRB, Slimbridge, U.K
- Shank, C. C. and W.F. Rodenburg. 1977. Management Plan for Ab-i-Estada and Dashte Nawar Flamingo and Waterfowl Sanctuaries. Kabul. UNDP, FAO and Department of Forests and Range, Ministry of Agriculture. 43 pp. FO: DP/AFG/74/016.
- Shank, C.C., Petocz, R.G. and K. Habibi. 1977. A preliminary management plan for the Ajar Valley Wildlife Reserve. FO: DP/AFG/74/016.
- Solem, A. 1979. The molluscs of Afghanistan. Fieldiana Zoology New Series 1(1), pp. 1 – 89.
- Steiner, M. & J. Poelt. 1986. Lichenotheca Afghanica Faszikel 1 - Institut für Botanik, Graz.
- Toderich, K. and Tsukatani. 2005. Water/Pasture Assessment of Registan Desert (Kandahar and Helmand Provinces). Discussion Paper No. 606. Kyoto Institute of Economic Research, Kyoto University, Kyoto Japan. <http://www.kier.kyotou.ac.jp/DP/DP606.pdf>
- UNEP. 2008. Biodiversity Profile of Afghanistan: An Output of the National Capacity Needs Self-Assessment for Global Environment Management (NCSA) for Afghanistan. UNEP Post-Conflict and Disaster Management Branch.
- UNEP-WCMC. 2009. World Database on Protected Areas. <http://sea.unep-wcmc.org/wdbpa/>.
- UNHCR Return to Afghanistan <http://www.unhcr.ch/cgi-bin/texis/vtx/afghan> Accessed February 2006.
- UNHCR. 1990. Background Report, Ghazni Province. Data Collection for Afghan Repatriation Project.
- United Nations Environment Programme (UNEP). 2003a. Post-conflict environmental assessment: Afghanistan. UNEP, Geneva. 176pp.
- United Nations Environment Programme (UNEP). 2003b. Afghanistan Wakhan Mission Technical Report. UNEP, Geneva. 104 pp.
- United Nations Environment Programme (UNEP). 2006. History of Environmental Change in the Sistan Basin Based on Satellite Image Analysis: 1976 – 2005. UNEP, Geneva. 60 pp.
- United Nations Population Division. 2006. World Urbanization Prospects: The 2003 Revision Population Database. <http://esa.un.org/unup/p2kodata.asp>. Accessed April 2006.
- UNOSAT nd. http://unosat.web.cern.ch/unosat/asp/prod_free.asp?id=13

ضمیمه II: مآخذ

Ward, R.A. 1972. The mosquitoes of Afghanistan – an annotated checklist. *Mosquito Systematics* 4, No. 3: 93 – 97.

Wendelbo, P. 1966. Trekk av Afghanistanes plantegeografi. *Botanica Gothoburgensia*. Cited in Larsson, P.Y. 1978. Status of alpine rangelands in central Afghanistan with special reference to the Ajar Valley Wildlife Reserve. FO:DP/AFG78/007, Field Report No. 1.

World Resources Institute. 2005. *The wealth of the poor: managing ecosystems to fight poverty*. Washington, D.C.

Yalcin, B.C. 1979. The sheep breeds of Afghanistan, Iran and Turkey. FAO/UNEP, Project FP/1108-76-02 (833). In A.W. Adil. 2000. National Biodiversity Strategies and Action Plans (NBSAP): Afghanistan. 1st Workshop on National Biodiversity Strategies & Action Plans in Northeast and East Central Asia: Experience and Lessons. 26-28 April, Beijing, China. <http://bbspneca.brim.ac.cn/calendars/workshop-1/8.html>

ضمیمه III: فهرست نامه مشروح از ارزیابی ها، بازبینی ها و بانک ارقام/دیتابیس مرتبط به وضعیت تنوع بیولوژیکی و پلانگذاری مدیریت در افغانستان

عادل، عبدالواحد. ۲۰۰۱. تلفیق تنوع بیولوژیکی در طرزالعمل های ملی ارزیابی محیط زیستی. مطالعات موردی ملی. افغانستان. برای حمایت برنامه پلانگذاری تنوع بیولوژیکی (GEF، UNDP، UNEP، WB) ایجاد گردیده است که خلاصه ای از وضعیت محیط زیستی در افغانستان؛ خلاصه نگرانی های مهم، غنای تنوع بیولوژیکی و ساحات دارای اهمیت ایکولوژیکی؛ توجیه برای نیاز به یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل و طرزالعمل های ارزیابی اثرات محیط زیستی را فراهم مینماید.

گروپ کاری تنوع بیولوژیکی و تالاب ها. ۲۰۰۸. گزارش نهایی موضوعی. یک دستاورد تخنیکي پروژه های «خود-ارزیابی نیازمندی های ظرفیت ملی برای مدیریت جهانی محیط زیست (NCSA) و برنامه ملی عمل سازگاری برای تغییر اقلیم (NAPA). دولت جمهوری اسلامی افغانستان / GEF/ UNEP: که یک نمای تنوع بیولوژیکی در افغانستان، بازبینی نهاد های موجود و ظرفیت، بازبینی وضعیت فعالیت های موجودی، و شناسایی نیازمندی های ظرفیت و فرصت ها برای ظرفیت سازی به سطح انفرادی، سازمانی و سیستم، را فراهم مینماید. اولویت ها برای تطبیق کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD) در افغانستان شرکت کلی در فعالیت های این کنوانسیون؛ ایجاد یک استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی و پلان عمل؛ تعیین وضعیت تنوع بیولوژیکی افغانستان و آغاز یک پروسه ملی فهرست سازی سرخ برای پستانداران افغانستان؛ ایجاد یک سیستم نمایندگی ساحات حفاظت شده؛ تطبیق CITES؛ بالا بردن آگاهی عامه پیرامون تنوع بیولوژیکی و استفاده پایدار از آن؛ ایجاد مدیریت جنگلات، چرا گاه ها و تالاب با مشارکت مردم؛ و درک و کاربرد شیوه های عنعنوی و تجارب حفاظت و کاربرد پایدار، می باشد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۱۰. قانون گیاه های طبی. مسوده قانون (نسخه ۱۰) دارای مقاصد تحفظ و استفاده پایدار از گیاه های طبی می باشد. شامل فصل های پیرامون ماده های عمومی، ترتیب نهادی، پلانگذاری و مقتضیات حفاظت، تخصیص حقوق منابع، ماده های توريد و تصدير، دستورات اداری و حل منازعات، می باشد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۰۹. مسوده پلان عمل ملی محیط زیستی. در مطابقت با قانون محیط زیست (۲۰۰۷)، «یک پلان عمل محیط زیستی که فوریت و اهمیت یک اقدام که باید در کوتاه، میان و دراز مدت در جهت جلوگیری، ازاله و کاهش اثرات منفی که در گزارش اخیر وضعیت محیط زیستی تشریح گردیده، و در مشوره با وزرات ها و نهاد های مرتبط، یک استراتژی هماهنگ شده را تعیین و برای تطبیق این اقدامات، جدول زمانی مرتب سازد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۰۹. قانون جنگلات. مسوده قانون (در حال حاضر در ولسی جرگه تحت بررسی قرار دارد) چارچوبی را برای مدیریت جنگلات با مشارکت مردم محل، جهت تحفظ، بازسازی، کاربرد و برداشت پایدار از آنها، ایجاد مینماید. همچنان وظایف/مکلفیت های نهاد های مرتبط را شناسایی، برای مدیریت ساحات جنگل و نیز مدیریت تخطی ها و منازعات مقررات را وضع مینماید.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۰۸. قانون علفچر. ترجمه انگلیسی مسوده قانون علفچر، که متعلق به «استفاده پایدار و مدیریت منابع علفچر دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای منفعت نسل های کنونی و آینده افغانستان» می باشد. این قانون بر فصل های پیرامون مقررات عمومی، دسته بندی علفچرها، اصول عمومی مدیریت علفچر ها، علفچر های خصوصی، علفچر های مجتمع، علفچر های دولتی، ترتیبات نهادی، تخطی ها و حل منازعات، مشتمل میباشد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۰۸. استراتژی ملی انکشافی افغانستان ۱۳۸۷-۱۳۹۱ (۲۰۰۸-۲۰۱۳). یک استراتژی موقت برای امنیت، حکومت داری، رشد اقتصادی و فقر زدایی. استراتژی ها به سطح ملی در مورد محیط زیست، توضیح مسؤولیت ها در عرصه محیط زیست و تقویت ظرفیت اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، طرح و تطبیق یک چارچوب قانونی و مدیریتی که استفاده پایدار از منابع طبیعی را اطمینانی سازد، ایجاد ظرفیت محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی در داخل وزرات های زیربط، آغاز مدیریت منابع طبیعی به مشارکت مردم و متعارف نمودن تعلیمات محیط زیستی و آموزش های حرفوی.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان. ۲۰۰۷. قانون محیط زیست. ترجمه انگلیسی غیر رسمی قانون محیط زیست (۲۰۰۷) که به «مدیریت مسائل مرتبط به بازسازی محیط زیست و حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی، موجودات زنده و غیر زنده» تعلق دارد. این قانون شامل فصل های پیرامون مدیریت فعالیت های محیط زیست؛ کنترل منسجم آلودگی؛ نگرانی های محیط زیستی مرتبط به حفاظت و مدیریت منابع آب؛ حفاظت و مدیریت تنوع بیولوژیکی و منابع طبیعی (بشمول استراتژی ملی تنوع بیولوژیکی)، مدیریت ساحات حفاظت شده، مدیریت منابع طبیعی بیرون از ساحات حفاظت شده، استفاده پایدار و حفاظت انواع، تجارت انواع، دسترسی به منابع جنیتی؛ معلومات محیط زیستی، تعلیم و آموزش دهی؛ و تحقیق، رعایت و تنفیذ، می باشد.

وزارت زراعت، آبیاری و مالداری. ۲۰۰۹. چهارمین گزارش ملی به کنوانسیون تنوع بیولوژیکی افغانستان. وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. میزان موفقیت افغانستان در رسیدگی به تنوع بیولوژیکی و اهداف انکشاف هزاره و کاهش اندازه ضیاع تنوع بیولوژیکی، را ارزیابی می نماید. افزایش سریع جمعیت انسانی یک چالش مهم و اساسی در برابر تحفظ تنوع بیولوژیکی می باشد.

ضمیمه III: فهرست نامه مشروح از ارزیابی ها، بازبینی ها و بانک ارقام/دیتابیس مرتبط به وضعیت تنوع بیولوژیکی و پلانگذاری مدیریت در افغانستان

تهدید های قریبی عبارت از غصب زمین، شکار مفرط، قطع جنگلات، چراء مفرط، جمع آوری بوته ها، زراعت للمی، و تغییر اقلیم که همه اینها رو به خرابی اند. افغانستان قادر نخواهد بود تا بر اهداف کاهش از دست دادن تنوع بیولوژیکی، کنوانسیون تنوع بیولوژیکی را در آینده قابل پیش بینی، فایق آید.

وزارت زراعت، آبیاری و مالداری. ۲۰۰۸. پالیسی و استراتژی برای مدیریت سکتور های فرعی جنگلات و علفچر. وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. استراتژی های آینده را برای مدیریت جنگلات و علفچر (بشمول منابع حیات وحش) در افغانستان، بر مبنای یک تعادل بین افزایش تولیدات و حاصلدهی در تمام استفاده های زمین برای زراعت، و نگهداری مؤثر و افزایش منابع طبیعی و حیات وحش، خلاصه مینماید.

وزارت زراعت، آبیاری و مالداری. ۲۰۰۶. گزارش ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیرامون تطبیق کنوانسیون ملل متحد در مورد مبارزه با صحرا سازی (UNCCD). وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. عوامل گسترش صحرا سازی در افغانستان و پروگرام های مرتبط به کنترل صحرا سازی را شناسایی می نماید. صحرا سازی در حال حاضر بیشتر از ۷۰٪ از مجموع ساحات زمین را در مناطق شمالی، غربی و جنوبی کشور، متأثر و منتج به از بین رفتن منابع ارزشمند جنگلات، از دست دادن دسترسی به چرا گاه ها، فرسایش خاک به سبب جریان تند آب بالای منابع آب تأثیر میگذارد.

اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA). ۲۰۰۷. اداره ملی حفاظت محیط زیست استراتژی برای استراتژی ملی انکشاف افغانستان (با ترکیب بالای اولویت دهی). اداره ملی حفاظت محیط زیست دولت جمهوری اسلامی افغانستان. استراتژی NEPA و نتایج متوقعه اولویت در داخل ANDS، هدف ایکه «حفظ تمامیت محیط زیستی افغانستان و حمایت انکشاف پایدار منابع طبیعی آن از طریق مرتب نمودن پالیسی های مؤثر محیط زیستی، چارچوب های تنظیمی و خدمات مدیریت که با اهداف انکشافی هزاره مطابقت دارند، به تفصیل بیان مینماید.

UNEP و NEPA. ۲۰۰۸. محیط زیست افغانستان ۲۰۰۸. اداره ملی حفاظت محیط زیست دولت جمهوری افغانستان و پروگرام محیط زیست ملل متحد. وضعیت محیط زیست افغانستان سال ۲۰۰۸ را بشمول چالش های کلیدی و فرصت ها؛ جغرافیه، اقتصاد و جمعیت؛ حکومت داری محیط زیستی؛ منابع آب؛ چرا گاه ها، جنگلات و تنوع بیولوژیکی؛ کاربرد زمین، زراعت و خاک؛ محیط زیست شهری؛ حوادث طبیعی و تغییر اقلیم؛ و انرژی و منابع متزالی/معدنی، بررسی مینماید.

UNEP و NEPA. ۲۰۰۷. رهنمای قانون محیط زیست افغانستان ۲۰۰۷. برنامه ایجاد ظرفیت و انکشاف نهادی برای مدیریت محیط زیستی افغانستان. کمیسیون اروپایی/دولت فنلند/تسهیلات جهانی محیط زیست. این که قانون محیط زیست، چرا و چگونه ایجاد گردید، و تأثیرات آن بالای شهروندان و دولت افغانستان را بررسی و تشریح مینماید.

Shank, C. ۲۰۰۶. یک پلان عمل پیشنهادی برای حفاظت تنوع بیولوژیکی و تالاب های افغانستان: ۲۰۰۷-۲۰۱۰. خود-ارزیابی ظرفیت ملی (NCSA) و برنامه ملی عمل سازگاری (NAPA) برای افغانستان. اقدامات دارای اولویت که جهت رسیدگی به تنوع بیولوژیکی برای افغانستان ضروری میباشد را، خلاصه مینماید. اینها شامل: (۱) کنوانسیون تنوع بیولوژیکی: تعیین یک مرجع تماس و ایجاد مهارت ها و ظرفیت؛ (۲) استراتژی تنوع بیولوژیکی افغانستان: ایجاد یک استراتژی ملی مفصل، دراز مدت و کامل؛ (۳) وضعیت تنوع بیولوژیکی: ایجاد یک پروسه تهیه فهرست سرخ برای پستانداران افغانستان؛ (۴) سیستم ساحات حفاظت شده؛ (۵) سیستم پیش گیرانه CITES: وضع یک سیستم فعال، یک سیستم فابنده ساحات حفاظت شده؛ (۶) آگاهی عامه و تعلیم برای تنوع بیولوژیکی و استفاده پایدار: ایجاد یک پروگرام ملی تعلیم و آگاهی در مورد تنوع بیولوژیکی؛ (۷) مدیریت جنگلات، چرا گاه ها و تالاب ها با مشارکت مردم؛ (۸) شیوه های عنعنوی و تجارب حفاظت و استفاده پایدار: ایجاد یک شیوه منفرد استراتژیکی جهت تطبیق یک پروگرام ملی حفاظت با مشارکت مردم که دانش و عملکرد ها را کاملاً شامل مینماید.

UNEP. ۲۰۰۹. از جنگ الی تأمین صلح. نقش منابع طبیعی و محیط زیست، پروگرام محیط زیست ملل متحد، ناپروبی. برای شامل نمودن مسائل محیط زیست و منابع طبیعی در پروژه های تأمین صلح و جلوگیری از منازعات، بشمول مطالعات موردی از افغانستان، یک نظر کلی را فراهم می نماید.

UNEP. ۲۰۰۸. موافقتنامه های چندین جانبه محیط زیستی: یک کتاب رهنما برای کارمندان افغانستان. بخش مدیریت حوادث بعد از جنگ، پروگرام محیط زیست ملل متحد. موافقتنامه های چندین جانبه محیط زیستی مرتبط به افغانستان، بشمول (با ذکر مشخص تنوع بیولوژیکی) کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، کنوانسیون ملل متحد پیرامون مبارزه با صحرا سازی، کنوانسیون تغییر اقلیم، کنوانسیون تجارت بین المللی انواع حیوانات و نباتات در معرض خطر، و کنوانسیون رامسر پیرامون تالاب های دارای اهمیت بین المللی بخصوص منحصت زیستگاه مرغان آبی.

ضمیمه III: فهرست نامه مشروح از ارزیابی ها، بازبینی ها و بانک ارقام/دیتابیس مرتبط به وضعیت تنوع بیولوژیکی و پلانگذاری مدیریت در افغانستان

UNEP. ۲۰۰۳. ارزیابی اثرات محیط زیستی بعد از جنگ افغانستان. پروگرام محیط زیست ملل متحد، نایروبی. یک ارزیابی و تحلیل مفصل از وضعیت محیط زیستی بعد از جنگ در افغانستان را، بشمول تشریح وضعیت کشور، محیط شهری، مدیریت منابع طبیعی و محیط زیستی، و پیشنهاد های مفصل که بیشتر آنها به ساحات حفاظت شده و تحفظ تنوع بیولوژیکی مرتبط اند، فراهم می نماید.

UNEP و NEPA. ۲۰۰۹. خود-ارزیابی نیازمندی های ظرفیت ملی برای مدیریت جهانی محیط زیستی (NCSA) و برنامه ملی عمل سازگاری (NAPA). گزارش نهایی مشترک. پروگرام محیط زیست ملل متحد. گزارش دهی جامع را پیرامون پروسه های NCSA و NAPA و اقدامات تعقیبی که لازم است انجام گردد، فراهم می نماید. «اهداف NAPA عبارت از ۱) شناسایی پروژه ها و فعالیتهای دارای اولویت که با مجتمعات در سازگاری در برابر اثرات منفی تغییر اقلیم کمک میکند؛ ۲) تشریح مساعی با MEA های موجود و فعالیت های انکشافی، با ترکیز بالای کاهش و سازگاری در برابر اثرات منفی تغییر اقلیم؛ و ۳) نگرانی های تغییر اقلیم را در پروسه های پلانگذاری ملی شامل مینماید.»

UNEP و NEPA. ۲۰۰۸. محیط زیست افغانستان ۲۰۰۸. اداره ملی حفاظت محیط زیست دولت جمهوری اسلامی افغانستان و پروگرام محیط زیست ملل متحد. وضعیت محیط زیست افغانستان سال ۲۰۰۸ را بشمول چالش ها و فرصت ها؛ جغرافیه، اقتصاد، و جمعیت؛ مدیریت محیط زیستی؛ منابع آب؛ چرا گاه ها؛ جنگلات و تنوع بیولوژیکی؛ استفاده از زمین و خاک؛ محیط زیست شهری؛ حوادث طبیعی و تغییر اقلیم؛ منابع انرژی و معادن را بررسی مینماید. در پنج سال اخیر درمورد مدیریت محیط زیستی دستاورد های مهمی حاصل گردیده است. از شامل نمودن محیط زیست در اجندا های بازسازی و بودجه ملی، حصول دستاورد های بزرگ دیگر متوقع می باشد.

UNEP و NEPA. ۲۰۰۷. رهنمای قانون محیط زیست افغانستان ۲۰۰۷. برنامه ظرفیت سازی انکشاف نهادی UNEP برای مدیریت محیط زیستی در افغانستان. پروگرام محیط زیست ملل متحد و اداره ملی حفاظت محیط زیست. مقاصد و پیشینه نهادی قانون جدید محیط زیست را، که «یک چارچوب تنظیمی برای استفاده و مدیریت پایدار منابع طبیعی افغانستان، تشریح نموده برای تحفظ و بازسازی محیط زیست در حصول اهداف مشخص، سیاسی، اقتصادی، بازسازی و ایکولوژیکی، رهنمایی فراهم مینماید.»

UNEP، NEPA و GEF. ۲۰۰۹. نمای تنوع بیولوژیکی افغانستان. یک محصول خود-ارزیابی نیازمندی های ظرفیت ملی برای مدیریت جهانی محیط زیست (NCSA) برای افغانستان. بخش مدیریت حوادث بعد از جنگ پروگرام محیط زیست ملل متحد. یک خلاصه مفصل از وضعیت کنونی دانش پیرامون وضعیت تنوع بیولوژیکی افغانستان را، بشمول اقدامات حفاظت دارای اولویت، و فهرست بیشتر از ۵۰۰ نشریه، فراهم مینماید.

ضمیمه IV: منابع اضافی برای دست اندرکاران NBSAP

وب سایت ها

CBD 2011-2020 Strategic Plan: <http://www.cbd.int/sp/>

CBD Capacity Building Modules: <http://www.cbd.int/nbsap/training/>

CBD Quick Guides for Aichi Targets: <http://www.cbd.int/nbsap/training/quick-guides/>

CBD Strategic Plan Indicators: <http://www.cbd.int/sp/indicators/>

BIP National Biodiversity Indicators Portal: <http://www.bipnational.net/>

NBSAP Forum: <http://www.nbsapforum.net/>

نشریات

Biodiversity Indicators Partnership (BIP). 2010. Biodiversity indicators and the 2010 Target: Experiences and lessons learnt from the 2010 Biodiversity Indicators Partnership. Technical Series No. 53. CBD, Montréal, Canada.

Biodiversity Indicators Partnership (BIP). 2011. Guidance for national biodiversity indicator development and use. UNEP-WCMC, Cambridge, UK.

Bubb, P., Chenery, A., Herkenrath, P., Kapos, V., Mapendembe, A., Stanwell-Smith, D. & Walpole, M. 2011. National Indicators, Monitoring and Reporting for the Strategy for Biodiversity 2011-2020. UNEP WCMC, Cambridge, UK.

Bubb, P., Jenkins, J. & Kapos, V. 2005. Biodiversity Indicators for National Use: Experience and Guidance. UNEP-WCMC, C .

CBD. 2010. Global Biodiversity Outlook 3. Convention on Biological Diversity, Montréal, Canada.

CBD. 2011. Report of the Ad Hoc Technical Expert Group on Indicators for the Strategic Plan for Biodiversity 2011-2020. High Wycombe, United Kingdom, 20-24 June 2011. UNEP/CBD/SBSTTA/15/INF/6.

CBD. 2011. Suggested Indicators for the Strategic Plan for Biodiversity 2011-2020 and the Aichi Biodiversity Targets. UNEP/CBD/SBSTTA/15/2.

EASAC. 2005. A user's guide to biodiversity indicators. The Royal Society, London, UK.

Levrel, H. 2007. Selecting indicators for the management of biodiversity. Institut Français de la Biodiversité, Paris, France.

Prip, C., Gross, T., Johnston, S. & Vierros, M. 2010. Biodiversity Planning: an assessment of national biodiversity strategies and action plans. United Nations University Institute of Advanced Studies, Yokohama, Japan.

UNEP-WCMC & 2010 BIP. 2010. Biodiversity Indicators Capacity Strengthening: experiences from Africa. UNEP-WCMC, Cambridge, UK.

UNEP-WCMC. 2011. Developing ecosystem service indicators: Experiences and lessons learned from sub-global assessments and other initiatives. Technical Series No. 58. CBD, Montréal, Canada.

UNEP-WCMC & IEEP. 2013. Incorporating Biodiversity and Ecosystem Service Values into NBSAPs: Guidance to Support NBSAP Practitioners. UNEP-WCMC, Cambridge, UK.

UNEP-WCMC & IEEP. 2013. Incorporating Biodiversity and Ecosystem Service Values into NBSAPs: Roadmap to Support NBSAP Practitioners. UNEP-WCMC, Cambridge, UK.

ضمیمه IV: منابع اضافی برای دست اندرکاران NBSAP

رهنمود CBD COP پیرامون طرح NBSAPS

COP-9 Decision IX/8 on the "Review of implementation of Goals 2 and 3 of the Strategic Plan" paragraph 8 provides consolidated guidance to assist Parties in the development and revision of their NBSAP. This text is extracted below.

National Biodiversity Strategies and Action Plans

8. "...urges Parties in developing, implementing and revising their national and, where appropriate, regional, biodiversity strategies and action plans, and equivalent instruments, in implementing the three objectives of the Convention, to:

Meeting the three objectives of the Convention:

- a) Ensure that national biodiversity strategies and action plans are action-driven, practical and prioritized, and provide an effective and up-to-date national framework for the implementation of the three objectives of the Convention, its relevant provisions and relevant guidance developed under the Convention;
- b) Ensure that national biodiversity strategies and action plans take into account the principles in the Rio Declaration on Environment and Development adopted at the United Nations Conference on Environment and Development;
- c) Emphasize the integration of the three objectives of the Convention into relevant sectoral or cross-sectoral plans, programmes and policies;
- d) Promote the mainstreaming of gender considerations;
- e) Promote synergies between activities to implement the Convention and poverty eradication;
- f) Identify priority actions at national or regional level, including strategic actions to achieve the three objectives of the Convention;
- g) Develop a plan to mobilize national, regional and international financial resources in support of priority activities, considering existing and new funding sources;

Components of biodiversity strategies and action plans

- h) Take into account the ecosystem approach;
- i) Highlight the contribution of biodiversity, including, as appropriate, ecosystem services, to poverty eradication, national development and human well-being, as well as the economic, social, cultural and other values of biodiversity as emphasized in the Convention on Biological Diversity, making use, as appropriate, of the methodologies and conceptual framework of the Millennium Ecosystem Assessment;
- j) Identify the main threats to biodiversity, including direct and indirect drivers of biodiversity change, and include actions for addressing the identified threats;
- k) As appropriate, establish national, or where applicable, sub-national, targets, to support the implementation of national biodiversity strategies and action plans, consistent with the flexible framework established in decisions VII/30 and VIII/15, taking into account, as appropriate, other relevant strategies and programmes, such as the Global Strategy for Plant Conservation focusing on national priorities.

ضمیمه IV: منابع اضافی برای دست اندرکاران NBSAP

Support processes

- l) Include and implement national capacity-development plans for the implementation of national biodiversity strategies and action plans, making use of the outcomes of national capacity self-assessments in this process, as appropriate;
- m) Engage indigenous and local communities, and all relevant sectors and stakeholders including representatives of society and the economy that have a significant impact on, benefit from or use biodiversity and its related ecosystem services. Activities might include:
 - (i) Preparing, updating and implementing national biodiversity strategies and action plans with the participation of a broad set of representatives from all major groups to build ownership and commitment;
 - (ii) Identifying relevant stakeholders from all major groups for each of the actions of the national biodiversity strategies and action plans;
 - (iii) Consulting those responsible for policies in other areas so as to promote policy integration and multidisciplinary, cross-sectoral and horizontal co-operation to ensure coherence;
 - (iv) Establishing appropriate mechanisms to improve the participation and involvement of indigenous and local communities and civil society representatives;
 - (v) Striving for improved action and cooperation to encourage the involvement of the private sector, namely through the development of partnerships at the national level;
 - (vi) Strengthening the contribution of the scientific community in order to improve the science/policy interface to support research-based advice on biodiversity;
- n) Respect, preserve and maintain the traditional knowledge, innovations and practices of indigenous and local communities consistent with Article 8(j);
- o) Establish or strengthen national institutional arrangements for the promotion, coordination and monitoring of the implementation of the national biodiversity strategy and action plans;
- p) Develop and implement a communication strategy for the national biodiversity strategy and action plan;
- q) Address existing planning processes in order to mainstream biodiversity concerns in other national strategies, including, in particular, poverty eradication strategies, national strategies for the Millennium Development Goals, sustainable development strategies, and strategies to adapt to climate change and combat desertification, as well as sectoral strategies, and ensure that national biodiversity strategies and action plans are implemented in coordination with these other strategies;
- r) Make use of or develop, as appropriate, regional, subregional or subnational networks to support implementation of the Convention;
- s) Promote and support local action for the implementation of national biodiversity strategies and action plans, by integrating biodiversity considerations into subnational and local level assessments and planning processes, and, as and where appropriate, the development of sub-national and local biodiversity strategies and/or action plans, consistent with national biodiversity strategies and action plans;

ضمیمه IV: منابع اضافی برای دست اندرکاران NBSAP

Monitoring and review

- t) Establish national mechanisms including indicators, as appropriate, and promote regional cooperation to monitor implementation of national biodiversity strategies and action plans and progress towards national targets, to allow for adaptive management, and provide regular reports on progress, including outcome-oriented information, to the Secretariat for the Convention on Biological Diversity;
- u) Review national biodiversity strategies and action plans to identify successes, constraints and impediments, including revision of the strategies where necessary;
- v) Make available through the Convention's clearing-house mechanism national biodiversity strategies and action plans, including periodic revisions, and where applicable, reports on implementation, case studies of good practice, and lessons learned.

فهرست مخففات

گروپ تحفظ افغانستان	ACC
ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان	ANDS
کمیته اجرائیوی حیات وحش افغانستان	AWEC
پروگرام حمایت تنوع بیولوژیکی برای اداره ملی حفاظت محیط زیست	BSP
کنوانسیون تنوع بیولوژیکی	CBD
مدیریت منابع طبیعی مجتمع	CBNRM
کنوانسیون تجارت بین المللی انواع در معرض خطر	CITES
کنفرانس اعضاء (کنوانسیون تنوع بیولوژیکی)	COP
ریاست مدیریت منابع طبیعی	DNRM
قانون محیط زیست	EL
سازمان غذا و زراعت ملل متحد	FAO
شبکه معلومات منابع جنیتیکی وزارت زراعت ایالات متحده امریکا	GRIN
ساحات پرندگان مهم	IBAs
مرکزین المللی برای انکشاف منسجم ساحات کوهستان □	ICIMOD
سازمان (های) تطبیق کننده دولت	IGO
اتحادیه بین المللی برای حفاظت طبیعت	IUCN
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری	MAIL
موافقتنامه چندین جانبه محیط زیستی	MEA
وزارت تجارت	MoC
وزارت دفاع	MoD
وزارت معارف	MoE
وزارت انرژی و آب	MoEW
وزارت مالیه	MoF
وزارت امور خارجه	MoFA
وزارت تحصیلات عالی	MoHE
وزارت (امور) داخله	MoI
وزارت اطلاعات و فرهنگ	MoIC
وزارت عدلیه	MoJ
وزارت فواید عامه	MoPW
وزارت احیاء و انکشاف دهات	MoRRD
وزارت ترانسپورت	MoT
برنامه ملی عمل سازگاری برای تغییر اقلیم	NAPA
ستراتیژی ملی تنوع بیولوژیکی و برنامه عمل	NBSAP
خود ارزیابی نیازمندی های ظرفیت ملی	NCSA
اداره ملی حفاظت محیط زیست	NEPA
سازمان غیر دولتی	NGO
پروگرام کاستی خطرات برای حیوانات اهلی کوچی ها	PEACE
پروگرام کار در مورد ساحات حفاظت شده	POWPA
سازمان (های) مسؤول دولت	RGO
پروگرام انکشافی ملل متحد	UNDP
پروگرام محیط زیست ملل متحد	UNEP
اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا	USAID
انجمن تحفظ حیات وحش	WCS



Building Environmental Resilience



تقویت تاب آوری محیط زیستی